



شیده شادلو

جنبش اجتماعی زنان - ۵

● انقلاب کبیر فرانسه و صدور اعلامیه‌ی حقوق بشر، و آغاز نهضت‌های آزادی زنان در امریکا، تأثیر بسزایی در جامعه هلند و به خصوص زنان برجای گذاشت.

این بخش از سلسله مقاله‌های مربوط به جنبش‌های اجتماعی زنان و همگرایی بین‌المللی به فمینیسم در قرن نوزدهم و بیستم و فرجام‌شناسی فمینیسم اختصاص دارد. برای آگاهی خوانندگان این مقالات گفتنی است که بررسی روند فمینیسم بر نظام سرمایه‌داری آخرین بخش از جنبش اجتماعی زنان در غرب خواهد بود.

ج - بازتاب انقلاب فرانسه در جریان فمینیسم اروپا:

انقلاب فرانسه دارای تأثیرات بسیار زیادی در جریان فمینیستی در سطح اروپا بوده و منشأ تفکرات نوینی واقع گشته است. بارزترین نمود آن در انگلیس است: **ماری ول استون کرافت** در ۱۷۹۲ با الهام از انقلاب فرانسه یک مقاله‌ی فمینیستی تحت عنوان دادخواستی برای حقوق زنان منتشر کرد که در آن علیه آیین روسو و ایستار انقلابیون فرانسه و بورژوازی همه کشورها که دختران را از برابری آموزشی با پسران محروم می‌کنند، شوریدند. او به شدتی هرچه تمام‌تر از نقش آموزش و پرورش که دختران خردسال را به وابستگی و طنازی سوق می‌داد، پرده برداشت. کاری که سیمون دو نووار یک قرن و نیم بعد انجام داد. بر خلاف ادعاهای ژان ژاک روسو نمی‌توان از طبیعت زنانه مدد گرفت تا نقش زنان را به کلفتی خانه و خدمتگزاری همسر کاهش داد. او با اطمینان از این گفتار خود پیام فمینیستی را نشر می‌دهد که هنوز هم پیام فمینیست‌های امروزی است: وقت آن رسیده است که انقلابی در رسوم زنانه پدید آید و به زنان عزت و شرافت از دست رفته‌شان را بازگرداند و زنان به عنوان عضوی از جامعه‌ی انسانی سهمی در اصلاح جهان داشته باشند.^۱

۳ - فمینیسم در قرن نوزدهم الف - انگلستان:

در انگلستان انقلاب صنعتی باعث محروم شدن زنان از فعالیت‌های اقتصادی شده بود و از نیروهای محرک فمینیسم قرن ۱۹ بود.^۲ در این رابطه

شورش‌هایی ترتیب داده شد: در سال ۱۸۱۲ شورش‌های نانینگهام برای تثبیت قیمت گندم توسط زنانی هدایت شد که خواستار تثبیت قیمت گندم برای هر واحد مقیاس معادل شش پنس بود. زنان همراه با مردان در جنبش‌ها دست به مبارزه زدند. آن‌ها از ۱۸۳۰ وظیفه‌ی رهبری اتحادیه‌های کارگری را عهده دار شدند و همچنین رهبری در جریان اعتصابات کارگری ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ را به دست گرفتند. زنان انگلیسی به علاوه در محیط‌های عمومی در ایجاد سازمان‌های سندیکایی قدرتمند مشارکت جستند و شیوه‌ی مبارزه‌ی مؤثرتری از چهارچوب طغیان‌های مربوط به گندم را پدید آوردند.^۳

به لحاظ سیاسی نیز در این قرن از اعطای حق رأی به زنان ممانعت به عمل آمده و انگیزه‌ی دیگری برای تحریکات فمینیستی ایجاد می‌شود. جنبش حق رأی زنان از میان تحول روابط بین مردان و زنان در قرن نوزدهم ظهور کرد که بخشی از جنبش بزرگ‌تر رهایی زنان در قرن ۱۹ محسوب می‌شود... جنبش حق رأی به سه دلیل با جنبش زنان در ارتباط قرار می‌گیرد: اول - حق رأی یکی از حقوقی است که زنان احساس کردند حق آنان بوده و برای به دست آوردن این حق مبارزه کردند.

دوم - حق رأی ابزار بی‌همتایی جهت نیل به هدف اصلاحات اجتماعی محسوب می‌شد. در قرن ۱۹ برخی انسان دوستان طرفدار زن چنین استدلال نمودند که صرفاً انجمن‌های خیریه برای فعالیت‌های اجتماعی زنان کفایت نمی‌کند. همچنین مداخله‌ی دولت نیز در زمینه‌های مختلف در راستای پیشرفت اجتماعی لازم به نظر می‌رسد. آنان از این‌که حضور مستقیم سیاسی نداشتند به تنگ آمده بودند. همچنین اولین حامیان، تمایل داشتند که حق رأی را به عنوان یک ابزار به منظور اعمال فشار سیاسی در جهت ایجاد جامعه‌ای بهتر به کارگیرند. در حالی که در قرن ۲۰ حق رأی بی‌نفسه برای مبارزین تبدیل به یک هدف شد...

سوم - این‌که همان‌گونه که انتظار می‌رود زنانی که علاقه‌مند به کسب یکی از جنبه‌های حقوق خود بودند، حمایت خویش را از سایر جنبه‌های حقوق نیز اعلام کردند. پس بین مبارزات برای کسب حقوق مختلف

پیوند ایجاد شد. بنابراین ارتباطی درونی بین جنبش حق رأی زنان با جنبش زنان (به‌طور کلی) وجود دارد.^۴

در انگلستان نخستین بیانیه‌ی فمینیستی برای حقوق زنان در سال ۱۸۲۵ با امضای ویلیام تامسون انتشار یافت. هرچند تنظیم این متن با همکاری و با الهام از آنا ویلر صورت گرفت و در آن نظریه‌ی مشهور «منافع ضمنی» را که براساس آن حمایت از زنان متأهل باید از طریق قدرت شوهر باشد، افشاء می‌کند...^۵

در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم تقاضا برای برابری زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی به صورت بارزی مطرح شد. در انگلستان جنبش سیاسی زنان برای کسب حقوق سیاسی در سال ۱۸۶۵ آغاز شد... در سال ۱۸۶۹ **جان استوارت میل** فیلسوف سیاسی معروف انگلیسی کتابی تحت عنوان اسارت زنان نوشت که مورد استقبال عمومی قرار گرفت و خود نخستین لایحه برای اعطای حق رأی به زنان را به پارلمان انگلیس تقدیم کرد.^۶

در ۱۸۵۱ و ۱۸۶۸ در انگلستان انجمن‌هایی از زنان تشکیل شد که برای کسب حقوق سیاسی زنان مبارزه می‌کردند. آنان برای انتخاب **جان استوارت میل** مدافع بزرگ حقوق زنان به عضویت پارلمان دست به فعالیت زدند.^۷

جان استوارت میل و همسرش **هاریت تایلور** در قرن نوزدهم از معروف‌ترین طرفداران نظریه‌ی تممیم حقوق فردی اومانیستی به زنان بودند. از دیگر نامداران این گروه می‌توان از **سارا کریمکه** و **فرانسیس رایت** نام برد، این‌ها نخستین رهبران فمینیسم لیبرالی قرن نوزدهم بودند.^۸

ب - فرانسه:

در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم هواداران **سن سیمون** و **فوریه** دو تن از سویالیست‌های اولیه از حمایت از حقوق زنان دم می‌زدند.^۹

در فرانسه «دعوی زنان» در نیمه‌ی قرن، فمینیست‌های برشوری چون **جنی دری کور** و **ژولیت لاهیر** را به مخالفت با ضد فمینیست‌های آن عصر (اگوست کنت، منسله، ژیراردن، پرودن) کشانید. پس از آن که امپراطوری، آزادی کرده‌آمی را در

● **فکری که در فمینیسم قرن ۱۹ ظهور کرد این بود که زنان تمامی کشورها باید با یکدیگر متحد شوند و به یاری یکدیگر حقوق خود را به دست آورند.**

● **در جریان جنگ دوم جهانی کشورهای بزرگ هرگز نمی توانستند بدون مشارکت زنان به اشغال فاشیسم پایان دهند.**



پیام‌ها توسط بتسی پرگ بانویی از طبقه مرفه در هلند که برای اشتغال زنانی از طبقه فقیرتر تلاش می‌نمود، به وجود آمد... یکی از اهداف مهم انجمن زنان هلندی به دست آوردن حق رأی برای زنان بود و با وجود این که نظریه اغلب زنان مبنی بر این که شرایط نامناسبی برای کار و درآمد آن‌ها وجود دارد، ولی این انجمن همچنان زنان را برای اشتغال و کار تشویق می‌کرد.^{۱۲}

ه - نروژ:

سازمان‌های زنان که از قبل در نروژ وجود داشتند عبارت است از: اتحادیه نروژی برای حقوق زنان که در سال ۱۸۸۴ ایجاد شد و شورای ملی زنان نروژ در سال‌های بعد و ... همه این سازمان‌ها بیانگر یک سنت دیرپای مبارزه برای برابری جنسی بودند و با کارکردن در داخل نظام سیاسی مستقر، متعهد به ایجاد رقم به

آغاز نهضت‌های آزادی زنان در آمریکا، تاثیر بسزایی نیز در جامعه هلند و به خصوص زنان برجای گذاشت. فعالیت‌هایی که در این رابطه صورت گرفت بیش‌تر متوجه به دست آوردن حق کار، حق آموزش و نیز حق رأی بود... آنچه به نام موج اول آزادی زنان در هلند معروف است با فعالیت زنان برای به دست آوردن حق کار و حق رأی و حق آموزش مشخص می‌شود. این مبارزات از سال ۱۸۹۰ تا سال ۱۹۱۰ و کمی بعد از آن که حق رأی به زنان داده شد، ادامه یافت. (در این رابطه انجمن‌های زیادی تشکیل شد.) انجمن زنان هلندی از اولین انجمن‌هایی است که به منظور استقلال اقتصادی زنان به وجود آمد و امکانات آموزشی و حرفه‌ای و کار برای دختران فقیر را فراهم نمود. در سال ۱۸۷۰ یک مجله زنان به نام «خواست‌ها و

۱۸۶۸ اعطا کرد، فمینیست‌ها بار دیگر برای مطالبه‌ی حقوق خود گرد هم جمع شدند. ماریا دراسم، پل مینک، آندره لئو، الیمپ اودوار، نوامی رکلو، مادام ژول سیمون به شدت دست به مبارزه زدند؛ باشگاه‌هایی را تأسیس کردند و روزنامه‌های فمینیستی به راه انداختند. بسیاری از آن‌ها در برقراری کمون مشارکت داشتند.

از طریق مجلات زنان بود که فمینیسم زنان طبقه‌ی متوسط در قرن ۱۹ نظرات خود را به خوبی بیان کرد و از زنان و نه از مردان برای رهایی زنان مددخواست. مجله زنان (۱۸۴۸-۱۸۳۸) اعلامیه حقوق و وظایف زنان را منتشر کرد؛ در این اعلامیه به خصوص باز شدن درهای مشاغل عمومی به روی زنان مطالبه می‌شود. در ۱۸۶۹ لئون ریشه اتحادیه حقوق زنان و مجله حقوق زنان را که هنوز وجود دارد بنیان نهاد. فمینیست‌ها همراه با ماریا دراسم خواهان برابری حقوق زنان در کار، ازدواج و خانواده شدند. اما از بیم نفوذ کیشیان در مورد انتخاب زنان تا سال ۱۹۰۴ خواهان حق رأی برای زنان نشدند. مجله همشهری زن که در سال ۱۸۸۱ توسط اوبرتین آلدک بنیان گذاشته شد و خواهان حقوق سیاسی زنان بود، نخستین ارگان زنان خواهان حق رأی به شمار می‌رفت و بالاخره در ۱۸۹۷ مبارک‌گاریت دوران که در اتحادیه مدیران مجلات عضو مؤثری بود مجله لافرند را که شدیداً مدافع جنبش هوادار حقوق زنان بود بنیان نهاد.^{۱۰} همچنین در فرانسه اتحادیه حقوق زنان در ۱۸۷۶ تأسیس گردید.^{۱۱}

ج - آلمان:

«در آلمان - همانند سوئد - زنان حساسیت کم‌تری در به دست آوردن حقوق سیاسی ابراز داشتند تا تغییرات کلی وضعیتشان در کانون خانواده و در امر ازدواج. مطالبات فمینیستی بیش‌تر مربوط می‌شد به تغییرات یا حذف ازدواج، حقوق زن در داشتن فرزند بدون ازدواج و به دست آوردن حقوق اجتماعی که زنان و کودکان را خارج از چارچوب ازدواج حمایت کند؛ به عبارتی خواسته‌هایی که در آغاز با جنبش‌هایی بخش انگلیسی - آمریکایی وابستگی نداشت.»^{۱۲}

در آلمان حزب سوسیالیست تنها در سال ۱۸۹۱ حقوق زن و مرد را به شکل قانونی و محدود در سرلوحه‌ی برنامه خود قرار می‌دهد. کلاراز تکین (۱۸۵۷-۱۹۳۳) سردبیری روزنامه برابری را بر عهده دارد که در آن جریان فمینیسم سوسیالیستی را در طول سال‌های متمادی شرح می‌دهد. او همچنین بخش زنان حزب سوسیال دموکرات آلمان را بنا نهاد. کلاراز تکین و روزالوکزامبورگ (۱۸۷۱-۱۸۷۱) برای مشارکت دموکراتیک توده‌ها در فعالیت‌های انقلابی مبارزه کردند. آن‌ها برای تحقق یک سوسیالیسم بین‌المللی صلح جو که با تمایل وطن‌پرستانه تمصب آمیز سوسیالیست‌های مرد در تضاد بود، فعالیت می‌کنند.^{۱۳}

د - هلند:

انقلاب کبیر فرانسه و صدور اعلامیه حقوق بشر، و

نفع زنان شده بودند.^{۱۵}

ی - طرحریزی فمینیسم بین‌المللی:

فکر اساسی دیگری که در فمینیسم قرن ۱۹ ظهور کرد این بود که زنان تمامی کشورها باید با یکدیگر متحد شوند و به یاری یکدیگر حقوق خود را به دست آورند. در سال ۱۸۸۴ **هورتین آکو** فرانسوی در جواب فمینیست‌های آمریکایی که از او درخواست مشارکت در ایجاد شورای بین‌المللی زنان کرده بودند، نوشت: «ما از شما کمک می‌خواهیم، همانند هموطنانی که یک قرن پیش از فرانسویان برای رهایی از ستم انگلیسی‌ها کمک خواستند. آیا شما نیز همانند لافایت و لژیونش که به کمک شما آمدند، به کمک ما می‌شاید؟» در فرانسه نیز همانند تمامی کشورهای لاتین خصوصاً عمومی مردان نسبت به رهایی زنان با مقاومت شدید کلیسای کاتولیک همراه بود...

اولین کنوانسیون مؤسس ICW در ۱۸۸۸ در واشنگتن تشکیل شد. ۶۶ زن آمریکایی و هشت زن اروپایی در آنجا راجع به اهداف سازمان نوین جهانی سخن گفتند: تمامی مطالبات زنان که در طول قرن ۱۹ طرحریزی شده بود، در یک طرح عملیاتی به منظور پایان بخشیدن به ستمی که بر زنان روا داشته می‌شد، تنظیم گردید. در ۱۸۹۹ دومین گردهمایی بین‌المللی ICW در لندن برگزار شد که ۵۰۰۰ زن به نمایندگی از سوی ۶۰۰۰۰ فمینیست عضو ۱۱ شورای وابسته در آن شرکت داشتند.

قرن ظهور فمینیسم فراگیر با ایجاد اولین و برجسته‌ترین نمونه‌ی بین‌المللی زنان پایان یافت. همزمان مسائله‌ای که توسط **فلورا تریستا** و فمینیست‌های انقلابی آغاز قرن عنوان شده بود توسط **مادام آوریل دوست** کروا فرانسوی در کنفرانس مؤسس واشنگتن مطرح شد: باید نشان داد که رهایی زنان به مثابه رهایی مردان نیز خواهد بود. در همین کنفرانس، فمینیست‌های ICW از فعالیت‌های خود در زمینه‌ی صلح، بشر دوستی، آمایش کار صنعتی و مشاغل، مبارزات اجتماعی و سیاسی، اصلاح زندان‌ها، بیمارستان‌ها و هیات‌های مذهبی، آموزش زنان در سطوح ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی و غیره بحث کردند، برنامه‌ای وسیع که می‌توان آن را به شکل زیر خلاصه کرد: «آنچه که انسانی است برای فمینیسم بیگانه و نامأنوس نیست»^{۱۶}

۴ - فمینیسم در قرن بیستم

الف - دستمایه فمینیسم قرن بیستم:

در آغاز قرن بیستم مسائل متعددی که از قرون وسطی بسط یافته بودند، در ذهنیت فمینیست غربی جای گرفته بود:

- این فکر که در فرانسه در قرن چهاردهم توسط کریستین دوپیزا و در انگلستان در قرن هفدهم توسط **ماری استل** و در قرن هجدهم توسط **ماری ول استون** کرافت بیان شده بود که تفاوت‌های بین مردان و زنان ناشی از طبیعت آنان نیست، بلکه

نتیجه‌ی آموزش متفاوت دو جنس است و دسترسی دختران به آموزش باید به آن‌ها این آمادگی را بدهد که بتوانند تمامی نقش‌هایی را که جامعه ایفای آن را از سوی آنان منع کرده است، برعهده بگیرند.

- اعتراض به «مرگ مدنی» زن در خانواده و خلع بد از او در امور اقتصادی و سیاسی در قرن شانزدهم در فرانسه **لونیز لایه** و **ماری دوگورنه**، در قرن هفدهم در هلند توسط **آناماری وان شورمان** و در انگلستان به وسیله **دوشس دونیوکاسل**، در فرانسه قبل از انقلاب و در طی آن توسط زنان طبقات مرفه و محیط‌های مردمی و در قرن نوزدهم نزد اکثر فمینیست‌های غربی، - طرد اخلاقی جنسی دوگانه در قرن هفدهم توسط زنان انگلیسی (**ماری تاتل** و **جوان هیت هیم هوم**) و در قرن نوزدهم توسط هواداران سن سیمون و فمینیست‌های ICW.

- این فکر **آنا ویلر** انگلیسی و **مارگارت فولر** آمریکایی که آزادی زنان در گروه فعالیت خود آنان است. - این بینش زنان فرانسوی در آغاز قرن نوزدهم (فلورا تریستا، ژان دروان و دوستانش) که براساس آن آزادی زنان از تمام کارگران جدایی‌ناپذیر است.

- ارتباط ایجاد شده در انجمن‌های بشر دوستانه و مذهبی آغاز قرن نوزدهم و در انجمن‌های فمینیستی پایان قرن نوزدهم بین مبارزه برای ارتقای زنان و مبارزات برای صلح.

- اعتقاد زنان انقلابی در مورد شکست دموکراسی که توسط آندره لئو در ۱۸۷۰ بیان شده بود: «زیرا دموکرات‌ها هرگز زنان را به حساب نیاورده بودند».

- ضرورت آن که زنان مبارزات خود را برای ارضای نیازهای تمامی جامعه گسترش دهند که توسط چین آدامز و فمینیست‌های ICW عنوان شده بود.^{۱۷}

ب - فمینیسم در نیمه‌ی اول قرن بیستم:

قبل از جنگ اول جهانی، شورای بین‌المللی زنان ICW به مبارزه برای به دست آوردن حقوق اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زنان ادامه داد. بخش‌های محلی ICW در هر کشور ایجاد شد. کنگره‌های بین‌المللی گاه‌گاهی تشکیل می‌شد. در فرانسه شورای ملی زنان فرانسوی (CNFF) در آوریل ۱۹۰۱ حدود ۴۰ انجمن و مؤسسه زنان را که بهبود وضع زن به لحاظ تربیتی، اجتماعی و اخلاقی را دنبال می‌کردند گرد هم آورد. ... کارگران... درکنار زنان اشرافی... و یا بورژواهای بزرگ قرار داشتند. زنان کاتولیک در کنار زنان پروتستان، کلیمی و فراماسون بودند.^{۱۸}

در سال ۱۹۰۴ در ایالات متحده آمریکا و انگلستان دومین سازمان بین‌المللی تأسیس شد که با کمیته‌هایی که در این دو کشور بر ضد حق رأی زنان به وجود آمده بود به مخالفت برخاست و در عصر خاکمیت ملی‌گرایی، جهتی بین‌المللی اتخاذ کرد. بخش‌های ملی ICW در کشورهای غربی به منظور به دست آوردن حق رأی زنان به وجود آمد. سازمان دومی که بدین منظور در انگلستان توسط امرلین **پانکهرست** و دخترانش به وجود آمد، تاکتیک‌های



افراطی را به کار گرفتند: شکستن شیشه‌ها، بمب‌گذاری، آتش سوزی، برهم زدن جلسات پارلمانی، اعتصاب غذا و حتی خودکشی.

سازمان‌های ICW و IAW برای محکوم کردن روسپیگری که زن مبارز انگلیسی میلی‌سنت‌گرت فاوست در کنگره‌ی ۱۹۱۲ ICW آن را بردگی اجباری زنان برای حفظ منافع مالی مردان نامید، با یکدیگر به توافق رسیدند.^{۱۹}

ج - اقدامات فمینیسم علیه جنگ اول جهانی: در جنگ اول جهانی زنان در سطوح مقدم مبارزه برای صلح حضور داشتند. بدینسان کمیته‌ی اصلی ICW به نام «صلح و روابط بین‌المللی» که در ۱۸۸۹

تأسیس شده بود، خواهان ایجاد یک سازمان بین‌المللی به منظور ایجاد صلح شد. در طول جنگ اول جهانی، فمینیست‌های ICW یک کنفرانس بین‌المللی در لاهه ترتیب دادند... و به مخالفت با خشونت کشورهایشان برخاستند و خود را خواهران یکدیگر دانستند و به یکدیگر یاری رسانده و همدردی خود را نسبت به هم ابراز داشتند و پیشنهادهایی در مورد صلح ارائه دادند... در حالی که فمینیست‌ها در جبهه‌ی صلح و قوانین اجتماعی به مبارزه مشغول بودند، زنان کارگر نیز فعالیت می‌کردند. از ۱۹۱۶ اعتصاب زنان در کارخانه‌های اسلحه‌سازی صورت گرفت. کارگران زن خواستار امرار معاش و افزایش حقوق بودند... در ژوئن در کارخانه‌های اسلحه‌سازی در منطقه پاریس حدود ۱۲۳۷۱ مرد و ۲۹۹۶۵ زن و سایر نقاط ۵۴۲۵ مرد و ۱۱۱۱۹ زن در اعتصاب به سر می‌بردند. افزایش حقوق زنان نتیجه‌ی این مبارزات کارگری بود.^{۲۰}

د - فمینیسم و جنگ دوم جهانی:

در جریان جنگ دوم جهانی کشورهای بزرگ هرگز نمی‌توانستند بدون مشارکت زنان به اشغال فاشیسم پسایان دهند. این مشارکت زنان در مبارزه‌ی ضدفاشیستی دو صورت به خود گرفت: درگیر شدن زنان در ارتش منظم یا جنگ‌های پارتیزانی و مشارکت انبوه در تولید جنگ.

...در تمامی اروپا، زنان با مشارکت خود در مبارزه‌ی ضدفاشیستی عزت و شرف کشور خود را نجات دادند. در فرانسه سه زن که به علت مشارکت در نهضت مقاومت جان خود را از دست دادند یعنی دانیل کازانوای کمونیست، برتری آلبرت شت مسیحی و سوزان بویی سون سوسیالیست مظهر قهرمانی در نهضت مقاومت هزاران زن فرانسوی هستند که به گرایش‌ها و آرای سیاسی یا مذهبی تعلق داشتند. بعضی از آن‌ها شبکه‌هایی را در مؤسساتی که کار می‌کردند به وجود آوردند و بعضی به عنوان عامل اطلاعاتی و ارتباطی خدمت می‌کردند. زنان اسپر در اردوگاه‌های جنگ نیز به مبارزه خود ادامه دادند. بدین سان در راونس بروک حدود ۷۰۰۰ اسپر زن فرانسوی بود که سه چهارم آن‌ها زندانی سیاسی بودند.

در ایتالیا پس از یک دوره «وفاق» با ایدئولوژی فاشیستی (۱۹۲۷-۱۹۴۳) تعداد زنانی که در مبارزه مخفیانه بر ضد فاشیسم شرکت داشتند همانند دیگر کشورهای اروپایی بسیار زیاد بود: در ایتالیا ۲۵ هزار زن جزو نهضت مقاومت و ۷۰ هزار زن جزو گروه‌های دفاع و جزو گروه‌های داوطلب آزادی بودند. ۴۶۵۳ زن دستگیر، شکنجه و محکوم شدند و ۶۲۳ نفر تیرباران و یا در جنگ کشته شدند. ۲۷۵۰ زن نیز در آلمان محبوس و کشته شدند و ۱۵ نفر مدال طلای نهضت مقاومت را دریافت کردند.

در اسپانیا هزاران زن در مبارزه بر ضد رژیم فرانکو شرکت جستند... در انگلستان به برکت بسیج زنان برای تولید در کارخانه‌های جنگ بود که مردان توانستند در جبهه‌های بسیار دور به نبرد پردازند.^{۲۱}

در فرانسه نیز زنان بیش‌تر از آن درگیر مبارزات ضد استعماری بودند که بتوانند جنبش‌های فمینیستی قبل از جنگ را تجدید کنند... با این همه از زمانی که سیمون دوپوار کتاب برجسته‌ی خود - جنس دوم - را که هنوز تازگی خود را حفظ کرده است، انتشار داد (۱۹۴۷) این امید در دل فرانسویان به وجود آمد که زنان عاقبت حقوق خود را به دست خواهند آورد. در این کتاب سیمون دوپوار بر این اعتقاد راسخ تکیه می‌کند که این طبیعت نیست که محدودیت نقش‌های زنان را موجب شده بلکه این نقش‌ها زاینده مجموعه‌ای از پیشداوری‌ها، سنت‌ها و قوانین کهنی بوده است که زنان نیز کم و بیش در پیدایش آن‌ها شریک و سهیم بوده‌اند. او از احساس عزت و شرف زنان مدد می‌گیرد و از آنان می‌خواهد تا زنان از این تابعیت و کهنری که همواره قربانی آن بوده‌اند، دست بردارند. تابعیتی که فکر می‌کنند به برکت ازدواج می‌توانند به راحتی، انسجام اجتماعی خویش را در آن باز یابند. این دعوت ازگزیستانسالیستی به عزت و شرف زنان توسط زنان همه طبقات اجتماعی و تمامی قاره‌ها که کتاب جنس دوم در آنجا ترجمه شده بود، بازتاب یافت.

این اثر در همان زمینه فلسفه پرسنالیست قرار دارد که الهام بخش فمینیست‌های ICW و CNFF بود. سیمون دوپوار بر ضرورت این امر که زنان به منظور دستیابی به استقلال باید به کار، اشتغال داشته‌باشند، تأکید بسیار داشت. او الهام بخش مبارزه فمینیستی بنیان‌گذاران آمریکایی و فرانسوی جنبش‌های آزادی زنان بود.^{۲۲}

د - فرجام‌شناسی فمینیسم:

پس از بررسی روند فمینیسم، لازم است تاثیر این روند را بر نظام سرمایه‌داری، بررسی نماییم.

۱ - کسب حق رأی:

از آنجائی که عمده‌ترین هدف فمینیست‌ها را حق رأی تشکیل می‌داد، لذا ابتدایه‌ی چگونگی دستیابی زنان به حق رأی می‌پردازیم:

در رژیم‌های لیبرال بورژوازی حقوق مدنی محدود به مردان متملك بود، ولی پس از به راه افتادن جریانات فمینیستی از یکسو و تحركات سوسیالیستی از سوی دیگر، ابتدا حقوق مدنی به همه مردان (از جمله کارگران) و سپس به همه افراد (از جمله زنان) گسترش داده شد، و این یکی از جریانات انتقال لیبرال بورژوازی به لیبرال دموکراسی بوده است. جریانی که اشخاصی همچون جان استوارت میل به شدت از آن دفاع نمود و خواهان گسترش حق رأی و حقوق مدنی شد. در این خصوص در کتاب جامعه‌شناسی سیاسی آمده است:

پس از انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ آشکار شد که رژیم‌های لیبرال بورژوازی نمی‌توانند به صورت قدیم ادامه یابند. هواداران لیبرالیسم می‌دیدند که اندیشه‌های آن‌ها تنها با منافع بخش کوچکی از جامعه



● حق رأی سیاسی زنان در بیش تر کشورهای اروپایی تنها در اوایل قرن بیستم مورد شناسایی قرار گرفت.



هماهنگ شده است. آلکسی دوتوکویل در کتاب دموکراسی آمریکا (۱۸۳۵) استدلال می کرد که دموکراسی نمی تواند به بخش کوچکی از جامعه محدود شود. وی خواستار آن بود که بورژوازی حاکم در فرانسه در راه دموکراسی قدم بردارد. در انگلستان نیز جان استوارت میل در مقابل لیبرالیسم از لیبرال دموکراسی حمایت می کرد. ... وی نخستین متفکری بود که اندیشه‌ی مسئولیت اجتماعی و سیاسی دولت در نظام سرمایه داری را مطرح می کرد. لیبرال دموکرات‌ها از گسترش حق رأی به همگان و مشارکت همه‌ی شهروندان در زندگی سیاسی دفاع می کردند. جنبش و اندیشه لیبرال دموکراسی در واقع به معنای تکمیل آرمان‌های لیبرالیسم تلقی می شد. در پرتو چنین جنبش و اندیشه‌ای بود که در انگلستان در سال‌های ۱۸۶۷ و ۱۸۸۴ حق رأی گسترش داده شد. به‌طور کلی لیبرال دموکراسی (دموکراسی به مفهوم رایج) در مقابل لیبرالیسم کلاسیک اساساً متضمن اندیشه برابری و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی افراد برای شرکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی بوده است. در دموکراسی برابری افراد بر خلاف لیبرالیسم کلاسیک تنها به معنای سیاسی و حقوقی نیست، بلکه رژیم دموکراتیک مسئول است شرایط اجتماعی لازم را برای تحقق برابری به این معنا فراهم آورد. گرچه پیدایش دموکراسی به معنای مدرن را اغلب به انقلاب فرانسه نسبت می دهند، لیکن باید میان دموکراسی توتالیترا یا کابونی روسیسیر در انقلاب فرانسه و

دموکراسی به معنایی که در قرن نوزدهم پیدا شد، تفاوت ماهوی قابل شد. دموکراسی به عنوان رژیم سیاسی تنها در طی قرن نوزدهم در اروپا شکل گرفت. گسترش حق رأی عمومی در عمل و پیدایش تشکل‌ها و سازمان‌های طبقات مختلف جامعه، مقدمه بسط دموکراسی بود. یکی از نمونه‌های کلاسیک رژیم‌های لیبرال دموکراتیک فرانسه پس از انقلاب ۱۸۴۸ بود که حق رأی عمومی را بسط داد.

در مجموع دولت لیبرال دموکراتیک پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به ساخت دولت لیبرال کلاسیک به شمار می رفت و با شناسایی قدرت اتحادیه‌های کارگری و بسط حق رأی به کارگران و زنان، محدودیت اندیشه لیبرالیسم بورژوازی را از لحاظ نظری برطرف کرد.^{۲۳}

از دیدگاهی دیگر ویل دورانت دموکراسی را محافظه‌کار دانسته و دادن حق رأی به زنان را از تبعات این محافظه‌کاری می داند. او در این رابطه می نویسد: «هرچند عده رأی‌دهندگان بیش تر باشد برگزیده‌ی آن‌ها از حیث کیفیت و صفت‌عادی تر خواهد بود. ولتر سلطنت را بر دموکراسی ترجیح می داد. به دلیل آن‌که در سلطنت برای حکومت فقط احتیاج به تربیت یک نفر هست که همان پادشاه باشد. اما در دموکراسی باید میلیون‌ها نفر را تربیت کرد... ما به سختی متوجه هستیم که نسبت موالید با نظریه‌ها و دلایل ما چگونه بازی می کند. اقلیتی که به تعلیم و تربیت دست می یابد خانواده‌های کوچک‌تری دارد. اکثریتی که وقت کافی برای تعلیم و تربیت ندارد، خانواده‌های بزرگ‌تر و وسیع‌تری دارد. آنجا که عایدات مردم کفاف پرداختن به امر تجملی دانش‌اندوزی را ندهد تمام آن نسل تقریباً باید در خانه بزرگ شوند و روی مدرسه را نینهند. از اینجاست که آزادی‌خواهی سیاسی امری است که تقریباً همیشه بوج است...»

به همین جهت دموکراسی‌ها محافظه‌کارند ... بیسمارک برای حمایت از سلطنت به دنبال آرای عمومی می گشت این بدبین و ریشخند کن پیر می گوید: «من انتخابات مستقیم و مراجعه به آرای عمومی را بهتر از هر قانون ساختگی انتخاباتی ضامن حفظ محافظه‌کاری می دانم. حق رأی زنان به سهولت پیروز شد زیرا زعمای احزاب معتقد بودند که این کار ممکن است به نفع محافظه‌کاران باشد ... توسعه حق رأی زنان در انگلستان به سال ۱۹۱۸ مرتجع‌ترین حکومت نیم قرن اخیر را بر سرکار آورد.^{۲۴}»

با بذل توجه به دو دیدگاه فوق که اولی نظری خوش‌بینانه و دومی بدبینانه می باشد، و نیز با در نظر گرفتن تأثیرات جنبش فمینیسم بر نظام سیاسی، به فرجام اولین تقاضاهای سیاسی فمینیسم مبنی بر کسب حق رأی می پردازیم:

«حق رأی سیاسی زنان تنها در اوایل قرن بیستم در بیش تر کشورهای اروپایی مورد شناسایی قرار گرفت (در انگلستان ۱۹۱۸ ... در ایتالیا ۱۹۲۵ و در فرانسه ۱۹۴۴) کشور سوئیس بیش از هر کشور دیگری در اعطای حق رأی به زنان مقاومت کرد. سرانجام در سال

۱۹۷۱ حق رأی زنان در انتخابات دولت فدرال در یک رأی‌گیری عمومی تصویب شد. با این حال برخی از کانتون‌ها همچنان حق رأی زنان را در امور ایالتی به رسمیت نشناختند.^{۲۵}

همچنین در سوئد در سال ۱۹۲۱، در فنلاند ۱۹۰۶ و در نروژ، دانمارک و ایسلند بین سال‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ حق رأی به زنان اعطاء شد.^{۲۶} در سال ۱۹۱۹ نیز اجازه انتخاباتی فعال به زنان در هلند داده شد.^{۲۷} به‌طور کلی پس از جنگ اول جهانی، زنان ۲۱ کشور حق رأی به دست آوردند (که برخی از آن‌ها اروپایی بودند) نظیر اتریش، دانمارک، آلمان، انگلیس، ایسلند، لوکزامبورگ، هلند، سوئد و...^{۲۸}

تفکیک زمان کسب حقوق انتخاباتی زنان از وقایع تاریخی و سیاسی که زندگی ملل را تحت تأثیر قرار داده و موجب پیشرفت آنان شده، بسیار دشوار است. اگر برای ارزیابی نحوه اعطای حقوق انتخاباتی به زنان، عواملی در نظر گرفته شود که در تاریخ و عدد نمی‌گنجد، اما بسیار سرنوشت‌سازند، عواملی چون آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف و عادات و سنن مرتبط با این فرهنگ‌ها در زمینه‌ی سلسله‌مراتب جنسی و تقسیم‌کار بین مرد و زن.^{۲۹}

۲- دسترسی به کار و برابری دستمزدها:

پس از فعالیت‌های متمادی برای تحقق برابری در زمینه‌ی اشتغال، ابتکار عمل در مبارزه به دست زنان کارگر و کارمند افتاد که به عنوان گروه فشار، چه در داخل و چه در خارج از سندیکا عمل می‌کردند تا حق کار خود را در دوران بحران، حفظ و رعایت قوانین تساوی‌گرا (مزد برابر در مقابل کار برابر) را که در ایالات متحده و اروپا تحت فشار روزافزون فمینیست‌ها به دست آمده بود، بقولانند.^{۳۰}

در این رابطه سازمان ICW موفق گردید که در معاهده ورسای در ۱۹۱۸ و در کنوانسیون جامعه ملل، اصل «کار مساوی، مزد مساوی» را که فمینیست‌ها طی نسل‌ها به دفاع از آن برخاسته بودند، بگنجانند.^{۳۱}

۳- تحول در حوزه‌ی اجتماعی - فرهنگی:

در حوزه‌ی فرهنگ، زنان، با شدت هرچه بیش تر با تبعیض جنسی در سینما و تصویر زن در ادبیات، رسانه‌های گروهی و تبلیغات مخالفت می‌ورزید. در فرانسه آن‌ها خواهان قانون ضد تبعیض جنسی (جنس‌گرایی) شدند که به انجمن‌های فمینیست امکان می‌دهد که در برابر هر تعرضی (عمل، تبعیض، تصویر) که با عزت و شرف زن مغایرت داشته باشد، مقابله کنند. در همه جا زنان مؤسسات انتشاراتی ایجاد می‌کنند که آراء فمینیست‌ها را منتشر کنند... تقریباً در همه جا کتاب‌های مصور برای کودکان منتشر می‌شود تا سیمای نقش‌های دو جنس را تعبیر دهند. در تاتر، سینما و... زنان تولیدکننده با هوشیاری و طنز بسیاری نقش‌های سنتی مربوط به مردان و زنان را مورد سؤال قرار می‌دهند.^{۳۲}

همچنین در قلمرو «زندگی خصوصی» فمینیست‌ها با طرد این اندیشه که در زندگی روزمره، بین زندگی خصوصی و زندگی عمومی، بین تعهدات

محاسبه‌ی مهر به نرخ روز

ویک نظریه‌ی مشورتی

یوسف درویشی هویدا

ایدئولوژیک و اعمال روزانه سدی بنا نهند، امتناع ورزیدند... انقلاب در رسوم اخلاقی یا انقلاب فکری فمینیستی همراه است اما برای فمینیست‌ها اموری از این دست هیچ ارتباطی با انقلاب جنسی که مردان تبلیغ می‌کنند، ندارد.^{۲۳}

از تحولات کلی و قابل ذکر دیگر تحول در مفهوم جنسیت می‌باشد:

در طی قرن جاری زیر تأثیر عوامل گوناگون، تعریف دوباره‌ای از جنسیت تدوین و ارائه شده است. این عوامل عبارتند از:

۱- توسل روزافزون به نیروی کار زنانه در اقتصادهای ملی؛

۲- کوشش‌هایی که سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی برای بهتر شناساندن سهم زنان در توسعه ملی و بهبود وضعیت قضایی و حقوقی به کار بستند؛

۳- فعالیت‌های جنبش‌های زنان و محققان طرفدار حقوق زن در بسیاری از کشورها؛

۴- پیشرفت‌های چشمگیری که در کشورهای شمال اروپا مخصوصاً فنلاند، نروژ و سوئد نصیب زنان شد. در این کشورها سهم زنان در نیروی کار و مشارکتشان در اداره نهادها و سازمان‌های سیاسی اگر پیش‌تر از سهم مردان نباشد، کم‌تر هم نیست.

نتیجه جمعی این تحولات متنوع این بوده است که نسبت به نقشی که زنان به عنوان کارگر، کارمند، شهروند، فعال سیاسی، مدیر اقتصادی و عامل توسعه

ایفا می‌کنند، شعور و آگاهی روزافزون در سراسر جهان پیدا شده است. به نظر می‌رسد که بین‌المللی شدن این

وجدان و آگاهی عمومی، افراطی‌ترین وجوه اعتقادات و رفتارهای پدرسالارانه را تلطیف کرده است و از

محدودیت‌هایی که در مورد بسیج و تحرک زنان، دسترسی آنان به تحصیل و آموزش و کار، انتخاب

همسر و آزادی عمل در بارداری وجود داشته است، کاسته شده است، بگذریم از این‌که نابرابری میان زن و

مرد همچنان همگانی است.^{۲۴}

در نهایت شایسته است به نقل قولی از آندره

میشل اکتفا نماییم. او که روند شناسی بسیار دقیق و جامعی از فمینیسم را در کتابش تحت همین عنوان

ارائه می‌دهد، به مبارزات زنان چنین ارجح می‌گذارد:

«دسترسی به این حقوق و آزادی‌های از جانب مردان حاکم به زنان نبوده، بلکه ثمره‌ی مبارزات اغلب طولانی و دشوار بوده است که توسط فمینیست‌ها رهبری می‌شده است.»^{۲۵}

پانویس:

۱- همان، ص ۶۸.

2- Constance Rover, women's suffrage and party politics in Britain, 1866-1914, (London: Routledge & kegan paul, 1967), p.p.1-2.

۳- میشل، همان، ص ۸۲.

4- Ibid.

بقیه در صفحه‌ی ۵۷

وقتی که قانونگذار در سال ۱۳۷۶ با الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی محاسبه‌ی مهر به نرخ روز را صورت قانونی بخشید و به جامعه‌ی زنان این نوید را داد که مهرشان را به ارزش روز دریافت خواهند کرد، پرسش‌های گوناگونی پدید آمد که آیا این مصوبه عطف به ماسبق می‌شود یا خیر؟ آیا زنان مهر سال‌های قبل از سال ۷۶ را نیز به روز دریافت خواهند کرد و پرسش‌هایی از این قبیل. مقاله زیر این کشمکش را بررسی می‌کند.

ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی: «بمجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.»

در زمانی که تورم وجود نداشته و یا تورم از نرخ پایینی برخوردار باشد مشکل خاصی در زمینه‌ی مهر و ارزش آن احساس نمی‌شود. چرا که مهر ارزش خود را حفظ می‌کند و ارزش مهری که پس از چند سال از وقوع عقد دریافت می‌شود، یا آنچه که در موقع وقوع عقد تعیین گشته، یکسان است. به فرض مهری که ۲۰ سال قبل ۱۰۰ هزار ریال بوده است اکنون هم ۱۰۰ هزار ریال ارزش دارد.

اما نگاهی به وضعیت اقتصادی جامعه‌ی ما نشان می‌دهد که تورم آهنگ معمولی نداشته و نرخ آن بسیار بیش‌تر از حد معمولی آن است. گذشت زمان و نرخ بالای تورم گاهی ارزش مهر را چندان کم می‌کند که مهر دریافتی با آنچه به هنگام وقوع عقد معین شده، هیچ تعادلی ندارد و در حکم هیچ است. در همان فرض پیشین، که مهریه زنی ۲۰ سال قبل ۱۰۰ هزار ریال بوده است آیا می‌توانیم ادعا کنیم که با دادن ۱۰۰ هزار ریال، مهریه او را واقعاً پرداخته‌ایم؟

همین مسائل قانونگذار را به تکاپو واداشت و باعث شد تا در جهت حفظ ارزش مهر و حفظ حقوق زنان اقدام کند. بدین ترتیب قانونگذار با الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی در سال ۱۳۷۶ گام مثبتی در جهت احقاق حقوق زنان و حمایت از آنان برداشت.

در تبصره‌ی الحاقی می‌خوانیم: «چنانچه مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه نسبت به سال اجرای عقد که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و پرداخت خواهد شد مگر این‌که زوجین در حین اجرای

عقد به‌نحو دیگری تراضی کرده باشند.» به این ترتیب، کاهش ارزش پول و عدم ثبات آن در میزان مهریه‌ی که به وجه نقد (وجه رایج) تعیین گشته، تأثیری نخواهد گذاشت و حق زن از این جهت با گذشت زمان رنگ نمی‌بازد.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا تبصره‌ی الحاقی به ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی که کاهش ارزش پول را در میزان مهریه بی‌تأثیر می‌کند، فقط مفید به حال زنانی است که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون ازدواج کرده باشند یا این‌که مفاد تبصره الحاقی به گذشته نیز اثر می‌کند و نسبت به تمام زوجین حتا اگر قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون ازدواج کرده باشند قابلیت اجرا دارد؟ و به عبارت دیگر آیا قانون عطف به ماسبق می‌شود یا خیر؟

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در پاسخ به پرسشی مشابه، در نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۲۲۶۱ به تاریخ ۷۷/۱۲/۲۳ چنین اشعار داشته است: «هرگاه موضوع استعلام مربوط به موارد قبل از لازم‌الاجرا شدن تبصره‌ی الحاقی به ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی باشد که در این صورت چون مطابق ماده‌ی چهار قانون مدنی اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر این‌که در آن تصریح شده باشد لذا مقررات تبصره‌ی مذکور در استعلام عطف به ماسبق نمی‌شود و مورد استعلام از شمول مقررات یاد شده خارج است مع هذا دادگاه در صورت لزوم می‌تواند با استعلام از بانک مرکزی اتخاذ تصمیم نماید.»

اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در نظریه‌ی شماره ۷/۸۷۰۷ به تاریخ ۷۷/۱۲/۳ نیز، همین نظر را تکرار کرده است و به استناد ماده‌ی چهار قانون مدنی که اثر قانون را نسبت به آینده می‌داند، تبصره‌ی الحاقی به ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی را قابل تسری به عقود که قبل از اجرای قانون منعقد شده باشند، نمی‌داند.

ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که نظریه‌های اداره‌ی حقوقی جنبه‌ی مشورتی دارد و جنبه‌ی الزامی ندارد و قضات در صدور رای، خود را ملزم به تبعیت از این نظریه‌ها نمی‌بینند. اما نمی‌توان نقش مشورتی و ارشادی این نظریه‌ها را، خصوصاً برای قضات جوان، انکار کرد.

حال می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا تبصره‌ی

الحاقی به مادهی ۱۰۸۲ به گذشته نیز از آن می‌تواند زمانی که سال‌های قبل از اجرای قانون مزبور می‌توانند از تصویب و اجرای این تبصره بهره‌مند شوند یا این‌که تبصره فقط برای زمانی مفید است که پس از لازم‌الاجرا شدن قانون ازدواج کرده‌اند یعنی زمانی که در دو سال اخیر ازدواج کرده‌اند. خلاصه این‌که آیا تبصره‌ی الحاقی به مادهی ۱۰۸۲ قانون مدنی به گذشته اثر می‌کند یا نه و آیا می‌توان نظریه‌ی اداره‌ی حقوقی را صحیح دانست؟

به نظر می‌رسد که این تبصره، عطف به ماسبق می‌شود و نسبت به عقدنامه‌هایی هم که قبل از لازم‌الاجرا شدن تبصره‌ی مذکور منعقد شده‌اند شمول اجرائی دارد. دلایل ما از قرار ذیل است:

اولاً در یک نظام درست قانونگذاری اشخاص باید در برابر قانون مساوی باشند^۲ و بر موقیعت‌های مشابه، قوانین متعارض حکومت نکند. اگر بنا باشد که تبصره عطف به گذشته نشود و فقط حاکم بر ازدواج‌هایی باشد که پس از تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون منعقد شده‌اند، در درون نظام حقوقی متعارض به وجود می‌آید و دو گروه زن و شوهر پدیدار می‌شود. گروه اول زوجینی که قبل از تصویب و لازم‌الاجرا شدن تبصره، ازدواج کرده باشند و گروه دوم زوجینی که بعد از تصویب و لازم‌الاجرا شدن تبصره عقد ازدواج منعقد کرده‌اند. با فرض پذیرش نظریه‌ی ادلوی حقوقی، زنان در گروه اول از اقدام مثبت قانونگذاری بهره‌مند اما در گروه دوم زنان این حق را دارند که اثر گذشت زمان را در کاهش ارزش پولی خنثا کنند.

همچنین تعارضی که در مقررات مربوط به زوجین پیش می‌آید بسیار زنده‌تر و زشت‌تر از تعارض‌هایی است که در سایر امور و روابط حقوقی افراد ایجاد می‌شود.

ثانیاً؛ قاعده‌ی عطف به ماسبق نشدن قانون و عدم تأثیر قانون در گذشته، علاوه بر این‌که خود استثناهایی دارد مثل قوانین کیفری مفید به حال مجرم، قوانین شکلی مثل سازمان دادگاه‌ها و نحوه‌ی دادرس‌ی و قوانین تفسیری و... گاهی بدون این‌که در قانون تصریحی بدان شده باشد به گذشته اثر می‌کند مثلاً قانون مربوط به طلاق و موجبات آن، حضانت، فسخ نکاح و غیره بدون این‌که تصریحی نکنند به ماقبل خود اثر می‌کند.

نتیجاً در قوانین مربوط به زوجین گویای آن است که این قوانین حاکم بر گذشته اثر می‌کنند و قانونگذار هیچ‌گونه تعارضی را در این خصوص نمی‌پذیرد. چه گونه می‌توان پذیرفت گروهی از زوجین را به صرف این‌که قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون ازدواج کرده‌اند، تابع این قانون و قاعده باشد و گروهی دیگر را که بعد از لازم‌الاجرا شدن قانون ازدواج کرده‌اند تابع قانون و قاعده‌های دیگر تعارضی که عقل و منطق حقوقی پذیرای آن نیست.

پس نمی‌توان به بهانه‌ی این‌که در تبصره‌ی الحاقی تصریح نشده که به گذشته اثر می‌کند قائل به عدم تأثیر تبصره به گذشته بشویم زیرا که قوانین مربوط به زوجین (حضانت، طلاق، فسخ و غیره) بدون این‌که

متن ادبی و ظاهر آن اکتفا کرد بلکه باید در این راه از تاریخ، مذاکرات مجلس و غیره بهره جست. نگاهی به مشروح مذاکرات مجلس و بحث‌های نمایندگان به هنگام تصویب تبصره‌ی الحاقی نشان می‌دهد که آنان نه تنها به چنین تفکیمی نظر نداشته‌اند بلکه نظر واضعان قانون بر تفسیری و شمول قانون به گذشته بوده است. حتا بالاتر از این، شاید بتوان هدف و روح اصلی قانون را حمایت از زمانی دانست که قبل از اجرای قانون ازدواج کرده باشند. زیرا که زنان جامعه‌ی ما اکنون دیگر یا آگاهی از عدم ثبات ارزش پول، کم تر پول و وجه رایج را به عنوان مهر قبول می‌کنند و یا مهریه قرار دادن طلا و سایر اموالی که ذاتاً ارزش دارند اهرم کنترلی در برابر خودخواهی مردان و تضمین در برابر سوءمعاشرت و بدرفتاری شوهران خود به دست می‌آورند که عموماً جز به گاه ضرورت و جز به عنوان آخرین دایره از آن استفاده نمی‌کنند.

رایباً؛ آیین‌نامه‌ی اجرائی این قانون (قانون الحاقی یک تبصره به ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی) هیچ شک و شبهه‌ای در این خصوص باقی نمی‌گذارد. چرا که، این آیین‌نامه، در بند الف ماده‌ی چهار، در مقام شمارش وظایف بانک مرکزی، تصریح می‌دارد: «شاخص بهای سال‌های قبل از اجرای قانون را تهیه و در اختیار قوه‌ی قضاییه قرار دهد». عبارت «سال‌های قبل از اجرای این قانون» یعنی است که تمدی از آن به هیچ وجه جایز نیست. انصاف و عدالت نیز اقتضاء می‌کند که چنین باشد. آیا زوجینی که چندین سال قبل از ازدواج کرده‌اند به چند قطعه اسکناس که به منزله‌ی کلید است تراشی کرده‌اند یا نه، آنها به قدرت خرید و ارزشی که اسکناس در همان سال‌ها داشته نظر داشته‌اند؟ آیا اگر همان مبلغی که در عقدنامه ذکر شده پس از سال‌ها، به زن بدیم نمی‌توانیم ادعا کنیم که همان مبلغ و همان ارزشی که زوجین به هنگام عقد توافق کرده‌اند، برداخته‌ایم؟ در این صورت آیا از قهد طرفین دور نشده‌ایم؟

بدیهی است که پول ذاتاً ارزش ندارد و ارزش آن به خاطر قدرت خرید و توانایی استی که در مبادله‌ی کالا دارد. زوجینی که مهر را به وجه رایج تعیین کرده‌اند به خود اسکناس و پول به عنوان کالایی که ارزش ذاتی دارد تراشی نکرده‌اند بلکه تراشی آنان به پول با توجه به قدرت خرید و ارزش آن در همان زمان است. پس ما نباید کاهش ارزش پول و کاهش قدرتی که خرید آن را بر زن تحمیل کنیم. نظم عمومی و مصلحت اجتماع نیز چنین تفسیری را می‌طلبد.

تجربه نشان می‌دهد که سنگینی بار مهر صدی است، در برابر طغیان مرد و عاملی است که موجب می‌شود مرد بی‌دلیل زن خود را طلاق نهد و رفتاری خلاف متعارف در پیش بگیرد. اگر قبول کنیم که تبصره‌ی الحاقی به گذشته اثر نمی‌کند بیش تر مهریه‌هایی که در سال‌های قبل به وجه رایج معین شده‌اند، بسیار کم و ناچیز جلوه نموده و نخواهند توانست نقش بازدارندگی خود را ایفا کنند و از این جهت آمار طلاق و از هم

اداره و دیگر اختلافات خانوادگی افزایش

اداره‌ی مختوم حقوقی قولی قضاییه نیز با آن که در صدر نظریه خود شمول قانون را به گذشته نمی‌پذیرد اما در خاتمه نظریه خود، اختیار دادگاه را در این خصوص پذیرفته است و... مع‌هذا دادگاه در صورت لزوم می‌تواند با استعلام از بانک مرکزی تصمیم کند.

نتیجه این‌که، تبصره‌ی الحاقی ماده‌ی ۱۰۸۲ قانون مدنی نسبت به تمام مهریه‌ها اجرائی شود و دادگاه در صورت درخواست زن مکلف به تقویم و محاسبه‌ی مهر برطبق شاخص‌هایی است که بانک مرکزی اعلام می‌دارد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شاخه‌ی کل پولی کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران
 اعداد سالانه شاخص در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۱۵
 (۱۰۰=۱۳۶۹)

سال	معد شاخص	سال	معد شاخص	سال	معد شاخص
۱۳۱۵	۰/۲۹	۱۳۲۶	۲/۸۲	۱۳۵۷	۱۴/۰۵
۱۳۱۶	۰/۳۵	۱۳۲۷	۳/۸۷	۱۳۵۸	۱۵/۱۲
۱۳۱۷	۰/۳۸	۱۳۲۸	۴/۳۷	۱۳۵۹	۱۶/۳۳
۱۳۱۸	۰/۴۱	۱۳۲۹	۴/۷۱	۱۳۶۰	۱۷/۸۸
۱۳۱۹	۰/۴۶	۱۳۳۰	۴/۷۹	۱۳۶۱	۱۸/۳۳
۱۳۲۰	۰/۷۰	۱۳۳۱	۴/۸۳	۱۳۶۲	۱۹/۵۲
۱۳۲۱	۱/۳۷	۱۳۳۲	۴/۸۸	۱۳۶۳	۲۰/۹۰
۱۳۲۲	۲/۸۹	۱۳۳۳	۵/۱۰	۱۳۶۴	۲۳/۵۰
۱۳۲۳	۲/۹۷	۱۳۳۴	۵/۱۱	۱۳۶۵	۲۴/۷۷
۱۳۲۴	۲/۵۴	۱۳۳۵	۵/۱۵	۱۳۶۶	۲۶/۱۲
۱۳۲۵	۲/۱۲	۱۳۳۶	۵/۱۹	۱۳۶۷	۲۸/۱۴
۱۳۲۶	۲/۳۹	۱۳۳۷	۵/۲۷	۱۳۶۸	۲۹/۷۶
۱۳۲۷	۲/۶۶	۱۳۳۸	۵/۲۶	۱۳۶۹	۳۰/۰۰
۱۳۲۸	۲/۷۲	۱۳۳۹	۵/۵۳	۱۳۷۰	۳۰/۷۱
۱۳۲۹	۲/۳۶	۱۳۴۰	۵/۸۲	۱۳۷۱	۳۰/۱۲
۱۳۳۰	۲/۴۵	۱۳۴۱	۶/۲۱	۱۳۷۲	۳۱/۳۶
۱۳۳۱	۲/۶۲	۱۳۴۲	۶/۹۱	۱۳۷۳	۳۲/۱۸
۱۳۳۲	۲/۸۶	۱۳۴۳	۷/۹۹	۱۳۷۴	۳۳/۳۵
۱۳۳۳	۳/۳۱	۱۳۴۴	۸/۷۹	۱۳۷۵	۳۵/۸۸
۱۳۳۴	۳/۳۷	۱۳۴۵	۱۰/۲۳	۱۳۷۶	۳۸/۸۰
۱۳۳۵	۳/۶۶	۱۳۴۶	۱۲/۷۸		

شاخص قیمت در سال قبل از زمان

تادیه مهریه یا سال قوت همسر

شاخص قیمت در سال وقوع عقد

x مبلغ مهریه مندرج = مبلغ مهریه در عقدنامه (وجه رایج)

پانویس:

۱. بحث ما در جایی است که مهر به وجه رایج تعیین شود وگرنه مهری که به طلا یا اموالی دیگر تعیین شده است ارتباطی با فوروم و کاهش ارزش پول ندارد زیرا ارزش خلق خود را حفظ می‌کند.
۲. موجه دادرسی مهر و امان ۷۸
۳. مقدمه علم حقوق. دکتر ناصر کاووزیان
۴. مشروح مذاکرات مجلس سال ۷۶

تعیین مصادیق عسر و حرج برای درخواست طلاق از سوی زنان



با تصویب الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی از سوی مجلس شورای اسلامی، مصادیق عسر و حرج برای درخواست طلاق از سوی زنان مشخص شد.

طبق مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی، ترک عمدی همسر توسط زوج حداقل به مدت شش ماه بدون عذر موجه، اعتیاد مضر به یکی از انواع مواد مخدر، استتکاف از پرداخت نفقه و عدم امکان بر الزام او به تادیب، ابتلاء زوج به امراض مسری صعب‌العلاج یا هر عارضه‌ی دیگری که دوام زناشویی و سلامت زوج را به خطر اندازد و عقیم بودن زوج به‌نحوی که مانع اولاددار شدن زوج شود، از جمله مواردی است که در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج می‌باشد. سوء رفتار و معاشرت زوج در حدی که عرفاً با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی، روحی و از نظر زمانی و مکانی برای زوج قابل تحمل نباشد، اختیار همسر دیگر در صورت عدم استطلاع بر اجرای عدالت، عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار یا حرفه‌ای که منافعی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوج باشد و همچنین محکومیت قطعی زوج به حبس در اثر ارتکاب جرائمی که منافی با حیثیت خانوادگی و شئون زوج باشد، از دیگر مواردی است که در این قانون ذکر شده است.

به موجب تبصره‌ی ماده‌ی واحده‌ی این طرح، عسر و حرج موضوع این ماده عبارت است از به‌وجود آمدن وضعیتی که ادامه‌ی زندگی را برای زوج با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد.

دیوان عالی کشور :

نگهداری نوار کاست، فیلم و عکس جرم نیست

به حکم دیوان عالی کشور همراه داشتن فیلم، عکس، نوار کاست و سی‌دی قابل پیگرد نیست. بنا بر این حکم نگهداری طرح، نقاشی، فیلم اعم از فیلم ویدئو یا به‌طور کلی هر چیزی که اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند فقط در صورتی که به منظور تجارت و

توزیع باشد جرم محسوب می‌شود و صرف نگهداری از این وسایل در صورتی که تعداد آن نشانگر تجارت و توزیع نباشد، فلتد جنبه‌ی قضایی است.

پیش از این ضابطان قوه‌ی قضائیه و گشت‌های امر به معروف و نهی از منکر خودروها و منازل را مورد بازرسی قرار می‌دادند و در صورت یافتن چنین اشیایی صاحبان آن را به دادگاه ارجاع می‌دادند.

افزایش آمار طلاق در سال ۱۳۷۸

طلاق در سال ۷۸ نسبت به سال قبل ۱۸ درصد افزایش داشته است.

بنا بر آمار سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۷۸ ثبت ازدواج ۱۵۷۲۲ درصد و طلاق ۱۸۰۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد. این سازمان در مقایسه‌ی آمار وقایع حیاتی ثبت شده در نه ماهه‌ی نخست سال ۱۳۷۸ با مدت مشابه سال قبل از آن اعلام کرد: «ثبت ولادت ۳۷۵۸ درصد افزایش، ثبت فوت جاری ۹۱۸۷ درصد افزایش و ثبت فوت موقوفه ۱۸۲۴ درصد افزایش داشته است.

همچنین نسبت ازدواج به طلاق در نه ماهه‌ی نخست سال ۱۳۷۷، ۱۳۰۸ در نه ماهه‌ی سال ۱۳۷۸ با ۲۵ درصد کاهش به ۱۲۸۸۳ درصد رسیده است.»

دکتر شکوه نوایی نژاد :

قوانین استخدامی برای زنان باید با نقش مادری آنان انطباق داشته باشد

قوانین کاری و استخدامی در همه‌ی موارد باید به گونه‌ای تدوین شود که اشتغال زن با نقش مادری او انطباق و سازگاری داشته باشد، نه عکس آن. دکتر شکوه نوایی نژاد استاد دانشگاه تربیت معلم تهران در سمینار بین‌المللی تمدن، تعلیم و تربیت، خانواده با بیان این مطلب گفت: «باید تمهیداتی اندیشید که ضمن بهره‌گیری از توان و مهارت‌های کاری زن در توسعه‌ی جامعه، حفظ کیان خانواده و تربیت فرزندان در اولویت قرار گیرد»

وی افزود: نباید فراموش کرد که مسئله‌ی اشتغال زن به‌ویژه در طبقات متوسط و بالا علاوه بر تأمین نیاز مالی و افزایش سطح زندگی، نیازهای گوناگون روانی و اجتماعی از جمله عزت نفس، کسب موفقیت و احساس ارزشمندی را نیز بالقوه برآورده می‌سازد.

وی در ادامه گفت: «با توجه به نقش سنتی و تکاملی زن که همان تربیت و پرورش فرزندان است، اغلب زنان خود را بین انتظارات، توقع‌ها، مسئولیت‌ها و تعهدهای کاری و خانوادگی در تعارض می‌بینند و گاه اشتغال و خانواده به نظر متناقض می‌آیند. زن عملاً در دو شیفت کاری به انجام وظایف در محیط کار و خانه می‌پردازد که این امر در مواردی روابط زن و شوهر را خدشه‌دار

می‌کند و بعضاً به فرسودگی‌های روانی در زن می‌انجامد.»

دکتر نوایی نژاد تصریح کرد: «به‌رحال کار زن، به‌ویژه وقتی دارای فرزند باشد پیوسته برای او با استرس همراه است و زن و مرد کم‌تر قادر خواهند بود با آرامش و فراغ ببال وقت خود را با فرزندانشان صرف کنند و پاسخگوی نیازهای آنان باشند.»

وی افزود: «هرچند تحقیقات، تفاوت مهم، معنی‌دار و پایه‌داری را در وضعیت فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار از نظر پیشرفت تحصیلی و سلامت روان نشان نمی‌دهد لکن بار اضافی نقش، برآوردن انتظارات و توقع‌های خانواده و کار همزمان و احساس گناه ناشی از صرف وقت کم برای مراقبت از کودک، از عوامل استرس‌زایی است که مادر شاغل تجربه می‌کند.»

حمایت مؤسسه فرهنگی، اجتماعی یاس از زنان و دختران بی‌سرپرست

خانه‌ی یاس زنان و دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست را شناسایی و مورد حمایت قرار می‌دهد.

مؤسسه فرهنگی - اجتماعی یاس فعالیت خود را از سال ۷۷ با اهداف زیر آغاز کرد:

الف - شناسایی و حمایت از زنان و دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست.
ب - تأمین هزینه‌ی مالی تحصیلی افراد تحت سرپرستی.

ج - ایجاد زمینه اشتغال و همیاری جهت تشکیل خانواده برای گروه‌های هدف و... ایجاد فعالیت درآمدزا به منظور تأمین منابع مالی مؤسسه.

این مؤسسه به همت گروهی از افراد نیکوکار کار خود را با تشکیل هشت کمیته آغاز کرد: کمیته‌ی آموزش و پژوهش، کمیته‌ی مشاوره و مددکاری، کمیته‌ی اشتغال، کمیته‌ی هنری، کمیته‌ی روابط عمومی، کمیته‌ی بهداشت و درمان، کمیته‌ی مالی و کمیته‌ی سازمان‌دهی و تشکیلات.

اختصاص دو میلیارد ریال اعتبار برای رفع مشکلات حقوقی بانوان

دو میلیارد ریال اعتبار از اعتبارات ردیف ۱۶۳ بودجه سال جاری وزارت کشور برای رفع مشکلات حقوقی بانوان اختصاص یافته است.

انوشیروان بروجرودی مدیرکل امور بانوان وزارت کشور با اعلام این خبر گفت: «این اداره‌ی کل برنامه‌های آموزشی برای کمیسیون‌های امور بانوان سراسر کشور را در دستور برنامه‌ی کاری امسال خود قرار داده است.» وی که برای گشایش ساختمان جدید کمیسیون امور بانوان مجلات به این شهر سفر کرده بود در ادامه

گفت: «زنان مهم‌ترین عامل کنترل مصرف و اشلعه‌ی فرهنگ در جامعه هستند و در صورتی که کمیسیون‌های امور بانوان، آموزش‌های لازم را در هر زمینه و به‌طور صحیح به زنان ارائه دهند، نتایج بسیار چشمگیری به دنبال خواهد داشت.»

بروجردی افزود: «هم‌اکنون ۱/۸ میلیون دختر در سن تحصیل، به خاطر فقر، از تحصیل محرومند که از سوی آموزش و پرورش و مرکز امور مشارکت زنان باید برای حل این معضل چاره‌اندیشی شود.» وی در رابطه با اوقات فراغت بانوان گفت: «برای غنی‌سازی اوقات فراغت بانوان باید از محل اعتبارات عوارض تخانیات ذخیره شود.»

اشرف بروجردی گفت: «با دانستن آثار و اطلاعات دقیق از وضعیت بانوان در کلیه‌ی زمینه‌ها می‌توان برای این فشر برنامه‌ریزی صحیحی داشت، برای این منظور هم‌اینک کار تهیه‌ی شناسنامه‌ی امور بانوان در تمام شهرستان‌ها آغاز شده است.»

همایش بررسی جایگاه زن در جرم‌شناسی برگزار شد

انجمن ایرانی جرم‌شناسی، همایش بررسی جایگاه زن در جرم‌شناسی را با هدف بررسی مسائل و موضوعات جرم‌شناسی در ایران برگزار کرد.

دکتر علی صفاری طی سخنانی گفت: «تاکنون موضوع مجرمیت زنان در جرم‌شناسی به‌طور صریح منعکس نشده است که این امر معلول دو علت است: اول، تئوری‌های موجود در زمینه‌ی جرم‌شناسی کلی هستند و جرائم مردان و زنان، هر دو را در برمی‌گیرند. دوم، حضور زنان در آمار جهانی بسیار پایین است در نتیجه نسبت به بررسی جداگانه جرم‌شناسی زنان نیازی احساس نشده است.»

وی در ادامه گفت: «در سال ۷۸ تعداد دوهزار و ۳۲۳ زن در جرائم علیه اشخاص و کودکان راهی زندان شدند که از این تعداد بیش‌ترین آمار مربوط به جرائم منافی عفت و مواد مخدر و کم‌ترین آمار مربوط به قتل بود.» وی با تأکید بر کم بودن جرائم زنان گفت: «زنان اصولاً موجوداتی سازگار و مطیع قانون می‌باشند در حالی که مردان طبیعتی خشن و عصیانگر دارند و بیش‌تر دست به ارتکاب جرم می‌زنند. امکان کشف جرائم زنان کم‌تر است زیرا طبیعتاً مخفی‌کار هستند و جامعه و دستگاه قضایی نیز نسبت به جرائم زنان لغامی می‌کند.»

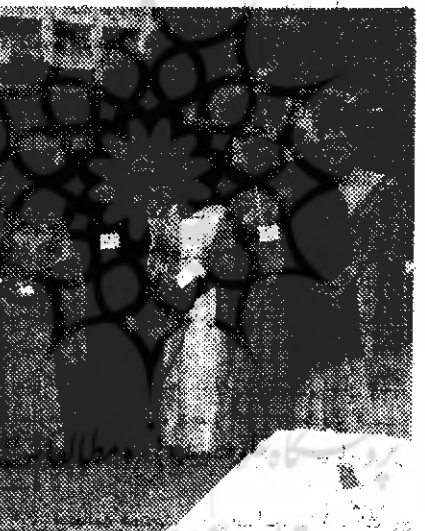
همایش اسلام و فمینیسم برگزار می‌شود

نخستین همایش اسلام و فمینیسم همراه سالی جاری در مشهد برگزار خواهد شد. این همایش با هدف فراهم‌سازی بستر مناسب برای تعاطی و تضارب افکار و آراء به همت نهاد مقام معظم

رهبری در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار خواهد شد. نهاد مقام معظم رهبری از استادان، پژوهش‌گران و صاحب‌نظران دعوت کرده چکیده‌ی مقالات خود را در محورهای فمینیسم، زن و انسان‌شناسی، زن و فرهنگ، زن و اجتماع، زن و خانواده، زن و حقوق، زن و اقتصاد تا تاریخ ۲۰ خرداد ماه به نشانی مشهد، اول، خیابان احمدآباد، ساختمان دانشگاه فردوسی مشهد، طبقه‌ی همکف، دفتر پژوهش‌های اسلامی، نهاد مقام معظم رهبری ارسال کنند. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیش‌تر با شماره‌ی ۸۲۵۲۵۸-۵۵۶ تماس بگیرند.

این نهاد تأکید کرده است که چکیده مقالات ارسالی باید به روش علمی تنظیم شده و پیش از ارائه در همایش در جایی چاپ نشده باشد و از ۲۰ کلمه نیز بیش‌تر نباشد.

برگزاری کنفرانس بین‌المللی زنان



کنفرانس بین‌المللی زنان با عنوان وضعیت زنان، نظرات و واقعیت‌ها در دهلی نو برگزار شد. در این کنفرانس که با بیش از ۵۰۰ نفر از ۴۵ کشور از جمله ایران، کانادا، آمریکا، استرالیا، فنلاند، پاکستان، اردن، برزیل، بنگلادش، امارات و... برگزار شد، درباره‌ی محورهای حقوق زنان و خشونت علیه زنان، سلامت و بهداشت بیولوژیکی زنان و توان‌سازی زنان بحث و کنفرانس‌هایی برگزار شد.

این کنفرانس با هدف تبادل دانش مربوط به بیماری‌های مؤثر بر سلامت زنان، تشریح مباحث سلامت دختران جوان، آیدز در زنان، تئوری خشونت و وضعیت زنان و تعیین استراتژی‌های توان‌سازی زنان برگزار شد و از ایران نیز منضمومه ابراهیمی توانی کارشناس ارشد مامایی و انجمن بجزایی عضو هیأت علمی دانشکده‌ی پرستاری و مامایی علوم پزشکی به عنوان نماینده‌ی ایران حضور داشتند.

مسئول کمیته‌ی بانوان سیزدهمین نمایشگاه کتاب اعلام کرد

آمار تألیف‌ها و ترجمه‌های بانوان

در سال گذشته دوهزار کتاب توسط بانوان تألیف و ترجمه شده است.

مینا خواجهنوری مسئول کمیته‌ی بانوان کتاب تهران در نشست بانوان نشر و چاپخانه‌دار با بیان آمار فوق گفت: «۶۶۱ عنوان کتاب در تهران و ۲۳ عنوان در شهرستان‌ها توسط بانوان درباره‌ی کودکان و نوجوانان نوشته شده است. در زمینه‌ی ادبیات ۲۸۵ عنوان کتاب در تهران و ۲۵ عنوان در شهرستان‌ها توسط بانوان نوشته شده است.»

وی در ادامه گفت: «بانوان ۱۶۱ عنوان کتاب علوم خاص در تهران و پنج عنوان در شهرستان‌ها، ۱۰۴ عنوان کتاب فلسفه در تهران و چهار عنوان در شهرستان‌ها، ۱۰۲ عنوان کتاب علوم اجتماعی در تهران و دو عنوان در شهرستان‌ها، نوشته‌اند. در عرصه‌ی کتاب‌های زبان، بانوان تهران ۸۵ عنوان و بانوان شهرستانی هشت عنوان کتاب نوشته‌اند. ۷۹ عنوان کتاب هنر در تهران و چهار عنوان در شهرستان‌ها، ۴۰ عنوان کتاب تاریخ، جغرافی و کلیات در تهران و سه عنوان در شهرستان‌ها توسط بانوان نوشته شده است.»

مسئول کمیته‌ی بانوان در ادامه گفت: «سال گذشته بانوان در زمینه‌ی فلسفه ۳۲۵ مورد تألیف و ۷۵ مورد ترجمه، در حوزه‌ی کتاب‌های دینی، ۵۶ مورد تألیف و ۲۲ مورد ترجمه، در حوزه‌ی علوم اجتماعی ۷۴ مورد ترجمه و ۳۰ مورد تألیف، در حوزه‌ی علوم طبیعی و ریاضیات دوهزار و ۱۴۴ مورد تألیف و ۲۲ مورد ترجمه، در حوزه‌ی علوم عملی ۱۸۲ مورد تألیف و ۱۸۷ مورد ترجمه، در حوزه‌ی هنر ۴۳ مورد تألیف و ۴۰ مورد ترجمه داشته‌اند.»

خواجهنوری در ادامه افزود: «در حوزه‌ی ادبیات ۱۲۱ مورد تألیف و ۸۹ مورد ترجمه، در حوزه‌ی تاریخ و جغرافیا ۳۳ مورد تألیف و ۱۰ مورد ترجمه و در زمینه‌ی کتاب‌های کودکان و نوجوانان ۴۹۰ مورد تألیف و ۱۹۴ مورد ترجمه توسط بانوان انجام شده است.»

وی تأکید کرد که بسیاری از آثار اعلام شده تجدید چاپ شده است و جمع تألیف‌ها را یک‌هزار و ۲۷۸ مورد و جمع ترجمه‌ها را ۶۹۴ مورد اعلام کرد.

برگزاری پنجمین دوره‌ی جشنواره انتخاب رساله‌ی برتر

در پنجمین دوره‌ی جشنواره‌ی انتخاب رساله‌ی برتر که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جهاد دانشگاهی برگزار شد، رساله‌ی خانم دکتر صلاحی مقدم مقام اول را کسب کرد. وی از دانشگاه تربیت مدرس دکتر گرفته است و

زنان بیوه در افغانستان می توانند کار کنند

با تلاش نمایندگان سازمان ملل، زنان بیوه در افغانستان اجازه یافتند کار کنند.

خانم آنجلا کینگ مشاور دبیرکل سازمان ملل در امور زنان که به دعوت سازمان زنان اسپانیا در مادرید به سر می برد با تشریح وضعیت بد زنان در افغانستان و برخی کشورهای آفریقایی افزود: «در افغانستان یک دولت رسمی وجود ندارد و ما به عنوان نماینده سازمان ملل، در بازدید از آن کشور وضعیت زنان را مورد بررسی قرار دادیم و توانستیم با طالبان گفت و گو کنیم و پس از این سفر مقامات طالبان به زنان بیوهی افغانی اجازه ی کار دادند.»

وی افزود: «نمایندگان سازمان ملل در اسلام آباد ضمن تماس با زنان افغانی اوضاع آنان را بررسی می کنند و هم اکنون یک زن به عنوان نماینده سازمان ملل در اسلام آباد مأمور رفت و آمد و بررسی وضعیت زنان در افغانستان شده است.»

خودسوزی یک زن گرجستانی در مخالفت با دولت

یک زن در تفلیس پایتخت گرجستان، در اعتراض به بازداشت ۳۰ نفر از فعالان سیاسی خودسوزی کرد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی پلیس اعلام کرد: زن ۴۹ ساله ای به نام مریم گلادزه مقابل ساختمان مجلس قانونگذاری، نخست خود را به بنزین آغشته کرد و سپس خود را آتش زد.

گروهی که خود را انجمن دفاع از حقوق بشر می نامند گفتند که این خودسوزی در اعتراض به بازداشت ۳۰ نفر از هواداران گروه «گامسا خوردیاه» رییس جمهور و متقاعد ساختن آن ها به پایان دادن به اعتصاب غذای دو ماهه صورت گرفته است.

این گروه از زندانیان همگی از هواداران گامسا خوردیاه هستند که در سال ۱۹۹۲ کودتایی که ادوارد شوارتادزه رییس جمهوری گرجستان را به کشور بازگرداند و سه سال بعد او را به ریاست جمهوری رساند، از کار برکنار شد.

مخالفت روس ها با فعالیت اجتماعی زنان

حدود ۴۷ درصد از مردم روسیه معتقدند که زنان نباید در خارج از خانه کار کنند.

براساس نظرسنجی این عده از مخالفان فعالیت اجتماعی زنان معتقدند چنانچه شوهر بتواند معاش خانواده را تأمین کند، زن باید در خانه بماند و نباید به سر کار برود، در حالی که ۳۷ درصد دیگر مردم روسیه کار کردن بیرون از خانه را حق زن می دانند.

در جنوب آسیا روزانه دو هزار زن مبتلا به سل می میرند

جهانیان در حالی روز جهانی زن را گرامی داشتند که در جنوب آسیا بیماری سل روزانه جان دو هزار زن را می گیرد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از دهلی نو بیماری سل نه تنها باعث به انزوا کشیده و رانده شدن تعداد قابل ملاحظه ای از زنان مبتلا به این بیماری از خانواده های هند می شود، بلکه این بیماری یکی از دلایل عمده مرگ و میر زنان نیز می شود.

مطالعه ای که از سوی مرکز تحقیقات در مدرسی مرکز ایالت تامیل نادو در جنوب هند با حمایت سازمان جهانی بهداشت اجرا شد، نشان می دهد سالانه این بیماری باعث رانده شدن یک صد هزار زن از خانواده های هند به ویژه در روستاها می شود. این مطالعه که با بررسی ۹۸ مرد و ۵۵ زن در مناطق روستایی مدرسی و دو ناحیه ای ایالت تامیل نادو صورت گرفته، خاطر نشان می سازد در حالی که ۱۵ درصد زنان مبتلا به بیماری سل از خانواده هایشان رانده شده اند، ۶۹ درصد دیگر از بیم رانده شدن از خانواده، از فاش شدن بیماری خود می ترسند.

خانم نانی نایر نماینده سازمان بهداشت جهانی در دهلی نو، می گوید: «آمار نشان می دهد که بیماری سل هنوز هم باعث تبعیض اجتماعی است. در حالی که راه درمان این بیماری چندین یکمید سال پیش شناخته شده، اما زنان هندی هنوز هم از این بیماری هلاک می شوند.»

وی افزود: «در واقعیت امر، بیماری سل هنوز مهم ترین عامل مرگ و میر زنان در جهان است و احتمالاً دلیل آن وجود موانع در راه درمان بیماری زنان است.»

این مطالعه همچنین می افزاید: «۱۱ درصد از کودکانی که والدین آن ها مبتلا به سل بوده اند، به خاطر مشکلات اقتصادی مدرسه را رها کرده و هشت درصد این کودکان که مدرسه را رها کرده اند از مناطق روستایی بودند و ۱۳ درصد دیگر مربوط به خانواده های شهری هستند.»

دکتر اس بی کینا سرپرست برنامه ی ملی کنترل بیماری سل در هند هشدار داده است که اگر تلاش جدی برای کنترل بیماری سل در این کشور صورت نگیرد، به زودی این بیماری در هند فراگیر می شود. وی گفت: «هر دقیقه یک نفر هندی بر اثر ابتلا به سل می میرد و روزانه یک هزار بیمار جدید به تعداد بیماران مسلول هند افزوده می شود.»

وزیر بهداشت و رفاه خانواده ی هند نیز معتقد است که یک چهارم مبتلایان به بیماری سل در جهان، در هند به سر می برند و این بیماری هر سال باعث مرگ پانصد هزار هندی می شود.

موضوع رساله ی دکترای وی در حوزه ی ادبیات تطبیقی تحت عنوان مقایسه ی بین مولانا جلال الدین محمد بلخی و ویلیام بلیک از نظر عرفانی و ادبی است. وی در این رساله در باب انسان های الهی در فطرت ملکوتی، آثار این دو عارف بزرگ را تبیین کرده است.

سمینار بررسی حقوق زن در خانواده برگزار می شود

سمینار بررسی حقوق زن در خانواده به منظور شناسایی موانع و دستبایی به راه کارهای قانونی و اجرایی حقوق زن در خانواده با محوریت زن در امر ازدواج و طلاق خواهد شد.

این سمینار که به همت دفتر امور بانوان وزارت کشور و با همکاری استانداری کردستان ۲۷ و ۲۸ تیرماه در سنندج برگزار خواهد شد از صاحب نظران دعوت کرد با ارسال مقاله های خود درباره ی محورهای زیر این مجموعه را یاری کنند:

- نگاه دین اسلام و مذاهب آن به حقوق زن در خانواده (ازدواج و طلاق)

- بررسی مبانی قانونی حقوق زن در خانواده (ازدواج و طلاق)

- بررسی موانع اجرایی قوانین مربوط به ازدواج و طلاق

- مطالعه و بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر امر ازدواج و طلاق

دفتر امور بانوان وزارت کشور از علاقه مندان دعوت کرد برای کسب اطلاعات بیشتر با این دفتر تماس بگیرند.

فعالیت های جمعیت مبارزه با اعتیاد در سال جاری

جمعیت مبارزه با اعتیاد مهم ترین فعالیت های این جمعیت را در فروردین ماه سال جاری اعلام کرد.

به گزارش روابط عمومی جمعیت مبارزه با اعتیاد، این جمعیت با تشکیل کمیته هایی به کمک خانواده های معتادین شتافته و در زمینه های امور فرهنگی، پیشگیری، تربیت نیروهای متخصص، درمان، مشاوره و حمایت از خانواده فعالیت کرده است. کمیته ی حمایت از خانواده در روزهای پایانی سال ۷۸ و فروردین ۷۹ با توزیع بیش از سه هزار کیلو برنج، یک هزار و ۵۰۰ لیتر روغن و حدود دو میلیون و ۵۰۰ هزار ریال بن، کمک در چند مورد زایمان، درمان فرزندان بیمار، پرداخت شهریه و مخارج تحصیل و وام، و دیهمه ی مسکن به خانواده های معتادین یاری می رساند.

این جمعیت به ریاست سهیلا جلودارزاده فعالیت می کند.

این نظرسنجی در اوایل ماه مارس و از بین یک هزار نفر از زنان و مردان روسیه به عمل آمده است. در سال ۱۹۹۵ تعداد افرادی که معتقد بودند زنان نباید در بیرون از خانه کار کنند، ۷۱ درصد بود.

دوسوم از بی سوادان جهان زن هستند



به گزارش یونسکو ۶۴ درصد از ۸۷۵ میلیون بی سواد در جهان زن هستند.

در این آمار که در گزارش دو سالانه یونسکو در همایش جهانی آموزش در داکا انتشار یافت، آمده است: «افریقا در زمینه مبارزه با بی سوادگی پیشرفت چشمگیری داشته است به طوری که میزان بی سوادگی در این قاره از ۸۴ درصد به ۳۹ درصد کاهش یافته است و این رقم در آسیا نیز کاهش از ۶۴ درصد به ۲۵ درصد را نشان می دهد. اما بیش از نیمی از افرادی که قادر به خواندن نیستند، تنها در ۲۵ کشور زندگی می کنند که ۱۷ مورد از کشورهای یاد شده در صحرای آفریقای سفلی و پنج کشور در آسیای جنوب شرقی قرار دارند.»

بنابر این گزارش میزان بی سوادگی در هند، پاکستان و بنگلادش همچنان روبه افزایش است به طوری که ۴۵ درصد از بی سوادان جهان در این سه کشور زندگی می کنند. در گزارش یونسکو تصریح شده است: «در حالی که در بسیاری از کشورهای روبه توسعه

هزینه های مربوط به آموزش بین شش تا ده درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهند، این رقم در کشورهای چون سودان و چاد کم تر از دو درصد است.» در این گزارش شمار فارغ التحصیلان دوره ابتدایی از ۲۰۶ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۶۶۸ میلیون نفر در سال ۱۹۹۷ افزایش داشته است و شمار این افراد در قاره های آفریقا و آسیا به ترتیب چهار و سه برابر شده است.

شمار افرادی که دوره دبیرستانی را گذرانده اند نیز از ۴۰ میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۳۹۸ میلیون نفر افزایش یافته در حالی که در دهه ۵۰ تنها شش و نیم میلیون نفر از این افراد به مراکز آموزش عالی راه می یافتند. در حال حاضر حدود ۸۸۲ میلیون نفر موفق به اخذ مدارک دانشگاهی شده اند. با این حال ۱۱۳ میلیون کودک از جمله ۱۱۰ میلیون نفر که ۵۳ درصد آن ها نیز دختر هستند، هنوز موفق نمی شوند به مدارس ابتدایی راه یابند.

در گزارش یونسکو آمده است: «در فرانسه برای هر ۱۹ دانش آموز دبستان یک آموزگار وجود دارد در حالی که این نسبت در سنگال ۶۵ به یک، در توگو ۵۸ به یک، در بنگلادش ۶۶۳ به یک، در چاد ۶۷ به یک و در کنگو به نسبت ۷۰ به یک است.»

این گزارش می افزاید: «اگر فرانسویان به طور متوسط حدود ۱۵ سال و نیم را در کلاس های درس می گذرانند، در مالی، نیجریه و بورکینافاسو این رقم به گونه ای خوش بینانه دو سال تخمین زده می شود.»

لغو حکم زندان دو زن کویتی

محکومیت دو زن ناشر و نویسنده کویتی به اتهام انتشار مطالب اهانت آمیز به اسلام و خلاف عفت عمومی در دادگاه تجدیدنظر بخشیده شد.

عالیه محمد عبدالعزیز شعیب نویسنده و استاد فلسفه در کتابی به نام عنکبوت ها زخم به جا می گذارند و لیلی عثمان نویسنده و استاد دانشگاه کویت در کتابی به نام مهاجرت که مطالبی توهین آمیز به ارزش های اسلامی منتشر کرده بودند، در دادگاه به زندان و جریمه نقدی محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر ضمن لغو حکم زندان، عالیه شعیب را به پرداخت یکصد دینار و لیلی عثمان را به پرداخت یک هزار دینار جریمه محکوم کرد.

یحیی الربیعان ناشر این کتابها نیز به پرداخت یک هزار دینار جریمه محکوم شد.

اجبار دختران افغانی در ازدواج با نیروهای طالبان

روزنامه های پاکستان اعلام کردند که طالبان دختران جوان افغانی را وادار به ازدواج با نیروهای خود می کنند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی روزنامه انگلیسی زبان نیشن چاپ اسلام آباد نوشت: «طالبان

دختران جوان را وادار به ازدواج با نیروهای خود می کنند و در صورت مخالفت دختران، آنان را به رگبار مسلسل می بندند.»

بنابراین نوشته نیروی ملی طالبان در استان پکتیا پنج دختر را که با پیشنهاد طالبان مخالفت کرده بودند، کشتند و مادران دختران کشته شده به دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در پشاور به خاطر قتل دخترانشان شکایت کردند.

سازمان عفو بین المللی پیش از این در مورد افزایش ازدواج های اجباری توسط طالبان ابراز نگرانی کرده بود.

در هر ثانیه یک زن اسرائیلی از شوهرش کتک می خورد

بر اساس بررسی های انجام شده در تل آویو، هر ۱۸ ثانیه یک زن اسرائیلی از شوهرش کتک می خورد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی به نقل از خبرگزاری قدس پرس اعلام کرد که در بررسی های انجام شده از سوی سازمان خدمات بهداشت عمومی رژیم صهیونیستی، تعداد زنان اسرائیلی که به طور مرتب از شوهرانشان کتک می خوردند بیش از ۲۰۰ هزار نفر است.

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «۹۰ درصد زنان کتک خورده مایل نیستند نزد پلیس شکایت کنند و یا از کسی کمک بخواهند.»

مؤسسه صندوق بیماران عمومی در سرزمین اشغالی در پی انتشار این گزارش تصمیم گرفت با پدیده خشونت علیه زنان در خانواده مبارزه کند.

قانون جدید ژاپن در جهت بهبود حقوق نمایندگان زن

مجلس ژاپن با تصویب قانون مرخصی زایمان برای زنان نماینده، گامی دیگر در جهت بهبود حقوق بانوان قانون گذار برداشت.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از توکیو، این قانون برای سایر مشاغل وجود داشت ولی نمایندگان مجلس را در بر نمی گرفت.

قانون تساوی حقوق زن و مرد مدتی پیش در مجلس تصویب شد اما پیاده شدن روح این مصوبه صرفاً در پرتو گذر زمان میسر است.

بر اساس آمار منتشره، زنان در مجلس ۵۰۰ نفره نمایندگان و ۲۵۲ نفره مشاوران ژاپن، فقط نه درصد مجموع کرسی ها را بر عهده دارند و این رقم بیانگر آن است که ژاپن از نظر شمار نمایندگان زن در میان ۱۷۹ کشور جهان در رده ۱۲۱ قرار دارد.

زنان ژاپنی هم اکنون در رده بالای تصمیم گیری به ویژه در عرصه سیاسی از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند به طوری که بسیاری از کارشناسان به حضور

تنها یک زن در هیأت دولت استناد می‌کنند. آراستگی ظاهری زنان ژاپنی بدون در نظر گرفتن نژاد گرچه با هم‌تایان غربی‌شان تفاوت ندارد ولی تا دستیابی به حقوق اجتماعی که زنان غربی مدعی آنند، راه درازی را پیش رو دارند.

عقیده سنتی حاکم بر ژاپن که هنوز هم رگه‌های بسیار باریکی از آن البته نه در حرف که در رفتار مشاهده می‌شود، پای‌بندی به اصول سه‌گانه زندگی زنان در این سرزمین است. «اطاعت از پدر پیش از ازدواج»، «اطاعت از شوهر پس از ازدواج»، «اطاعت از فرزند در زمان کهولت» ارکان تشکیل‌یافته این اصول سه‌گانه زندگی زنان است.

رنج زنان انگلیسی از وضعیت نامطلوب بهداشتی

یک چهارم زنان انگلیسی از نظر بهداشتی وضعیت مناسبی ندارند.

به گزارش واحد مرکزی خبر، آمار نشان می‌دهد که ۲۶ درصد از زنان انگلیسی از وضعیت نامطلوب بهداشتی رنج می‌برند.

در مورد مردان این آمار اندکی بهتر است و نشان می‌دهد که حدود ۲۲ درصد از مردها در انگلیس وضعیت نامطلوب بهداشتی دارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که سطح بهداشت در طبقاتی از جامعه که وضعیت نامناسب اقتصادی دارند، پایین‌تر است. براساس این آمار، طی سال گذشته حدود ۳۰ درصد از زنان در برابر ۲۵ درصد از مردان، از فشار شدید عصبی شکایت داشته‌اند. مادرانی که به تنهایی زندگی می‌کنند بیش از سایر گروه‌های جامعه از فشارهای عصبی شاکی بودند.

نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که پایین بودن میزان تحصیلات، نداشتن پشتیبان و حامی و شرکت نکردن در فعالیت‌های اجتماعی در پایین بودن سطح بهداشت افراد به ویژه زنان تأثیر دارد.

در جوامع پیشرفته مادران تنها، زودتر می‌میرند

براساس پژوهش هفته‌نامه‌ی پزشکی لانست چاپ انگلیس، مرگ و میر زود هنگام مادران تنها در جوامع توسعه‌یافته بسیار چشمگیر است.

بنابراین پژوهش مادران تنها ۷۰ درصد بیش‌تر از مادرانی که با همسران خود زندگی می‌کنند در معرض مرگ زود هنگام قرار دارند.

پژوهشگران سوئدی با انجام تحقیقاتی دریافته‌اند که میزان مرگ و میر زود هنگام در میان مادرانی که تنها زندگی می‌کنند در مقایسه با سایر مادران بیش‌تر است. ۲۰ درصد از خانواده‌های سوئدی توسط یکی از والدین اداره می‌شوند که اغلب آنان را زنان تشکیل می‌دهند.

این پژوهشگران میزان مرگ و میر را در ۹۰ هزار و ۱۱۱ نفر از مادران تنها و ۶۲۲ هزار و ۳۶۸ نفر از سایر

مادران مورد بررسی قرار دادند. آمار به دست آمده از این تحقیق در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ نشان داد مادران تنها از نظم اجتماع، فشار روانی و مالی که میزان روحی، افسردگی و ضعف جسمانی را افزایش می‌دهد، به‌سویه آمده‌اند. با وجودی که مادران تنها دوبرابر بیش‌تر از سایرین از رفاه اجتماعی برخوردار می‌شوند و مزایای بیکاری به میزان دو برابر بیش‌تر از مادرانی که با همسران خود زندگی می‌کنند، در اختیار آنان قرار می‌گیرد اما آنان مجبورند برای گذراندن زندگی به‌طور تمام‌وقت کار کنند و این امر موجب افزایش فشارهای روحی بر آنان می‌شود. میزان خودکشی و اعتیاد به الکل در مادران تنها به ترتیب چهار و پنج برابر بیش‌تر از سایرین است.

به‌گفته‌ی پژوهشگران افزایش شمار مادران تنها در جامعه نشانگر بروز مشکلات مالی، اجتماعی و سلامتی در درازمدت است.

افزایش آمار طلاق در ایرلند

در پی قانونی شدن طلاق در ایرلند، آمار مربوط به طلاق در این کشور رو به افزایش است.

به نوشته‌ی روزنامه‌ی ایریشیا تایمز چاپ دوبلین، از فوریه سال ۱۹۹۷ که طلاق در ایرلند جنوبی قانونی شد تا آخر دسامبر ۱۹۹۹، تعداد هفت هزار و ۷۲۸ تقاضای طلاق به دادگاه ارائه شده است که نیمی از آن‌ها متعلق به شهر دوبلین (پایتخت جمهوری ایرلند) است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی براساس آماري که اخیراً منتشر شده است، تا آخر دسامبر ۱۹۹۹ میلادی در ایرلند جنوبی سه هزار و ۲۴۰ نفر تقاضای طلاق کردند که دادگاه با دو هزار و ۴۴۴ مورد موافقت کرد. نکته‌ی قابل توجه در این آمار این است که زنان ایرلند جنوبی دو برابر مردان تقاضای طلاق کرده‌اند، به‌نحوی که در سال ۱۹۹۹ یک هزار و ۶۱۱ زن به وسیله‌ی دادگاه طلاق گرفتند، در حالی که این رقم برای مردان ۸۶۴ نفر بوده است.

دختران اسکاتلندی درس خوان‌تر از پسران هستند

براساس بررسی‌های آماری و ارقام به‌دست آمده از نتایج امتحانات در اسکاتلند، عملکرد درسی دختران به مراتب بهتر از پسران است و نتایج ارزیابی امتحانات نشان‌دهنده‌ی شکاف فزاینده بین عملکرد درسی دختران و پسران است.

به گزارش واحد مرکزی خبر، پیش‌تر تصور می‌شد که پسران در آغاز فعالیت تحصیلی کندتر از دختران هستند، ولی بعدها با دختران برابری و حتی از آنان پیشی می‌گیرند، اما آخرین مطالعات حاکی است که این امر دیگر صحت ندارد و شکاف علمی بین دختران با پسران همچنان عریض است.

نتایج ارزیابی سال‌های آخر دبیرستان نشان می‌دهد

که از میان ۳۴ موضوع درسی، عملکرد پسران تنها در شش موضوع بهتر از دختران است در حالی که دختران در ۲۱ موضوع بهتر از پسران بودند. این در حالی است که حتی در رشته‌هایی مانند فیزیک که معمولاً پسران بهتر از دختران هستند، باز هم دختران نتایج بهتری نسبت به پسران به دست می‌آورند.

به‌گفته‌ی بازرس تحصیلی اسکاتلند، ریشه این مسئله در تلاش بیش‌تر و فشرده‌تر مدارس ابتدایی، و زودتر شروع شدن سال‌های تحصیلی پسران نهفته است.

آموزش دختران فدای یادگیری پسران می‌شود

در بسیاری از کشورها، سنت و فرهنگ حاکم شرایطی را پدید می‌آورد که در آن آموزش دختران فدای یادگیری پسران می‌شود.

روزنامه‌ی گاردین چاپ لندن با چاپ یک سلسله گزارش تحقیقی در ارتباط با تربیون جهانی آموزش و پرورش نوشت: «بی‌کفایتی حکومت‌ها و بی‌تفاوتی افکار عمومی در قبال آموزش دختران، موجب شده که بیش‌تر آنان از یک آموزش حداقل محروم بمانند و اقلیت مرفه نیز به آموزش و پرورش خصوصی روی آورند. از سوی دیگر، طبقات نخبه‌ی جامعه نیز تمایلی به فراهم آوردن زمینه‌های آموزش برای افراد کم‌بضاعت ندارند.»

خبرگزاری جمهوری اسلامی در ادامه‌ی این گزارش افزود: «براساس آمار موجود، در حال حاضر در تراز جهانی ۱۵۰ میلیون کودک بین شش تا ۱۱ سال از تحصیل محرومند که از این تعداد ۹۰ میلیون نفر را دختران تشکیل می‌دهند. درعین حال از هر چهار دختر دانش‌آموز یک نفر، پس از چهار سال مجبور به ترک تحصیل می‌شود.»

در شمار قابل توجهی از کشورهای در حال پیشرفت یا عقب‌مانده، میزان حضور سیاسی زنان در مشاغل حکومتی کم‌تر از پنج درصد است و تعداد زنان بی‌سواد در این کشورها به مراتب بالاتر از مردان است. آمار نشان می‌دهد که شانس بقای فرزندان باسواد یک خانواده، ۲۵ درصد بالاتر از فرزندان بی‌سواد همان خانواده است. آموزش دادن دختران می‌تواند سبب کاهش درصد مرگ و میر نوزادان، کاهش شمار ولادت‌های ناخواسته و جلوگیری از ازدیاد بی‌رویه‌ی جمعیت شود.

زنان شاغل فشار روحی بیش‌تری تحمل می‌کنند

بیش‌تر زنانی که به کار بیرون از خانه اشتغال دارند، فشارهای شدید روحی را تحمل می‌کنند. روزنامه‌ی نیویورک تایمز به نقل از محققان امریکایی نوشت: «یک چهارم زنان شاغل امریکا در روزهای تعطیل یا در ساعات کار مخالف همسرانشان کار می‌کنند تا بتوانند به کارهای خانه هم رسیدگی

کنند. بسیاری از این زنان از محرومیت ساعات قابل تغییر در محیط کار، مرخصی برای بیماری خود یا فرزندانشان گله‌مند هستند. ۶۰ درصد از زنانی که ۴۰ ساعت یا بیش‌تر در هفته کار می‌کنند، فرزندانشان زیر هشت سال هستند و به‌طور معمول در شیفت‌های مخالف با همسر و یا روزهای تعطیل کار می‌کنند. ۵۱ درصد زنانی که کودکان زیر ۱۸ سال دارند در شیفت مخالف همسران خود کار می‌کنند و ۴۶ درصد، هم‌شیفت با همسرانشان به کار مشغولند. بسیاری از زنان آمریکایی خواستار بهره‌مندی از مزایای افزون‌تر، از جمله دریافت حقوق مکفی در صورت نیمه‌وقت شدن، دسترسی بهتر به بیمه‌های درمانی و مرخصی‌های ضروری برای نگهداری از فرزندان بیمار خود هستند.

این گزارش در ادامه می‌افزاید: «در برابر هر یک دلار حقوق مردان در آمریکا ۷۳ سنت به زنان پرداخت می‌شود و ۲۴ درصد از زنان نیز می‌گویند مدیرانشان به آن‌ها اجازه‌ی تغییر ساعت نمی‌دهند. ۷۴ درصد از زنان نیز گفته‌اند کودکانشان تحت پوشش بیمه قرار ندارند.»

با توجه به فشار اقتصادی روی خانواده‌های آمریکایی، زنان نه تنها مجبورند بیرون از خانه کار کنند بلکه مسئولیت فرزندان و خانه نیز بیش‌تر روی دوش آنان است.

قاچاق زن، برده‌داری در عصر حاضر

برگردان: کیانوش مصباح
منبع: B.H.C.

ده سال پیش رژیم‌های کمونیستی در مرکز و شرق اروپا از هم پاشید. سیاستمداران درباره‌ی این رویداد که می‌تواند وحدت اروپا را به ارمغان بیاورد و حصارها را بشکند، سخن‌های بسیاری گفته‌اند. تجارت نیز بین شرق و غرب اروپا رواج پیدا کرد برخی قانونی و مشروع و برخی نامشروع.

بسیار افزایش تجارت غیرمشروع سازمان‌های بین‌المللی و دفاع از حقوق بشر دولت‌های اروپایی را تحت فشار قرار دادند تا چاره‌ای برای پایان دادن به تجارت ناخوش آیند ولی پرسود زنان و کودکان اروپایی شرقی اندیشیده شود.

زنی روسی از روسیه چنین می‌گوید: «آن‌ها من را به زمین بستند. در دست‌هایم دستبند آهنی بود بدون آب و غذا و بدون سیگار. اگر تقاضایی می‌کردم مرا می‌زدند. پنج روز در این شرایط بودم تا مجبور شدم برای آن‌ها کار کنم روزی ۲۰، ۲۵، و گاهی حتی ۳۰ مرد.»

روسی اوکراینی این چنین خاطراتش را مرور می‌کند: «من برای ازدواج با یک بلژیکی به غرب اروپا آمدم.» این مصاحبه که یک از یکی از فیلم‌های تبلیغاتی سازمان ملل استخراج شده است به زنان و

دختران جوان هشدار می‌دهد که در پشت آگهی‌های استخدام در خارج خطر در کمین آن‌هاست. در این فیلم همچنین زنان زیبایی را نشان می‌دهد که در اطراف پایتخت اوکراین مشغول قدم زدن و جذب مشتری هستند. همراه با صحنه‌های مستهجن از روسپی‌های استانبول و بروکسل، حتا هجوم پلیس و صف مراجعہ کنندگان نیز به نمایش گذاشته می‌شود. این تفسیر مدعی شده است که زنان اوکراینی به ترکیه، یونان، بلژیک، یوگسلاوی، بوسنی، جمهوری چک، کرووات، آلمان، امارات متحده عربی، سوریه، چین، هلند، آمریکا، کانادا و ژاپن برده می‌شوند.

روسی دیگری از روسیه چنین اظهار می‌دارد: «من به ترکیه آمدم زیرا دوستانم به من گفته بودند می‌توانم



کاری در رستوران دست و پا کنم» این فقط یک نفر از هزاران دختر ساده‌ی اروپای شرقی است که فریب خورده و اکنون بدتر از بردگان مجبور به خودفروشی در غرب است. شاید آنان هرگز فکر نمی‌کردند که در خارج چه بر سرشان خواهد آمد و حتا اگر فکر کنیم که این زنان احتمال می‌دادند که برای انجام این چنین کاری ترک وطن می‌کنند چیزی از زشتی و پلیدی آن کم نمی‌شود.

رفتاری که با این زنان می‌شود بسیار ظالمانه است. ریشه‌ی این رفتار فقری است که دامن آنان را گرفته. یکی از وکلای حقوقی اظهار می‌دارد که این زنان پاسپورت ندارند و نه حتا جایی برای اقامت. بسیاری از آنان ناخواسته فروشنده‌ی مواد مخدر هستند. این تجاوزات آشکار، از قبل از طریق دلانان برنامهریزی شده است.

این زنان زبان کشوری را که به آن وارد می‌شوند، نمی‌دانند و به علت اتفاقات همراهانشان یعنی کسانی که خود دام برای آنان گسترده‌اند به پلیس هم اعتماد ندارند. آنان در جنگال دلانان زن گرفتارند و در صورت اعتراض با این جملات جواب می‌گیرند: «اگر می‌خواهی به پلیس مراجعه کن به علت مهاجرت غیرقانونی دستگیر و به کشورت بازگردانده خواهی شد. منتظر می‌مانیم که به کشورت برگردی.»

به گفته‌ی پلیس آلمان $\frac{1}{4}$ زنان روسی این کشور از

شوروی به آلمان آمده‌اند. در برلین این میزان به ۵۰ درصد می‌رسد. در مواردی این تجارت دوجانبه است از یک طرف زنان اروپای شرقی و از طرف دیگر مشتریان غربی که به شرق اروپا مسافرت می‌کنند.

آنچه موجب نگرانی شده است مخصوصاً بعد از رسوایی پراگ و بخارست افزایش استثمار جنسی کودکان است که عامل اصلی نه اضطرار بلکه فقر است. هلن ویتسه که از نزدیک درباره‌ی موضوع تحقیق کرده است، می‌گوید: «این یک حقیقت تلخ است ولی این کار بسیار پرسودتر از فروختن جارو در خیابان است. این کودکان آن را یک شانس می‌دانند و والدینشان کاملاً به آن آگاهی دارند. آن‌ها می‌دانند اگر وضع اقتصادیشان بدین منوال باشد خود مجبورند دخترانشان را به معروفه‌خانه‌ها بفروشند.»

میانگین سن زنان روسی پایان آمده است دختران جوان کم‌تر مبتلا به بیماری‌های مقاربتی هستند هم‌چنین کم‌تر آلوده به ویروس اچ.ای.وی می‌باشند بنابراین بهتر می‌توانند نظر مشتریان غربی را جلب کنند. ظاهری آرام، زیبا و مغرور دارند ولی با راه یافتن به هزار توی زندگی سیاه آنان به آسانی می‌توان دریافت که فریب خوردگانی هستند که از ناچاری تن به این کار داده‌اند. از خصوصیات این زنان جوان پرخاشگری، عدم اعتماد به نفس و احساس بیهودگی است.

سه سال پیش در یک کنفرانس بین‌المللی در استکهلم درباره‌ی استثمار جنسی کودکان و نوجوانان بحث شد. ابواب مسئله چنان گسترده بود که گروه‌های مختلف را وادار کرد تا به دولت برای افزایش مجازات عاملان استثمار جنسی کودکان فشار بیاورند مثلاً از آن به بعد دولت سوئد ایستادن زنان خودفروش در خیابان‌ها را جرم اعلام کرد یک استاد جرم‌شناسی دانشگاه در این باره چنین می‌گوید: «افزایش شمار نوجوانان خودفروش که از شوروی سابق به سوئد آورده شده‌اند یکی از دلایلی است که باید از این اقدام دولت دفاع شود. در حقیقت این اقدام دولت به موقع بلکه بسیار دیر انجام گرفت.»

از طرفی به زنان قربانی این اجازه داده شد که علیه دلالاتی که آنان را به کشور آورده‌اند شکایت کنند. هرچند که در این محکمه جلال و قربانی یکی است و به علت ضعف اطلاع‌رسانی در بیش‌تر کشورهای اروپایی نمی‌توان آمار دقیقی از تعداد این زنان داشت. در سال ۹۸ سازمان ملل تعداد این زنان را چهار میلیون برآورد کرده بود. این تجارت‌ها نیز چون انواع دیگر تجارت تابع قانون عرضه و تقاضاست. یکی از مسئولان در انگلستان اظهار می‌دارد که نه تنها در شهرهای مهم بلکه در همه‌جا می‌توان نشانی از این زنان داشت. زیرا از دید دلانان این تجارت بسیار باصرفه است. سود آن حداقل سالانه چهار تا پنج بیلیون دلار است که زنان در این بازی سودآور نقش اصلی یا بهتر بگوییم بازنده‌ی اصلی هستند.

قاچاق کالا‌ی ارزانی چون زنان فقیر و جنگ‌زده از کشورهای اروپای شرقی به اقصی نقاط جهان حتا از قاچاق مواد مخدر کم‌خطرتر و متحمل خسارات کم‌تری است. به همین علت است که قاچاق زن هر روز ابواب گسترده‌تری را به خود می‌گردد. □

مهمانی



از مهمانی برگشتند. زن چراغ اتاق خواب را روشن کرد. خودش را انداخت روی تخت. کفش هایش را درآورد. همان طور که انگشت های پاش را می مالید، توی آینه شوهرش را تماشا می کرد. مرد، لباس هایش را می زد به چوب لباسی و آویزان می کرد تو کمد.

گردنش را کج کرد. دستش را گرفت به گوشش، یکی از آن گوشواره های سنگین را درآورد. انداخت کف دستش. گفت: «چه مهمونی کسل کننده ای بود.»

سکوت
- بهترین قسمتش آخرش بود. وقتی فیلم مهمونی رو نگاه می کردیم. همون وقتی که تو خواب بودی.
- من خواب نبودم. سرم درد می کرد.
- باید قیافه مهمون هارو می دیدی، نمی دونی چه جوری دختره رو نگاه می کردن. خیلی دیدنی بودن.
سکوت

زن سنجاق های سرش را درمی آورد و می انداخت روی میز توالت. سرش را برد جلوی آینه. دست کشید زیر چشم هاش. یک جفت کیسه ی قهوه ای پف آلود، زیر آن چشم های ریز سبز داشت. بلند گفت: «کاش از شر این ها خلاص می شدم.»

سکوت اتاق با صدای بلندی، مثل صدای بیوق ماشین های قدیمی، آره، شبیه صدای بنزهای سی چهل سال پیش بود، شکست. زن از توی آینه به بالای سرش نگاه کرد. مرد همان طور که دکمه های کت پیژامه ای خوابش را می بست، راه افتاد سمت دستشویی. زیر لب گفت: «غذاشون خیلی بد بود، اذیتم کرد.»

زن دکمه های کتش را باز کرد. بلند گفت: «می گم لباسش اون قدرها هم بد نبود؟ بود؟»
در دستشویی محکم بسته شد. زن راه افتاد طرف دستشویی بلندتر ادامه داد: «فیلم برو که می دیدم با خودم می گفتم، اگه به روز منم مثل اون لباس بیوشم و با تو پیام مهمونی چی می شه؟ لایذ اگه نشناسمون می کن تو هم منو بلند کردی، مگه نه؟»
در دستشویی باز شد. مرد مسواکش را گرفت طرف

زن گفت: «مث این که زده به سرت.»

- هیچم به سرم نزده. اگه راجع به من این حرف ها رو می زدن تو چی کار می کردی؟

- نمی خوام مسواک بزنی؟

- نمی دونی چقدر دلم می خواد بدونم دختره الان کجاست؟ داره چی کار می کنه؟ حیوونی حتما خیلی ناراحت شده.

مرد چراغ دستشویی را خاموش کرد. رفت روی تخت خواب.

- خواستی بخوابی چراغ رو خاموش کن.

- من الان خوابم نمی آد.

- شب بخیر.

زن سردش شد. رویدوشامبر پنبه دوزی اش را پوشید. رفت توی سالن. پرده قهوه ای را زد کنار. عکس سالن افتاده بود تو شیشه خاکستری پنجره. بیرون تاریک بود. تنها چراغ برق توی کوچولامپ نداشت. جز سفیدی کف کوچ که پر برف بود، چیز دیگری معلوم نبود. توی شیشه، میل ها، میز و خودش توی هوا بودند. برف کف کوچه مثل فرش افتاده بود زیر میز چوبی. زن دلش می خواست روی آن میل، توی آن فضای که هم بود و هم نبود، نشست، پاهاش را می کرد لای برف ها

و جای دافی که بخار از روش بلند می شد می خورد. پاهاش را توی دمپایی کرکی روفرشی اش تکان داد. لای انگشت های پاش خیس برف را حس می کرد.

یک کتاب برداشت. چراغ بالای سرش را روشن کرد. دراز کشید روی کاناپه سفید. خیره شد به دیوار روبروش. سفیدی دیوار چشم هاش را زد. آن ها را بست. صورت دخترک مثل نگاتیو عکس نشده جلوی چشم هاش ظاهر شد. صورت کم کم رنگ گرفت. موهای سیاهش را می دید که چه طور هر بار که می خندید و سرش می آمد پایین، نزدیک زانو هاش، می ریخت روی صورتش و باز با یک حرکت سریع سر به عقب، آن ها را برمی گرداند سر جاش. انگشت های باریک و بلندش آن ها را از دو طرف می زد پشت گوش های بدون گوشواره اش.

زن چشم هاش را باز کرد. نشست روی کاناپه. چشمش افتاد به تلفن. نگاه کرد به ساعتش. سه و نیم بود. تنها کسی را که می دانست الان بیدار است شادی بود. شماره گرفت.

صدای ضبط شده ی شادی را که شنید پیام گذاشت. چند لحظه بی حس و حرکت نشست دم تلفن. نمی توانست تا فردا صبر کند. دوباره شماره اش را

ما از یک دریچه می بینیم
اما او چه زیبا می بیند
جانی که در جامش می رقصد.

○
حباب‌ها اگر در جمجمه‌ات
پيله بندند

تو کاشف پرواز خواهی بود.

○
در حلقه‌اش غرق شد
چشمی که به گرداب دوخته شد.

○
چشم‌ها وقتی خاک شوند
دیگر از دست‌ها چه کاری ساخته است.

○
در امواج تو به تلاطم رسیدم
دستم را بگیر

که شناگر قابلی نیستم.

○
فریادت را در گوش‌هایم پنهان کن
مباد که خوابی بپاشی.

○
چشم‌هایم خاک شدند

اما

ستاره‌ها دور سرم می‌چرخند
ایستاده‌ام شاید

بالی در آستینم بکارند.

○
برای نجات ستاره‌ای که به آب زد
به آب نزن

غرق در آب و ستاره می‌شوی.

○
بن بست‌های روشن

هیچ‌گاه

به انتهای تاریکی نمی‌رسند.

ارتفاع

قفل ارتفاع برای تو باز است. امروز به تمام دربان‌ها سپردم همه‌ی آن‌ها نشانی تو را می‌دانند و هرآن‌چه که باید. آن‌ها زیر پای تو را روشن می‌کنند. پله به پله با تو بالا می‌آیند، مبادا که پایت بلغزد. می‌دانی که من همیشه عاشقت بوده‌ام. سفارش کردم تمام آسانسورها تعمیر شود، تا هیچ مشکلی برای بالا رفتن نداشته باشی. آن‌ها تو را به بالاترین نقطه‌ی ساختمان هدایت می‌کنند. هیچ‌کس حق ندارد این آزادی را از تو بگیرد. پیشنهاد می‌کنم قبل از هر چیز برای خودت فاتحه بخوانی. می‌خواهم هیچ دینی به خودت نداشته باشی. همه چیز برای صعود تو آماده است. گفته‌ام تمام پله‌ها را برق انداختند و آسانسورها را با آینه‌هایش، تا به هر طرف که می‌چرخد خودت را پاکیزه بیایی.

راستی می‌توانی تمام دکمه‌ها را امتحان کنی. مطمئنم که همه‌ی آن‌ها به وظایف خود کاملاً واقفند. بقیه‌ی تصمیم با خودت است، صلاح در این است که زودتر کار را تمام کنی.

یادت باشد یک وقت به خودت دلداری ندهی با اینکه این‌که زندگی شیرین است، با مشکلات باید جنگیدی و این تنها راه خلاص شدن نیست و از این جور حرف‌ها، بهتر است با هیچ مشاوره‌ی تماس نگیری. در مورد تصمیمت جدی باش.

جدی جدی. چرا که ما هر دو می‌دانیم که همه‌ی آن‌ها یک حرف را تکرار می‌کنند و تصمیم تو را نشان از ضعف و زبونی تو قلمداد خواهند کرد و تو را از کاری که تصمیم به انجام آن گرفته‌ای باز می‌دارند. آن وقت تو پشیمان به خانه برمی‌گردی روی پاهای خودت. بی‌آن‌که صدای آژیر آمبولانس هوای شهر را بشکافد یا کسی تکه‌های تو را از این طرف و آن طرف جمع کند.

نرگس در را می‌فشاری و به من که منتظر یک صدای امرانه تا خبر سقوط زنی را از ساختمانی مرتفع بشنوم، می‌گویی آمده‌ای زندگی کنی و من لباس‌هایت را از دم در کنار سطل زباله به کشویت برمی‌گردانم و فکر می‌کنم این تنها ارتفاعی بود که می‌توانستی از آن سقوط کنی.

گرفت. بعد از سه تا زنگ صدای شادی پخش شد. لطفاً بعد از شنیدن صدای بوق پیام خود را بگذارید متشکرم. بی... پ

- شادی سلام. منم. مریم. حیف شد که خونه نیستی. خیلی دلم می‌خواست الان باهات حرف می‌زدم. عیبی نداره حالا من حرف می‌زنم تو فردا گوش کن. امشب رفته بودیم مهمونی خونه آقای زاهدی اینا...
- بوق

دوباره شماره گرفت و بعد از بوق ممتد ادامه داد:
- داشتم می‌گفتم، علی دوست فرهاد رو که می‌شناسی. با یه دخترت اومده بود مت ماه، خیلی خوشگل بود. راستش یه کم عجیب غریب لباس پوشیده بود. یعنی اون‌جا که همه، دیدی که مهمونی هاشونو...
- بوق

- آره داشتم می‌گفتم، همه خیلی رسمی لباس پوشیده بودن. یا یه بلور سفید که زیر سینه‌اش گره زده بود. خیلی خونگرم...
- بوق

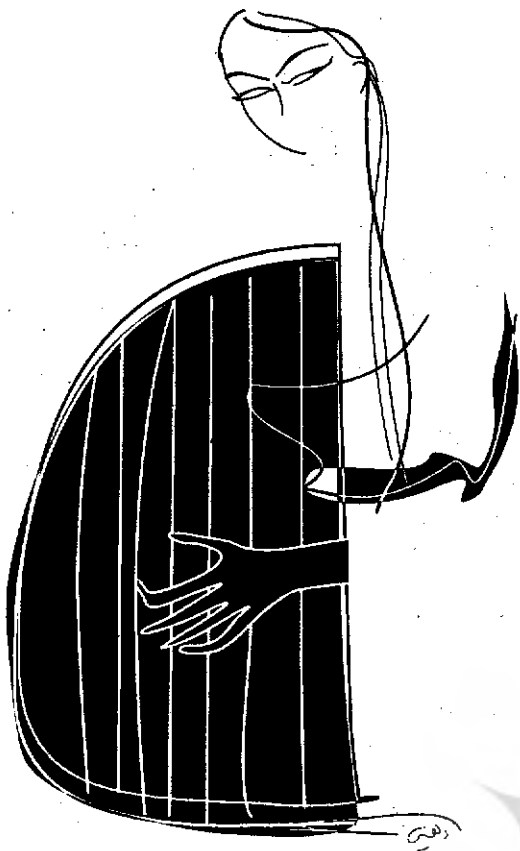
- آه، اعصابم خورد شد. چی می‌گفتم. زن‌ها اصلاً تحویلش نگرفتن. اون بیچاره هم فقط می‌سست پیش مردها و باهاشون می‌گفت و می‌خندید. چند نفر پا شدن از مهمونی رفتن، البته مردها هم شورش رو درآورده...
- بوق

- اصلاً ولش کن. ولی نمی‌دونی چه حرف‌هایی پشت سرش زدن. آخه خانم زاهدی رفت علی رو کشید کنار و گفت آگه علی دست دختره رو نکیره بیره خودش می‌اندازتش بیرون. دختره فکر کنم همه رو فهمید...
- بوق

زن گوش‌های محکم کوبید روی تلفن. رفت افتاد روی کاناپه و چشم‌هایش رو بست. با خودش گفت، دستگاه پیام‌گیر هم چیز مزخرفی است. به فکر بقیه داستان بود که نتوانسته بود تعریف کند. همان‌طور که با خودش حرف می‌زد خوابش برد.

با تکان‌های محکمی از خواب بیدار شد. شوهرش ایستاده بود بالای سرش. تکانش می‌داد و می‌گفت:
- بلند شو سر جات بخواب.

- داش تم خواب می‌دی دم. چرا بی‌دارم کردی؟ چه خواب خوبی بود.



نام ما
شويد از كتابِ يادِ روزگار و
چشم روز را
با نگار و نقشِ نام هاي تازه آشنا كند،
پيش از آن كه خاك
دزدد از لبانِ ما
واژه واژه گفتگوي عاشقانه را،
بي امان و بي بهانه، جاودانه
جاي در دهانِ ما كند،
پيش از آن كه آتش
از ميان بيشه زارهاي درد
سر كشد به قهر
سوزد از بين آشيانِ جان درستي جهان
وز خرابه هاي آرزويِ ما

هوشنگ رهنما
يك كوزه شراب تا به هم نوش كنيم
زان پيش كه كوزه ها كنند از گلي ما
خيام
پيش از آن كه مرگ
در سكوتِ زخم ديده غروب
در چهار سوي كوچه هاي سرد
ناگهان من و تو را ز هم جدا كند،
پيش از آن كه باد
دزه ذره ي تن من و تو را غباروار
در گذاره زمان و گاهواره زمين
رها كند،
پيش از آن كه آب

تا دهليزهاي خلسه مي رويم و
واژه هاي سرد را
در حس هاي گرم مي پيچيم.
كفش هاي ما را به دور انداختم
مي خواهم پا برهنه فرياد كنم.
لبخند را بر گونه ام آويختم و
درد آويزه گوشم شد.
موجي پاهاي ما را شست
تا عطش رفتنم را فرو نشاند.
اين مناره ها به تاريخ مي سپارند مرا
و اين گنبدها.
تنهاي لحظات نايب است
كه بي كسي به ارث مي گذارد.
بر بستري از آتش و خاكستر برگزيدند مرا
تا خودم را به گوش جهان بياويزم.
با تاريخ و روشني هوا هدايت مي شويم.
ايجاز از اين كنايه ها گذشت.
در كجاي زمان بايستم
هر چيز معنای خود را پيدا مي كند
و وقايع از تكرر خود مي ترسند.
رازي خود را به نجوا مي خواند
فهميدم هيچ چيز سكوت بردار نيست.
دو تکه ای که عقدشان در دهانم بسته شد
گريختند و بر استقلال خود پای کوبيدند.
قانون هر شاعر را
شاعر ديگر مي شكست
تا خبر قاضی القضاة اش را در شهر جار نزنند
اين عرف جماعت خارج از عرف بود.



شماره‌ی اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

سن:

تحصیلات:

شغل:

کد پستی: یا صندوق پستی:

تلفن:

به پیوست فیش بانکی به شماره‌ی

مبلغ ریال بابت

بهای اشتراک یک ساله‌ی مجله‌ی حقوق زنان

(برای ۱۲ شماره) فرستاده می‌شود. خواهشمند

است مجله را برای مدت یک سال از

شماره‌ی به نشانی بالا بفرستید.

● برگ اشتراک را کامل و خوانا پر کرده و

کد پستی را حتماً یادداشت کنید.

● بهای اشتراک را به حساب جاری شماره‌ی

۱۳۹۲۰ بانک ملی ایران شعبه‌ی امیرآباد کد

۱۲۸ به نام مجله‌ی حقوق زنان (قابل پرداخت

در کلیه شعب بانک ملی ایران) واریز کرده و

اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل

شده‌ی اشتراک به آدرس: تهران - خیابان کارگر

شمالی - خیابان فرصت شیرازی - پلاک ۱۴

طبقه دوم غربی (واحد ۶) کد پستی ۱۴۱۸۹

مجله‌ی حقوق زنان یا صندوق پستی

۱۳۱۴۵/۳۶۳ بفرستید.

● لطفاً کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت

نخستین شماره‌ی اشتراک نزد خود نگاه دارید.

● بهای اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) با

پست عادی مبلغ ۳۸۰۰ تومان برای تهران و

برای شهرستان ۳۹۰۰ تومان است. بهای

اشتراک برای شش ماه (۶ شماره) نصف مبلغ

بالا خواهد بود.

● در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً

دفتر مجله را آگاه کنید.

نرگس الیکایی

من و مهتاب

بردامن شب خفته بودم

دری به سوی مرگ وا کند،

مهتاب همه چیز را تسخیر کرد و

هر نفس که با منی تو، با تو من

غنیمت است.

مرا به حجله گاهش خواند و

هر نگاه، هر اشاره، هر سخن

غنیمت است.

من با هزاران عشق پرگشودم

هر دم از امید عاشقانه زیستن

غنیمت است.

آن شب هزاران ستاره
را بر من آویخته بود مهتاب

و من ستاره‌ای شدم از هزاران ستاره

تا حضور ما امیدوار روز دیگری ست،

در پس هنوزهای رفته

راز عشقمان را جویناران -

سایه هنوز دیگری ست،

در گوش بنفشه و پیچک‌ها خواند و

ای نسیم رهگذر

من عروس رسوای مهتاب شدم

حریم این چمن سپاس دار!

لحظه لحظه عشق را به جان و تن

خوشا کسی مرا نیافت

سپاس دار!

پاس دار!

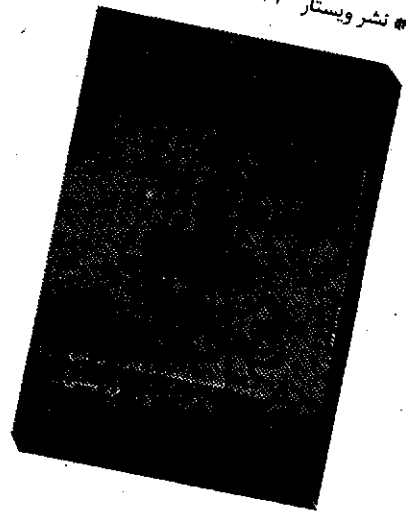
چرا که من ستاره‌ای شدم از هزاران ستاره.

پیش از آن که مرگ

* این مرده سبب نیست یا خیار است یا گلایی
* رزا جمالی
* نشر ویستار ۱۳۷۷-۴۷ ص

نوستالژی از دست رفتن هویت اشیا

● تحلیل دگرگونه‌ی شاعر نسبت به هستی و جهان اطراف، آغازی‌ترین ارتباط را بین خواننده و شاعر به نفع شاعر برقرار کرده است و عنصر تخیل را به عنوان وجه غالب بارز می‌کند.



فربیا صدیقیم

درونی کردن انتزاع و به وجود آمدن بافت یکی از مشخصه‌های این مجموعه وجود عناصر تجریدی و انتزاعی است که گرچه این عناصر در بسیاری از شعرها توانسته‌اند به نفع ساختن بافتی درونی، جدید و هستی‌شناسانه هویت پیدا کنند اما در شعرهایی نیز از این خصوصیت مبرا بوده و گویا تحمیلی بر شعر بیش نیستند.

در شعرهایی مثل مثلثی که هشت گوشه داشت، والس پنجره‌ای شکسته و گزارش فواره‌های بسته این انتزاع در سطح رویی شعر باقی می‌ماند و با ذاتی نشدن در شعر، گویی که شاعر را درونی خواننده نمی‌کند. نگاه کنید به سطرهایی مانند:

از آسمان دو منشور چرخید که درست روبروی
هشت ضلعی‌ها قهوه‌ای شده‌اند (ص ۱۵)

دریا دریا
گزارش گربه‌های وحشی
و غرقاب‌های خلاصه (ص ۲۳)
اما گاه انتزاع به نفع بافت درونی شعر، از تجرید خود عقب‌نشینی کرده در شعر ذاتی می‌شود:

ای مکرر مرکب معتدا
بر تنم وول وول مور مور تو اتفاق می‌افتد
تکه‌ای از نان تو برش آخر من
وقتی می‌افتی از شکلت
عقب می‌افتی از عقربه‌هایت

ناخن می‌زنم به رنگت بسه خاطر
یکبار (ص ۴۰)

که در این ترکیب گویی کلمات روند به هم آمیختن آن قدر جذب و دفع شده‌اند تا در نهایت بتوانند به قامت هم‌بافته شوند به نفع درونی شدن، یک‌دست شدن و ایجاد موسیقی شعر. در این مورد انتزاع عقب‌نشینی کرده است اما در مورد اول انتزاع تنها برای وجود انتزاع و صرفاً در جهت ایجاد یک فانتزی که راه به جایی نمی‌برد باقی و عقیم می‌ماند.

وجود ناموفق این انتزاع را گاه می‌توان در اجرای ناقص کاربرد شکل‌های هندسی و یا اعداد که شاعر را بقیه در صفحه‌ی ۳۷

را شاعرانه تصور کنیم اما با ورودشان به شعر می‌بینیم که در بسیاری از شعرها خود را به شعر تحمیل، قانونمندی‌شان را تثبیت و در حقیقت خود گوشه‌ای از ژانر جدید شعر را آفریده‌اند، کلماتی که توانسته‌اند از کلمات معمول و برگزیده‌ی شعری تقدس‌زدایی کنند و در انتخاب همنشین خود بی‌رعایت سنت‌ها و روندهای معمول مختار باشند و آزاد.

چگونگی اجرای کلمات

در هر صورت کلمات پرتاب شده در فضای لایتناهی باید به نوع و شیوه‌ی خود روی کلفذ آرام گیرند و بافتی بسازند یا توجه به تمام عناصر شعر امروز و درخور خواننده امروز. به عبارات دیگر شاعر می‌کوشد که بسیاری از این کلمات را که اگر به صورت مجرد به آن‌ها نگاه کنی به شکل کودکان بی‌قواره‌ای در گوشه‌ای تنها نشسته‌اند به نوعی در همسایگی هم بگذارد و به نوعی آن‌ها را ترکیب کند که ما معجزه‌ی درهم‌آمیزی رقص کلمات با تصاویری بدیع و اجرای جدیدی از زبان را شاهد باشیم و لذت ببریم. حال شاعر تا چه حد توانسته به این مهم دست یابد و در حقیقت هستی جدیدی را برای ما بیافریند جای بحث دارد. طبعاً در شعری مثل:

به پنجره بگو از جوهر سیب فانوس روی شبیره
خواب ببیند اگر (ص ۱۲)
و شعری مانند:
صرفاً از تو انتهای تو
بند می‌شوم به پیش‌تر از تویی
بر مماس تو نصف می‌شوم
به کم‌تر از تویی (ص ۳۹)

تفاوت هست، چرا که شاعر گرچه در شعر اول معیارهای زبانی را به هم ریخته اما در نهایت به نفع ایجاد و ابداع هیچ ترکیبی حرکت نکرده است و ابهام و نوع سربازگیری کلمات نه به نفع مصادره‌های زبانی که تنها به نفع ابهام باقی می‌ماند در حالی که در شعر دوم گرچه شاعر از کلمات کم‌تر و حتماً ساده‌تری استفاده کرده است اما وجود کلمات به نفع موسیقی درونی شعر و ایجاد ترکیبی حسی پیش‌رفته است به طوری که می‌توان پرسید کلماتی مانند مماس چه گونه می‌تواند در ایجاد نوعی از عواطف انسانی شریک شود جز در شعر؟

از آن جاکه بر این باوریم که بررسی و نقد آثار نویسندگان و شاعران زن، انگیزه‌های والایش آثار هنری زنان را موجب می‌شود، همواره از نقد و انتقاد در این عرصه و دیگر عرصه‌ها استقبال کرده‌ایم. نوشته‌ی زیر نقدی است باز و تحلیلی بر مجموعه شعر «این سبب نیست یا خیار است یا گلایی» سروده‌ی رزا جمالی که به بررسی و واکاوی ساختار درونی و جهان‌بینی زنانه‌ی شاعر پرداخته است. در همین جا از منتقدان آثار ادبی برای نقد و بررسی آثار زنان شاعر و نویسنده دعوت به همکاری می‌شود.

عناصر مسلط بر شعرها
اولین نکته‌ای که در برخورد با کتاب، ذهن را تحت تأثیر قرار می‌دهد تخیل دگرگونه شاعر نسبت به هستی و جهان اطراف ماست که آغازی‌ترین ارتباط را بین خواننده و شاعر به نفع شاعر برقرار کرده و عنصر تخیل را به عنوان وجه غالب بارز می‌کند.

شاعر با تمهیدات خاص خود اعم از وارد کردن حجم وسیعی از کلمات و اشیا نامانوس و زاویه دیدی جدید و دگرگونه نسبت به اشیا و کلمات در صدد است که حیطه‌های ناشناخته‌ای از جهان اطراف را به ما نزدیک‌تر کرده و ما را در شوک حضور این همه کلمه غافلگیر کند تا در این دنیای متفاوت و متنوع بسیاری از کلمات، رفیق و ناریقی، همزیستی جدیدی را آغاز کنند و ترکیبی بیافرینند گاه به نفع ساختن تصویری بدیع، گاه به نفع اجرای زبان و گاه...

در این روند به کلماتی برمی‌خوریم که با بسیاری از آن‌ها لااقل در دنیای شعر غریبه بوده‌ایم و حتماً نمی‌توانسته‌ایم قبل از واقع شدن آن‌ها در شعر، آن‌ها

هفت شاخه‌ی سرخ



هفت شاخه‌ی سرخ عنوان مجموعه داستانی است که به تازگی انتشارات پیک بهار از خانم میهن بهرامی منتشر کرده است. برای معرفی و دادن خبر انتشار آن به خوانندگان مجله، چه بهتر از مقدمه‌ی نویسنده بر آغاز کتاب، می‌تواند معرف حال و هوای کلی داستان و فضای فکری نویسنده باشد؟

درخت در انتظار بهار و اقا‌یای معطر در کوچه‌هایی به نام، درختی، کوچه باغ، آبشار، عروسی و زینده. خانه‌ها در حصار وحشی از امنیت با خود بودن و با دیگران آشنا بودن، در اتاق‌های سفید روشن و خوابیدن زیر بازتاب نور از شیشه‌های رنگارنگ، بته‌جقه‌های فرمز، چتری سبز، پرتاووسی لاجوردی و بادبیزی زرد و نارنجی.

همسایه‌ها به فامیل می‌مانستند و شهر به مادری که کودکان در دامان نشانده باشد. زمان در پروازی به ابدیت و احساس ایمنی با او بود و اضطراب کلان شهری بی‌قواره و بی‌ترحم و بی‌حصار و بی‌بسیاری خوش‌آیندی‌ها. حرکت ما بر لبه‌ی تیزی است، این سو و آن‌سوی، گذشته و حال، و آینده، مهی است پرراز، برگرفته گذشته و حال را.

در این دنیای بی‌درد و پیکر، حکایت سرنوشت‌ها، نمونه‌واری است از بی‌شمار و ترسیم آن روزگاران رفته، طرحی به اختصار در خوش‌خیالی‌ها و تجربه‌های محدود و بسیار خودمانی.

اینک فراز آن قله‌های رنگارنگ مقوایی، اهرم و استوانه‌های خاردار فولادی از حقایق جاری و عینی، سر برکشیده و شارح دربه‌دردی مردانی است که ایده‌آل‌های موزون گذشته را از دست داده‌اند، خود را به مفهوم نادرست تمدن، در بدوینی مکانیکی، سپرده‌اند و زنانی که از بی‌پناهی به «یدالله» رو آورده‌اند.

در داستان «پایان و یک شهر».

«یدالله» نمود مردی است که فقط سلطه‌ی فنی مردان آینده را کم دارد، چون نسلی که پس از او می‌آید، بیش از آن‌که از پدر و مادری زنده به وجود آمده باشد، زاده‌ی محاسبات کامپیوتری است.

«یدالله» آینده، با عاطفه‌ای برنامه‌ریزی شده، گذشته‌ی نیاکان خود را به ارث می‌برد و هم مانند آن‌ها، بهای پناه دادن به زنان بی‌پناه را، با باجی که از آن‌ها می‌گیرد، سر به سر می‌کند.

«یدالله» آینده، فرزند و گل چشمانش را در ازای تملک ماشین، می‌دهد و برای عمل خود توجیهی خصوصی و منطقی استثنایی دارد.

«یدالله» آینده‌ی بازیگری است که نقطه‌ی اوج زیبایی وجودش، «کلاه‌گیس» است و نقطه‌ی اوج ایفای نقش‌اش، خودفروشی.

«پایان و یک شهر» در محدودیت یک داستان، پرهیزی از گذشته، که در از تباطی ریشه‌ای با ماست - و طرحی از آینده به دست می‌دهد. بی‌هیچ امید دروغینی که من، سنگینی داشتن بیهوده‌اش را طی سالیان، چون جسد کودک مرده‌ای در بطن داشته‌ام، بر این قصد است که آگاهی خواننده را تجهیز کند، به بینشی که ابزار یک تحمل چاره‌جویانه است.

طی سال‌ها، سال‌هایی که بسیار سنگین گذشته، همیشه یک پرسش، با من بوده است: کدام رویداد، شکل نهایی سرنوشت ما را مشخص می‌کند؟

پرسش این است: آن‌چه با خود مسئله جبر و اختیار را پیش می‌آورد. پیدایش، تولد، پیوند با دیگری و ... بدیهی است که لحظات بزرگ، در شکل سرنوشت آدمی، وضعی قطعی دارند. اما، لحظه‌هایی هم هستند که بی‌اهمیت و اقدامی مهم، در شرایطی خاص، به سرنوشت، شکل نهایی می‌بخشند. سفری در یک شهر «هفت شاخه‌ی سرخ».

شاخه‌هایی از بید که پیش از هر رستنی در خواب زمستانی، به فکر بهارند و نشانه به سوی زنانی که در عقیم بودن نیز، حالتی از مادری دارند. حامل بهاری همیشگی در خویش بودن. آنان سفری یک روزه در تهران آغاز می‌کنند، و مقدمه‌ی داستان شرح توانایی است که زنان، برای این اقدام گستاخانه، می‌پردازند. پس از این سفر یک روزه است که سرنوشت بقیه‌ی زندگی آن‌ها تعیین می‌شود و این عمل‌کرد اعتقاداتی است که در گذشته‌های طولانی شکل گرفته، دآوری و قصاص می‌کند.

«هفت شاخه‌ی سرخ» به روش قصه‌گویی ایرانی

نوشته شده، قصه در قصه و نقطه‌ی عطف‌اش، بنیانی است در تاریخ که از عهد قاجار دورتر می‌رود. در این قصه زنان، هر یک، منتظر و فرمان‌بردار سرنوشتی هستند بیرون از خویش، بیرون از حد توانایی و خواست خویش.

هم آن‌کس که برمی‌گزیند، مثل «کوکب» و «تنس‌گل» و هم آن‌کس که برگزیده می‌شود، به ناخواست مثل «منیر».

و مثال یادآور این شعر بزرگ از شاعری بزرگ در عصر ما.

سرنوشت تو را بتی رقم زد، که دیگرانش می‌پرستیدند.

بتی که دیگرانش می‌پرستند.

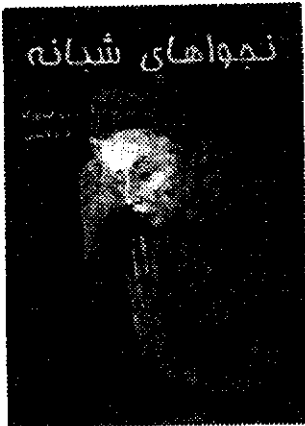
آن‌چه که بر نهاد جبر و جدال در «هفت شاخه‌ی سرخ» برمی‌آید و از «پایان و یک شهر» و «حاج بارک‌الله» و همه‌ی قصه‌های شوربختی زنان، نگاهی دوباره را به سرنوشت بی‌تلف مرد، مراد می‌کند، در اصطلاحی فحوا‌یی: پدرسالاری.

مقدر ملمونی فروپوشانده شده در گول‌زنک‌های بازی‌وار. اریکه‌ای مقوایی از قدرتی متوهم.

و آن‌چه شایسته‌ی یادآوری است، روی‌گردانی و عدم‌اعتقاد به بازی بیهوده‌ی دیگری است به نام «فمینیسم» در کل عالم.

«حاج بارک‌الله» قصه‌ای است برگرفته از واقعیتی در گذشته‌ی نزدیک که مانند بقیه‌ی داستان‌های مجموعه، تجسم زیبایی‌شناختی و ترسیم اشکال زندگی مردم تهران قدیم، ریشه‌داری عادت و تعصب و فردمحوری - که همچنان پابرجاست - در آن، بر ارائه‌ی جذابیت موضوع و فن، رجحان داشته است. مادر بزرگی فاخر، که فتنه و غارت مشروطه را به چشم دیده و مادری که قصه‌گوی اصلی حاج بارک‌الله بود، مثل همه‌ی زنان بی‌نصیب از مهرورزی سالم، به هنرپیشگان خوش‌سیمای عهد خویش دل بسته بودند، مادر بزرگ از مشروطه چنان می‌گفت که هیچ مورخی چون او نمی‌توانست خزش استعمار را در شاخ و بین اعمال مردم، چون او ترسیم کند و مادر از زیبایی پر جلال «حاج بارک‌الله» آن‌طور می‌گفت که وقتی تصویر او را در تاریخ نمایش نوشته‌ی بیضایی، می‌دیدید، باورتان نمی‌شد که او جسم واقعی یک تخیل زنانه‌ساخت است. قصه‌گویان اتاق‌های ارسنی و شب‌های بی‌انتهای خیال، دنیای بسته و عمیق و بی‌انتهای گذشته را با اعتقاداتی پیچیده از ترس و پروا، به امروز و آینده کشاندند و اشکال زندگی در این شهر نفرین شده را

● نجوهای شبانه



ناتالیا گینزبورگ، ترجمه‌ی فریده‌ی لاشایی، نشر دیگر، ۸۵۰ تومان
آثار گینزبورگ مملو از انسان‌هایی است که یا سفر می‌کنند و یا رویای سفر را می‌بینند. داستان‌های متعدد وی نه تنها در موضوع بلکه در رابطه با موقعیت‌ها و شخصیت‌ها نیز به طرز حیرت‌آوری شبیه یکدیگر است.

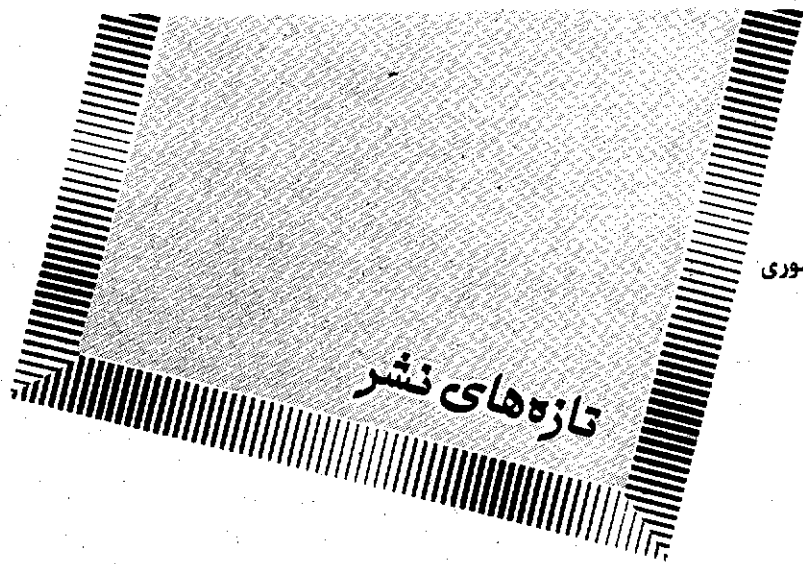
نجوهای شبانه از زبان یک زن جوان خجالتی و تقریباً تنها روایت می‌شوند، راوی وقایع تهی اطراف خود را با همان صراحت ظالمانه‌ای ثبت می‌کند که شکست عشقی‌اش را. در حالی که عشق برای آن حس ظریف و شکننده‌ای که آدم‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد و عمیق‌ترین تجسم خود را در توضیح مختصر و مفید باز می‌یابد، بیش از حد سنگین است.

● نمی‌دانستم حق انتخاب دارم (بهداشت روان)

جرالد کوری و ماریان اشنایدر کوری، ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی، نشر پیک‌بهار، ۱۹۰۰ تومان

نویسندگان این کتاب خواننده را تشویق می‌کنند تا با واری‌های گزیننده‌ی قبلی خود، ببینند چگونه این گزینه‌ها روی رضایت‌خاطر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نمی‌دانستم حق انتخاب دارم به گونه‌ای طراحی شده است که خواننده بتواند از آن به‌طور شخصی یا در کلاس درس استفاده کند. هر فصل کتاب با یک خودکاوی شروع می‌شود به طوری که خواننده می‌تواند باورها و نگرش‌های موجود خود را ارزیابی کند. در هر فصل این کتاب بخش‌هایی به تعریف با خویشتن اختصاص یافته تا خواننده‌ی آن وقتی بگذارد و بر موضوع‌های مطرح شده بیندیشد.

خواننده با خواندن این کتاب متوجه می‌شود آیا راهی را که برای رسیدن به اهداف خود انتخاب کرده درست است؟ آیا از هدفش راضی است؟



فروه قاموری

● روان‌شناسی زن



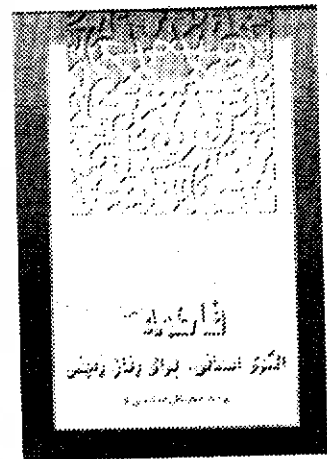
دکتر شکوه نوابی‌نژاد، نشر جامعه‌ی ایرانیان، ۸۰۰ تومان

این کتاب نویدبخش آغاز پژوهش‌های ویژه زنان در جامعه‌ی دانشگاهی ایران، به‌ویژه در مطالعات روان‌شناسی است و حاصل تجربیات و تحقیقات ۳۰ ساله‌ی دکتر نوابی‌نژاد است.

وی یکی از چهره‌های شاخص و پراسابقه‌ی روان‌شناسی مشاوره است که دوره‌ی کارشناسی ارشد را در رشته‌ی راهنمایی و مشاوره از دانشگاه امریکایی بیروت - لبنان و مدرک دکترای خود را در رشته‌ی روان‌شناسی مشاوره از دانشگاه ایالتی نبراسکا امریکا اخذ کرده است و در حال حاضر دارای کرسی استادی است و علاوه بر تدریس در مقاطع مختلف دانشگاهی و فعالیت‌های کلینیکی و پژوهشی، مسئولیت‌های متعددی را داراست.

دکتر نوابی‌نژاد تاکنون قریب به ۲۰ کتاب تألیف یا ترجمه کرده است که از این میان دو اثر وی موفق به کسب جایزه‌ی بهترین کتاب گردیده است. کتاب حاضر اولین کتاب تألیفی در زمینه‌ی روان‌شناسی زن در ایران محسوب می‌شود.

● فاطمه "س" الگوی آسمانی، برای زنان زمینی

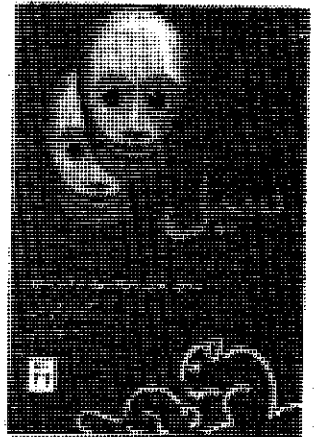


دکتر فرناز ناظرزاده کرمانی، نشر نوادر، ۴۵۰ تومان

نویسنده در پیشگفتار آورده است: موضوع نوشته پاسخی است به یک دغدغه‌ی فکری که برای سال‌ها، به چالشم گرفته بود: آیا فاطمه، الگوی زنان جهان به‌ویژه مسلمانان می‌تواند باشد؟ آنچه از گزارش‌های تاریخی به دست می‌آمد، پاسخگوی این پرسش نبود، بلکه حاصل آنچه به دست می‌آمد این بود که او بانویی بوده نیمه‌بشر - نیمه فرشته، دست‌نیافتنی و محصور در الفاظ ادیبانه و مشحون از صفات کبربابی، سخت‌اندوهگین با فرجامی دلخراش....

به عنوان یک زن مسلمان و عاشق اهل بیت باید برای این پرسش جوابی می‌یافتم. این نوشته همان جواب است.

● سیل (نمایشنامه)



گونتزرگراس، ترجمه‌ی جاهد جهانشاهی، نشر دیگر، ۶۰۰ تومان

سیل برنده‌ی آخرین جایزه‌ی نوبل در قرن بیستم اثر گونتزرگراس نویسنده‌ی لهستانی تبار آلمان است. وی از نادر نویسندگان پرکار و موشکاف این دوران است که در کنار همه فعالیت‌هایش یک منتقد اجتماعی سرسخت است.

گونتزرگراس اولین فعالیت جدی ادبی را بنا نمایشنامه‌نویسی آغاز کرد و در سال ۱۹۵۶ نمایش دو پرده‌ای سیل را به اتمام رساند. یک سال بعد در ۲۱ ژانویه ۱۹۷۵ این اثر در تئاتر نویه بوهندی فرانکفورت به روی صحنه رفت. این نمایش‌نامه تا سال ۱۹۶۲ از مشغولیت‌های فکری نویسنده به‌شمار می‌آمد و تا آن تاریخ بارها اثر خود را حک و اصلاح کرد و تغییرات وسیعی در جابه‌جای آن پدید آورد.

گونتزرگراس بعد از این نمایش‌نامه نه اثر دیگر با نام‌های آشپزهای عوضی، غم‌عمو، ده دقیقه مانده به بوفالو، سما و دو دندان و عوام‌الناس شورش را تمرین می‌کنند از مطرح‌ترین آن‌ها است.

● النوادر

سیدفضل‌الله‌بن علی حسنی راوندی، ترجمه‌ی احمد صادقی اردستانی، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، ۲۵۰ تومان

علمای بزرگ شیعه، سیدفضل‌الله راوندی را استاد عصر خود نامیده‌اند و مقام بلند علمی و کمالات معنوی او که در اعمال و رفتارش نمایان می‌گردیده سبب شده که عالم فقیه اهل سنت عبدالکریم‌بن محمد سمعانی مروزی شافعی که برای تحصیل علم به شرق و غرب جهان مسافرت کرده و بیش از چهارصد هزار دانشمند را ملاقات نموده، وقتی در کاشان به حضور سیدفضل‌الله رسید، او را بالاتر از آنچه شنیده بود، یافته و از او تجلیل زیاد کرده است.

کتاب حاضر شامل احادیث اخلاقی و اجتماعی است که می‌تواند مورد استفاده‌ی عموم مردم قرار گیرد.

● تحول در دریا (دگرگونی سیاسی در

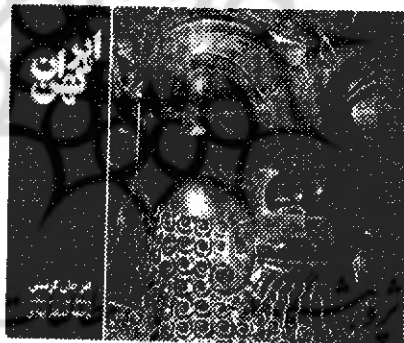
بطن ایالات متحده)

جک بارنز، ترجمه‌ی شهره‌ی ایزدی، نشر طلايه پرسو، ۳۰۰ تومان

تحول در دریا تحولات سیاسی بطن جامعه‌ی آمریکا را بررسی می‌کند. تحولاتی که منجر به شکوفایی برخی از روندهای دراز مدت آن جامعه می‌شود و چهره‌ی سیاسی آن کشور را تغییر می‌دهد. در نتیجه، ساختارهای دیرینه و به ظاهر باثبات موجود در آمریکا از جمله نظام دو حزبی دمکرات و جمهوری خواه، دچار بحران می‌شود. نویسنده به ریشه‌های اقتصادی، تاریخی و اجتماعی بروز این تحولات استناد می‌کند و تصویری نوین و بدیع از جامعه‌ی آمریکا ارائه می‌دهد که صرفاً با مطالعه‌ی گزارش‌های رسانه‌های عمومی نمی‌توان بدان دست یافت.

چهره‌ی در حال تغییر سیاست در ایالات متحده، امپریالیسم ایالات متحده جنگ سرد را باخته است، گام‌های امپریالیسم به سوی فاشیسم و جنگ، شلیک اولین توپ‌های جنگ جهانی (علل تهاجم واشنگتن علیه عراق) از دیگر آثار جک بارنز است.

ایران کهن



جان کرتیس، ترجمه‌ی خشایار بهاری، نشر کارنگ، ۲۰۰۰ تومان

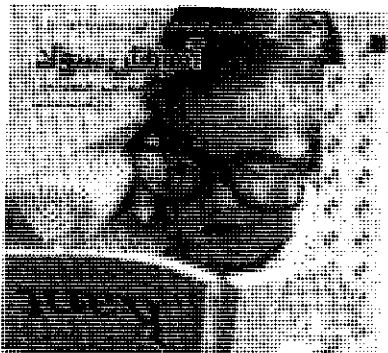
جان کرتیس محقق موزه‌ی بریتانیا. این کتاب را با هدف ارائه‌ی شرحی منسجم بر محور اشیاء مجموعه‌ی ایرانی موزه‌ی بریتانیا که بتواند به عنوان راهنما به کار رود، نوشته است.

در پیشگفتار کتاب آمده است: برای بسیاری از اروپاییان، واژه‌های پارس صرفاً تداعی کننده‌ی آفرینش‌های زیبای هنری از قالی، کاشی‌کاری، سفالینه‌های ظریف، مینیاتور و فلزکاری تا سروده‌های حافظ، سعدی و خیام است که اغلب به صورت ترجمه موجود است. اما این دستاوردهای هنری - ادبی همگی به دوره‌ی اسلامی تعلق دارد، هنر باستانی پارس یا همان ایران، که موضوع این کتاب را تشکیل می‌دهد، به همان اندازه چشم‌گیر، اما بسیار ناشناخته‌تر است.

● شناخت ویژگی‌های کودکان و

برخورد مناسب با آن‌ها (خلاصه، بازی و

رشد، یادگیری ریاضی و علوم، آموزش سواد)



گریوز گارگیلو، اسلادر، ترجمه‌ی مهدی قراچه‌داغی و بهجت نجفی، نشر پیک بهار، ۳۰۰ تومان

این مجموعه تلاشی است برای پاسخ به پرسش‌هایی در زمینه‌ی درک و شناخت میزان خلایق کودکان و راه‌های احتمالی تقویت آن. نویسندگان این مجموعه کوشیده‌اند داده‌های علمی را در مفاهیم ساده بیان کنند و ضمن ارائه‌ی راه‌کارهای عملی، خانواده‌ها را از شیوه‌های غلط برحذر دارند.

ژیلا کامیاب و مانیاکبری در نگارخانهی برگ

با آن‌ها خیلی راحت‌تر می‌توانم کار کنم. منظورم سخت بودن و آسان بودن کار نیست بلکه حس من به آن‌ها نزدیک‌تر است و این طبعاً در کارهایم آمده. اما خاکستری‌هایی که در کارم است اغلب خاکستری‌های رنگینی هست یعنی هر کدام بار یک رنگ خاص را برای خودشان دارند و یک رنگ منفعل به عنوان خاکستری خنثا وجود ندارد.

- در کارهای رنگینتان چه طور؟

- در کارهای رنگینم هم، رنگ‌ها را با خلوص خودشان دوست ندارم. روی بوم می‌گذارم و آن‌قدر با رنگ‌ها بازی می‌کنم تا به مرحله‌ای برسند که عملاً همان خاکستری‌های رنگین شوند.

- با نقاشی‌های نقاشان دیگر چه گونه ارتباط برقرار می‌کنید؟

- در درجه‌ی اول برخورد حساس است یعنی من با حس خودم از کاری خوشم می‌آید یا بالعکس و بعد از آن از نظر فنی، کار را می‌سنجم یعنی کار را بررسی می‌کنم که در چه سطحی است. ولی به هر حال باید به احساس و اعتقاد هر هنرمند احترام گذاشت یعنی به صرف این‌که خودم این‌طور کار می‌کنم و کارهای دیگر این‌طور نیست، نباید عمل کرد.

- خیلی‌ها زبان نقاشی را نمی‌فهمند، چرا؟

- برخی از مردم خیلی از زبان‌ها را نمی‌فهمند این فقط مختص نقاشی نیست، ممکن است اگر به کنسرت موسیقی کلاسیک بروند آن را هم نفهمند. این مسئله مستلزم این هست که کار زیاد دیده باشند و با کار آشنا باشند.

- هنر و وزن را چه گونه می‌بینید؟

- یک خانم انرژی‌های زیادی دارد و به صرف این‌که شافل یا مادر است و... نمی‌تواند بهانه‌ای باشد برای این‌که بگوید من برای کارهای هنری وقت ندارم در صورتی که هر وقت کلمه‌ی زن را می‌شنویم ناخودآگاه به یاد هنر نیز می‌افتیم اما متأسفانه امروزه هنر به صورت لوکس در دست خود هنرمندان است. □

نمایشگاهی از آثار نقاشی ژیل کامیاب در نگارخانه‌ی برگ برپا شد. او متولد ۱۳۳۶ و فوق‌لیسانس در رشته‌ی نقاشی است و اکنون در رشته‌ی گرافیک و طراحی صنعتی در دانشکده‌های هنری تدریس می‌کند. وی آثارش را به دو دسته‌ی رنگین و سیاه، سفید تقسیم کرده و معتقد است که مرزی میان این دو نیست و هر دو دسته یک دنیا را بیان می‌کنند.

- نقاشی را از چه زمانی شروع کردید؟

- من از زمانی که محصل بودم نقاشی را دوست داشتم و کار می‌کردم. اهل هنر بودم و در خانواده‌ی فرهنگی بزرگ شدم. بعد از گرفتن دیپلم، ازدواج کردم و چندی بعد وارد دانشگاه شدم و از آن به بعد پیوسته کار کرده‌ام.
- از چه فضاهایی بر خلق آثارتان بیش‌تر الهام می‌گیرید؟

- این آثار بیش‌تر تأثیر گرفته از فضای داخلی منزل است. من این فضا را خیلی دوست دارم و چون در آن احساس آرامش می‌کنم از اشکال اطرافم کمک می‌گیرم و ذهن خودم را خالی می‌کنم و به آن نظم می‌دهم و روی کاغذ می‌آورم. در سبکی میان‌آستره و فئوگورانتیو کار می‌کنم.

- آیا تنها علاقه به نقاشی باعث خلق این تابلوها شده؟

- خیر، من فکر می‌کنم هر نقاش با کاری که ارائه می‌دهد خودش و حالاتش را نشان می‌دهد. من چنانچه‌هایم کار می‌کنم و به عنوان مثال همین نمایشگاه کار سه‌ماهه‌ای است که در ۳۱ اثر خودش را نشان داده است.

- روی بوم‌ها بیش‌ترین فضا را رنگ خاکستری پر کرده، چرا؟

- خود ابزار (آب مرکب) این کمک را کرد و من خودم با رنگ‌های سرد و آن رنگ‌هایی که از خلوص خودش خارج شده بیش‌تر می‌توانم ارتباط حساسی برقرار کنم و

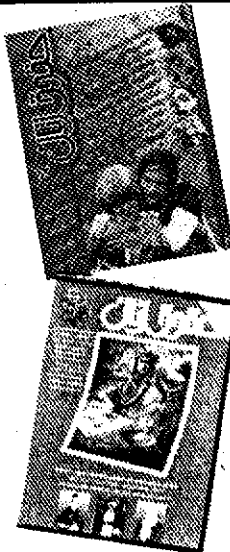


مشاوره رایگان

زندگی برای همه‌ی ما پر از فراز و نشیب است. گاهی که دلمان از غصه‌ها می‌گیرد و سختی‌ها محاصره‌مان می‌کنند... با خود می‌گوییم کاش جایی و کسی بود که حرف‌هایمان را می‌شنید، به پای واگویی‌ها و درد دل‌هایمان می‌نشست و با راهنمایی‌هایش در طی این مسیر پر از فراز و نشیب یاریمان می‌کرد. ما آماده‌ایم توانمان را به کار گیریم تا شنونده‌ای مهربان و صمیمی و راهنمایی امین برای شما باشیم. سؤال‌های خود را درباره‌ی مسائل حقوقی برایمان بفرستید. کارشناسان ما نیز روزهای یکشنبه‌ی هر هفته شنونده‌ی حرف‌ها، مسائل و مشکلات شما هستند.

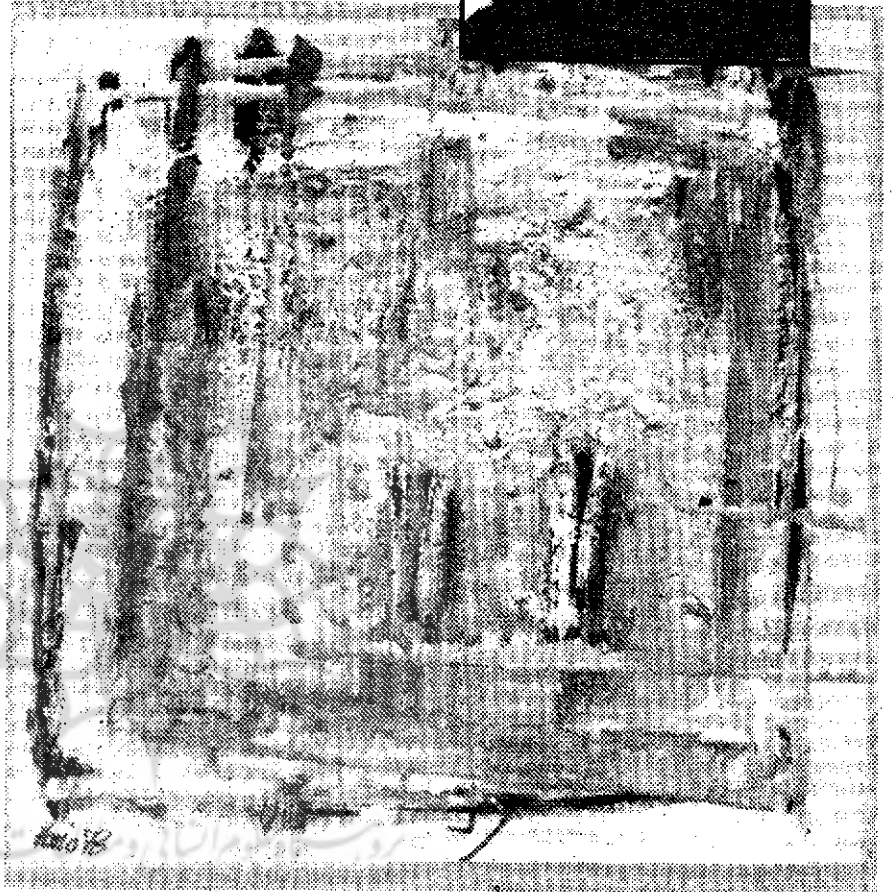
ضمناً مشاوره‌های حقوقی در دفتر مجله‌ی حقوق زنان برای خوانندگان مجله به طور رایگان ارائه می‌شود.

● قبل از مراجعه با تلفن: ۶۲۳۷۹۶۴ شماره: ۶۲۳۲۲۶۰ تماس بگیرید.





در نگارخانه‌ی برگ نمایشگاهی دیگر از آثار نقاشی مانیا اکبری برپاست. او به سال ۱۳۵۳ در تهران متولد شده است و حدود پنج سال است که با استادانی چون بابک اطمینانی، مسعود عربشاهی و یعقوب عمامه‌پیچ کار کرده است.



مجموعه‌ی به نمایش درآمده به عنوان اولین حرکت جدی وی در این زمینه محسوب می‌شود. - در مورد آثار تان توضیح دهید:

- من از نقش‌های گذشته ایرانی استفاده کردم و طراحی‌اش را به صورت مدرن درآوردم. ابتدا برای به‌وجود آوردن این مجموعه، گذشته‌ی ایران را در دوره‌ی ساسانی بررسی کردم، همین‌طور پارچه‌های دوره‌ی ساسانی - نقش برجسته‌های دوره‌ی ساسانی و هنر ایلام و مفرق لرستان و... را کار کردم.

- در ارتباط با این مجموعه صحبت کنید.

- شاید خیلی‌ها این سؤال را بکنند که چه‌طور اولین نمایشگاه این‌قدر کارها به صورت ساده اجرا شده؟! و من فکر می‌کنم که مدرن بودن کار زمان‌مند نیست و فکر می‌کنم بستگی به پیگیری و کار خود شخص دارد و این مرحله بعدی و دوره‌ی مقدماتی هست که هر نقاش طی می‌کند و کاملاً الزامی است، اما بعد از ماجرا برمی‌گردد به آن گرایش‌ها و عشق و علاقه‌ای که خود نقاش دارد و من تأثیر از نقاشی شرق گرفتم و همان‌طور که اشاره کردم نقش‌های دوره‌ی ساسانی را بررسی کردم و این مجموعه را به‌وجود آوردم. تکنیک کارم رنگ‌روغن است، از جمله پودرسنگ، چسب چوب، پودر گچ که تأثیرات گذشته را در آن حس می‌کردم.

- از کجا شروع کردید؟

- از طراحی شروع کردم. طراحی روی طبیعت بی‌جان و بعد آناتومی و بعد روی مبانی رنگ و مبانی هنرهای تجسمی کار. حرکت‌های زیادی انجام دادم و شدیداً احساس می‌کنم که پدر تمام هنرها طراحی است.

- پیامی برای زنان هنرمند دارید؟

- البته، زن ایرانی همیشه خلاق، باهوش و بااستعداد بوده. زن هنرمند تا آن‌جا که امکان دارد باید فرم هنرمند را به خودش بگیرد و بخش محتوا را قوی کند و اولین هنر، هنر زیبا زندگی کردن است و اگر زنان ما این هنر را داشته باشند هنر نقاشی، هنر تئاتر، هنر موسیقی هم در کنار این هنر شکل خواهد گرفت. □

مجله‌ی حقوق زنان آگهی می‌پذیرد

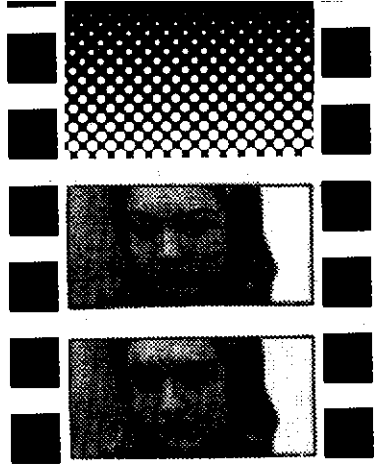
نشریه‌ی حقوق زنان، ماهنامه‌ای است اجتماعی که در راستای اهداف خود به خانگی هر ایرانی می‌رود و با ارتباط برقرار کردن با زنان و اعضای خانواده، پیام‌رسان شما نیز خواهد بود. ماهنامه‌ی حقوق زنان معرف محصولات و انواع تولیدات، فعالیت‌ها و خدمات شما در کیفیت عالی و در تمامی عرصه‌های زندگی فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی است. ما آماده‌ی رساندن پیام و شرح فعالیت‌های شما هستیم.

بخش تبلیغات و ارتباطات
مجله‌ی حقوق زنان

تلفن: ۶۴۳۷۹۶۴

نمابر: ۶۴۳۴۲۶۰





● دختران انتظار، فاقد ظرافت‌های لازم برای سامان‌دهی یک فیلم سینمایی است ولی به خاطر انتخاب موضوع جوانان دانشجو و تلاش برای اشاره به معضلات آنان جسارت قابل‌اعتنایی دارد.

نگاهی به فیلم دختران انتظار

موضوعی بدیع با ساختاری بدون بدعت

دختران انتظار در پایان پس از نماهنگی کابوسی‌گونه و بی‌ارتباط از ساعت و چرخش چهره‌ی روشنگ در آینه با رجعتی از گذشته به زمان حال در تدوینی موازی و بی‌مفهوم از اعلام قیمت دلار و دستگاه نبض‌شمار، مرگ روشنگ را به نمایش می‌گذارد. سعید متأثر می‌شود. به زانو می‌افتد و سخت می‌گرید و تلفن همراه او به صدا درمی‌آید. می‌دانیم که این شماره است که تلفن می‌زند. سعید خشمگین گوشی را بلند کرده و به زمین می‌کوبد. اما مفهوم چنین عملی به درستی دریافت نمی‌شود. آیا سعید، شماره را مسئول مرگ روشنگ می‌داند؟ اما او که سعید را از زندان درآورده و حتی همه‌ی بدهی‌های روشنگ را پرداخت کرده است. آیا سعید می‌خواهد گناه شرایط نامطلوب را به گردن روشنگ بیندازد؟ بیننده در پایان به پاسخ درستی نمی‌رسد.

فیلم از حیث بازیگری نیز کارنامه‌ی درخشانی ندارد. اگر بیان ضعیف و لحن بی‌آهنگ شخصیت شماره و بازی بدشخصیت سام و عمو و زن عمو و زن صاحب‌خانه را هم ندیده بگیریم، نمی‌توان کتمان کرد که بازی بازیگران نقش‌های مکمل نیز روانی کارهای دیگر آنان را ندارد. شاید بتوان گناه بخشی از این ضعف را به گردن فیلمنامه و پرداخت ضعیف شخصیت‌ها انداخت اما باز هم نمی‌توان بازی آنان را به هیچ‌رو با سایر کارهایشان مقایسه کرد.

دختران انتظار به خاطر انتخاب موضوع جوانان دانشجو و تلاش برای اشاره به معضلات آنان جسارت قابل‌اعتنایی دارد که امید می‌رود در آینده با تعمق و ظرافت بیشتر و پرداخت‌های بهتر از تأثیر لازم برخوردار شود و توجه مخاطبان را برانگیزد. □

می‌پذیرد و حاضر می‌شود برای گرفتن وام ازدواج با دخترخانمی ازدواج توافقی کند و...

دختران انتظار، فاقد ظرافت‌های لازم برای سامان‌دهی یک فیلم سینمایی است. آن چنان که تماشاگر را برای پذیرش منطق اولیه و باور شخصیت‌ها دچار تردید می‌کند.

فیلم دو شخصیت متفاوت از زنان ارائه می‌کند. روشنگ، الگوی سادگی و پاک‌ی است که مردی زندگی او را به تباهی کشانده و شماره الگوی مکر و فرصت‌طلبی که زندگی مردان را به تباهی می‌کشاند. اما هر دو این زنان از زبان شعر استفاده می‌کنند، هرچند شماره می‌گوید کم‌تر اهل شعر است. نکته‌ی بارز نوع و نمود خوبی و بدی در این دو شخصیت است. زن خوب، فقیر و ساده‌پوش و مریض احوال و مظلوم است و زن بد، برعکس سلامت و ثروتمند و خوش‌لباس و مغرور. ای کاش در جهان واقع هم بدی آدم‌ها فقط به پوشیدن مانتوی ساتن و سوار شدن خودروی ب.ام.و. محدود می‌شد.

چند صحنه در فیلم هست که شخصیت (سعید) را در حال تردید نمایش می‌دهد. این که او داروهای مخدر بیمارستان را برای فروش قاچاق بردارد یا نه... این که او از پسر یکی از بیماران رشوه بگیرد یا نه... و... تطبیق‌های نادرست و نابه‌جایی است که هیچ یک گشوده نشده و قصه را به جلو نمی‌راند. همچنان که صحنه‌های قدم زدن سعید در پل عابر پیاده همراه با موسیقی یا صحنه‌ی گشدار نشستن و بی‌قراری او و روشنگ، در خانه‌هایشان که به‌طور موازی تدوین شده (باز هم همراه موسیقی!) هیچ تأثیری جز کند کردن ضرباهنگ فیلم ایجاد نمی‌کند.

در صحنه‌ای از فیلم روشنگ (نیکی کریمی) در اتاقش نشسته و به توار شعر احمد شاملو گوش می‌دهد. صدای شاملو به گوش می‌رسد که می‌گوید: «دختران انتظار...» و این بهانه‌ی بی‌هیچ ارتباط معنایی و منطقی انگیزه‌ی انتخاب عنوان فیلم است. شاید بتوان این عدم‌ارتباط را به تعبیری به کلیت فیلم ترمیم داد. دختران انتظار فیلمی‌ست که تلاش می‌کند ضمن ارائه‌ی یک قصه عاشقانه، به نمایش مشکلات و معضلات جوانان دانشجو بپردازد و بدین‌سان رضایت مخاطب عام و جاذبه‌های گیشه و رسالت طرح مسائل اجتماعی جوانان را برآورد، اما قصه‌ی آشفته - شخصیت‌های دور از واقعیت و پرداخت نامنجم آن هیچ‌یک از دو محور این هدف را بر نمی‌تابد. فیلم با ورود شخصیت روشنگ در حالت بی‌هوشی به بیمارستان آغاز می‌شود و بعد از مقدمه‌ای پرتعلیق به گذشته رجعت می‌کند. گفتارها تصنعی و شیوه‌ی اطلاع‌دهی به تماشاگر بسیار خاددستانه است. می‌فهمیم که پدر سعید به تازگی درگذشته و ارثیه‌ی مختصری به او رسیده است. او پول را برای پرداخت بدهی‌اش به شرکتی می‌برد اما می‌فهمد که با بالا رفتن قیمت ارز، بدهی او افزایش پیدا کرده است. بنداری فهم مسئله‌ای که در جامعه‌ی امروز برای یک کودک دبستانی از واضحات است. برای دانشجوی سال آخر پزشکی پیچیده و بفرنج به نظر می‌رسد. اما مسئله به این جا ختم نمی‌شود، کمی جلوتر او سعی می‌کند به‌طور بهره‌ای پول قرض بگیرد و پی‌می‌برد که برای دریافت پول بهره‌ای می‌بایست چکی ارائه دهد. مسئله‌ای که البته تاکنون نمی‌دانسته است. یا این توصیفات چنین شخصیتی پیشنهاد مسئول بخش وام دانشگاه را

هفت شاخه‌ی سرخ ...

بقیه از صفحه ۳۱

آن طور به من سپردند که جای کاستی و فزونی باقی نباشد. در این قصه‌ها، توجه بیش از فرد بر سرشت اجتماعی اوست و بیش از حادثه بر علت‌های از پیش مهیا شده‌ی وقوع.

اما، توجه و تفکر بر مفاهیمی که انگیزه‌ها و اعمال را به پیش می‌رانند، حاکم بر همه‌ی این‌ها، عشق، مهر، ازدواج، دوستی، سعادت و نیک‌بختی و به‌طور کلی دارندگی.

برازندگی مفهومی است پیچیده‌تر در اخلاق، رفتار فردی و ارزش‌سنجی در تشخیص، خیر و زیبایی که در کم‌تر ذهنی تبیین و توضیح شده است. «بهای آفتاب» اشاره‌ای است به این تفکر که می‌تواند تا آفاق بی‌انتهای اندیشه پیش بتازد. «بهای آفتاب» قصه‌ی درمان خنزیر کودکی سه ساله است که گم کردن پدر را بر نمی‌تابد کودکی که جای خالی مهر پدری را با طبیعی‌ترین واکنش جسم، پر می‌کند و هنوز باقی است تا او نیم‌قرن دیگر نیز، جای خالی مهری واقعی و مردانه را پرکننده زیر تابش خورشید ملمون واقعیت‌های

سوزنده و سنگین، برای یک زن، هیچ سایه‌ای چون بادبیزن نخل مهر نیست که نیست.

شاید حدود پانزده سال پیش بود که مصاحبه‌ای را از رادیو شنیدم و پس از آن تا سه سال پیش که قصه‌ی «کیومر» را نوشتم، به اتفاقی می‌انداشیدم که در شرایطی دور از احتمال وقوع رخ می‌داد. پیش از نوشتن، طرح شخصیت «شگر محمد» در ذهنم بود و هنگام که به اساتید کویرشناس مراجعه کردم. داستان «کلات کامبوزیا» طرح واقعی خود را آشکار کرد. آن‌ها از مردی گفتند که حدود یک قرن پیش در نقطه‌ای از کویر، آبادانی سرسبز و کتابخانه‌ی بزرگی ایجاد کرده بود.

«کامبوزیا» به چند زبان مهم آشنا بود و از اطراف عالم، دانش‌پژوهان و محققان، به دیدارش می‌آمدند، در سال‌های پیشرفته‌ی عمر، قبیله‌ای از فرزندان و نوه و نیرگران او کلات را به شکل قریه‌ای نمونه درآورده، گسترش داده بودند.

کامبوزیا در پایان عمری شاخص و طولانی، از جهان رفته بود، و بنا به خواستش در کتابخانه کلات به خاک سپرده شده بود. آن‌چه از این مرد بزرگ و زندگی او

می‌گفتند، به‌نحوی حیرت‌آور با طرحی که در ذهن من شکل گرفته بود، شباهت داشت و باز این اصل عقلاتی را یادآور می‌شد که اجزاء عالم با هم پیوندی بی‌گسست دارند.

پی بردن به واقیعت حضور مردی با همتی والا، پشتیبانی واقیعت را که مورد نیاز و اعتقاد من برای نوشتن داستان بود، پیش نهاد و «کیومر» را در اوج یک تنش روانی شدید و پیش‌آمد سخت و دور از انتظاری که رنجی بزرگ برایم ارمغان آورد، نوشت. پیش از آغاز داستان‌ها در این کتاب، بنا به نیازی که خود حسن می‌کنم و حرمت به خواننده‌های که باید فراتر از حد یک سرگرمی یا لذت خواندن، یا وقایعی روبه‌رو شود، این یادداشت را گذاشتم تا او را به دنیایی ببرم که در آن «توانایی» چون مزیت و دستاویز ستم‌کاری، مطرح می‌شود و این مواجهه همه‌ی عمر باقی است، تا در برهوت زندگی، درختی بروید که ثمر گران‌قدرش، اگر شب چراغی باشد که ستم‌کاران و ستیزندگان با توانایی را رهنمون می‌شود، اما به این هستی بیهوده، معنایی والا می‌بخشد.

زمستان ۱۳۷۸

نوستالژی از دست رفتن ...

بقیه از صفحه ۳۰

وادر به یک بازی تصنیی با آن‌ها می‌کند مشاهده کرد: نیمه‌ی ماه و یک و نیمه‌ی خستگی لوزی‌ها

۵۸

در ۱۱ غربی فریاد زد

سمت راست غلت زد

در شمال گریست.

(ص ۱۷)

در چهارراه‌ها لالایی می‌گوید ترافیک سه‌رنگ و خواب‌های رنگی

(ص ۱۳)

اتفاقاً درست در جایی که شاعر خودش را صرفاً برای آشنایی‌زدایی و نوآوری درگیر تمهیدات انتزاعی می‌کند برخلاف تصورش بیش از همیشه قابل پیش‌بینی بوده و شکلی لو دهنده و تصنیی به خود می‌گیرد به طوری که قرار دادهای شاعر عیان می‌شود.

آشنایی‌زدایی‌ها خود قانونمند و ارگانیک شده و وجود اعداد و کلمات انتزاعی نه در جهت ایجاد بافتی شعرگونه و هستی جدید این بافت که در جهت پرتاب شدن صرفاً برای پرتاب شدن، عاقبت به‌مدر می‌رود. سطرهای بالا را مقایسه کنید با:

تکه‌ای از من را کفن رفته‌اند و پخش می‌کنند در هوا

از مثلث‌های اضافی بیزارم

(ص ۴۲)

منتشرم کنید در خطوط نیامده. و در این‌جا این سؤال پیش می‌آید که آیا نسبت به وسعت کلمات شاعر توانسته هستی، بافت و موسیقی بسازد و یا نقض غرض شده به‌طوری‌که حتا گاه وجود عناصر بی‌اندازه شاعر را گیج کرده و به بی‌راه کشانده است.

ماه هلال شکلک درآورده

ماه گرد خندید.

زبان درازی کرد

هذیان گفت: (ص ۸)

که باز هم ایجاد یک فانتزی را می‌بینیم که راه به جایی نمی‌برد.

و گاه کلمات به نفع رمانتیسیم در ترکیبی کهنه عقب‌نشینی می‌کنند و هویت جدیدی نمی‌یابند:

لاله‌ها را به خواب‌گره می‌زتم

و ماه را به اطلسی‌ها

تخم می‌گذارم گل‌بنفشه‌ای در دریا (ص ۷)

جهان‌بینی ذهنی و عاطفه‌ی شاعر

از دست رفتن هویت اشیاء

در فضای کلی شعرها اشیایی خودنمایی می‌کنند که در حالی که هویت انسانی یافته‌اند خود نشانی از استحاله رفتن، زوال و درهم‌شکستگی این جانشینی هستند. سببی که در این فضای فروپاشی و استحاله رفتن‌ها به میوه‌های دیگری بدل می‌شود. محتوم است که هیچ‌گاه نیز در هیچ خصوصیتی از هیچ‌کدام ثابت نماند و قرار نگیرد.

تسلیم‌پذیری شاعر در برابر هستی

شاعر نسبت به کلمات و اشیاء و سابقه غم‌انگیزی از آن‌ها در درون خود آگاه است که در عین تأثیرپذیری از آن‌ها، خود در روند ترکیب، بر آن‌ها اثر گذاشته و مفاهیم و فضایی می‌آفریند که خود بازتاب تسلیم‌پذیری شاعر نسبت به همان مفاهیم و هستی آن‌هاست. ترکیبات اجرا شده خود به‌گونه‌ای است که گویا شاعر را نهیینی که در مقابل سطور سرخم می‌کند و تحلیل می‌رود:

مدام ارجاع می‌شوم ارجاع می‌شوم

به سطر اول بعد از است

جا می‌افتم توسط ویرگول

جامی اندازی مرا و جا می‌افتم حیفا (ص

۳۹

و یا

خواهش می‌کنم به اضلاعی که افتادند

نردبانی که انداخت

و نیمه‌ی از فردا

دست تکان بده!

شعر کوچک من پاهای کوتاهی دارد. (ص ۴۲)

○ کلیشه‌زدایی از زنانگی مرسوم

در به بازی گرفتن عینیت‌های زبان گاه موجب از هم پاشیدن عناصر دیداری به نفع کلیشه‌زدایی از زنانگی مرسوم و از هم پاشیدن زندگی سنتی شده به‌طوری که در آن زنی می‌تواند باهایش را همراه کمی سیب‌زمینی در ۸۹ درجه‌ی فارنهایت سرخ کند و یا:

بشقاب‌های شکسته را در شرحی آشپزخانه

شستم (ص ۱۹)

○ فلسفه‌ای در پشت اشیا

از رویه‌ی شفاف اشیا که بگذریم فلسفه‌ای گرچه شقه شده اما عمیق و گاه فاجعه‌آمیز را پشت آن می‌بینیم که نشان از ذهنی فعال و کنجکاو نسبت به جهان و آگاهی‌های آن دارد. نقطه‌ی عطف این شقه‌شدگی را در شعری مانند مرثیه برای سیب مرده می‌توان دید که گرچه در رویه‌ای از طنز اما وقوع فاجعه را در عمق آن می‌توان حس کرد.

شکل دیگری از اثر، دعوت به زیبایی‌شناسی

جدیدی از شعر

باوجود کاستی‌های این مجموعه، باز این سؤال پیش می‌آید که متفاوت بودن شکل اثر اعم از واپاشی و مرکززدایی از شعر و نداشتن روالی منطقی و خطی به ضدساختاری یک‌دست آیا ما را به نوع دیگری از زیبایی‌شناسی شعری در محیطی پسامدرن دعوت نمی‌کند؟



همه‌ی راهکارهای مربوط به مقابله با خشونت جنسی باید دربرگیرنده‌ی توانمندسازی زنان و دختران و مبارزه با مردان سوءاستفاده‌گر باشد. شورای بریتانیا در سند مربوط به خشونت جنسی چهار مرحله را برای از بین بردن خشونت جنسی مطرح می‌کند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

مرحله اول: پایان سکوت و مبارزه با معضل

بیش‌تر گروه‌هایی که در زمینه‌ی رفع خشونت برضد زنان فعال هستند سعی می‌کنند که آنچه باعث رنج و درد شخصی خودشان است را به خواست عمومی برای تغییر و اصلاح تبدیل کنند. نقطه‌ی اصلی اعتراض می‌تواند موارد فردی و یا به‌طور کلی خود مسئله‌ی خشونت جنسی باشد. دامنه‌ی هدف نیز از مرد سوءاستفاده‌کننده تا اثبات ناتوانی جامعه، آژانس‌ها، سیستم حقوقی و دولت، در حفاظت و حمایت از زنان، متغیر است.

گروه ناریپوکو تازه‌ترین نمونه از این فعالیت است. اما در سه دهه‌ی گذشته این پدیده برای تمام سوءاستفاده‌هایی که به‌عنوان خشونت علیه زنان شناسایی شده‌اند، اتفاق افتاده است.

گروه ناریپوکو به‌تازگی کار خود را در بنگلادش در مورد اسیدپاشی شروع کرده است. در این کشور مردان به‌عنوان نوعی تنبیه به صورت زانی که به آن‌ها توجه نمی‌کنند، اسید می‌پاشند. این گروه ضمن صحبت با قربانیان این حادثه از آن‌ها خواسته‌اند تا جامعه را از عواقب این عمل آگاه کنند. به‌علاوه این گروه تمام گزارش‌های اسیدپاشی را جمع‌آوری و پی‌گیری می‌کند و با برقراری ارتباط فوری با زنان قربانی، به حمایت از آن‌ها می‌شتابد و آن‌ها را در درمان، تعقیب و مجازات خاطی و هم چنین در مورد اشتغال آتی و زندگی اجتماعی‌شان یاری می‌دهد. این گروه هم چنین اطلاعات عمومی مردم را در این زمینه افزایش می‌دهد و با انجام لابی‌های مختلف سعی می‌کند قوانین بهتری را برای حمایت از قربانیان وضع کند.

وقتی زنان قربانی بداندن سازمان‌هایی، خصوصاً از زنان، وجود دارد که صدای آن‌ها را بشنود، تلاش می‌کند تا خود نیز برضد مقصر شمرده شدن قربانی و توجیه خشونت مبارزه کند. این مسئله به ایجاد یک مفهوم جدید از قربانی و سوءاستفاده‌کننده می‌انجامد و بسیاری از تفکرهای قبلی در مورد خشونت جنسی را تغییر می‌دهد.

استراتژی‌های مقابله

ارائه دهند و این‌ها تنها مراکز خدمات رسمی هستند که دختران و زنان با آن‌ها بیش‌تر در تماسند. آیا وجه تمایزهایی که این برنامه‌های حمایتی با یکدیگر دارند فقط به یک نوع خاص از خشونت می‌پردازد یا یک برنامه‌ی تلفیقی و فراگیر است؟ به‌طور مثال:

- **مایتی نهال** فقط به مسئله قاچاق و خرید و فروش زنان می‌پردازد و روش او در برگیرنده‌ی شیوه‌های حمایتی و پیشگیرانه از قاچاق زنان است.

- **پروژه کالایان** در لندن در زمینه سوءاستفاده کار فرمایان ثروتمند از کارگران مهاجر زن فعال است.

- **مرکز زنان بمبئی** درهند ترکیبی است از حمایت‌های عملی، تجزیه و تحلیل سیاسی و مبارزه علیه یک سری خشونت جنسی شامل خشونت خانگی، آزار مربوط به جهیزیه، آزار جنسی و تجاوز به محارم.

- **مراکز زنان اسپانیا**، برای مبارزه با خشونت جنسی

مرحله دوم: حمایت از زنان و دختران

حمایت از دختران و زنانی که قربانی خشونت شده‌اند، روزبه‌روز اهمیت بیش‌تری می‌یابد و سازمان‌هایی که به موضوع خشونت جنسی می‌پردازند ابتکارهای جالبی را در این زمینه ارائه داده‌اند. مثال‌هایی از این ابتکارها که در برگیرنده‌ی آوارگان و پناهگاه‌هاست چنینند: ایجاد خط تلفن برای کمک، گروه‌های حمایتی، تشکیل کلاس‌های دفاع شخصی و برنامه‌های ترویجی - حمایتی. بسیاری از این پروژه‌ها تلفیقی از خدمات مستقیم، آموزش عمومی و مبارزه‌ها هستند. با این حال، اشخاصی که هزینه‌ی این پروژه‌ها را می‌پردازند قوانینی وضع می‌کنند که استفاده‌کنندگان را محدود می‌کند.

نکته‌ی بسیار مهم این است که تنها مراکز خدمات درمانی و بهداشتی، پلیس و سیستم حقوقی هستند که می‌توانند پاسخ‌های مناسبی را برای خشونت جنسی

برگردان: فریبا دژبان خان

با این حال، توسعه‌ی رهیافت‌های مربوط به سازمان‌های غیردولتی، انتشار نتیجه‌های تحقیق باعث شده است که آژانس‌های رسمی دولتی نیز، برای تغییر اصلاحات انگیزهای قوی بیابند. گاهی فشارهای داخلی و دلسوزی افرادی که رابطه‌ی نزدیک با سازمان‌های غیر دولتی دارند موجب ایجاد تغییر می‌شود که در صورت موفقیت و انتشار مناسب آن کمک بسیاری به درک ضرورت انجام تغییرها و اصلاحات می‌کند. به‌علاوه از انواع دیگر فشارها برجسته کردن تجربه‌های سایر کشورها و سیاست‌های ملی و بین‌المللی آن‌ها است تا تغییر بیش‌تر مطرح شود.

به منظور طبقه‌بندی الویت‌ها و تغییرهای نهادین باید کار را از مکان‌هایی آغاز کنیم که معمولاً زنان برای دریافت حمایت و اجرای عدالت به آن‌ها مراجعه می‌کنند. به‌طور مثال اگر مراکز بهداشتی، مدارس یا پلیس نهادهایی هستند که دختران و زنان به آن‌ها گزارش می‌دهند این مراکز باید هنگام تحقیق و بررسی در الویت قرار بگیرند.

اردوگاه‌های آوارگان و پناهندگان نیز باید مورد توجه خاص باشند. در مورد قرار دادن متخصصان خشونت جنسی در نیروهای پاسدار صلح و نیروهای امدادگر بین‌المللی باید سریعاً اقدام شود.

به‌هرحال هیچ روش خاصی برای پاسخ‌گویی و شیوه‌ی خاص تغییر وجود ندارد ولی بعضی روش‌ها مجبورند در مناطق دیگر هم مورد استفاده قرار گیرند. بعضی از مثال‌های جالب در مورد تغییر و اصلاح سیاست‌ها را می‌توان به شرح زیر نام برد:

- دستگیری و متهم ساختن مجرمان خشونت خانگی.
- ایجاد تیم‌های پلیس متخصص، که می‌تواند در مورد سوءاستفاده از زنان و کودکان و یا در شکل‌های خاص خشونت علیه زنان مثل تجاوز و خشونت خانگی تحقیق کند.

- ایجاد دادگاه‌های ویژه.
- استفاده از دادستان متخصص در مواردی که زنان و کودکان دخیل هستند.
- ایجاد ایستگاه‌های پلیس زن.

- ایجاد مراکز خاص رسیدگی به حمله‌های جنسی در بیمارستان‌ها به منظور تسهیل انجام معاینه‌های پزشکی قانونی و ارائه خدمات مشورتی کوتاه مدت.

- ایجاد گروه‌های حمایتی زنان در زندان‌ها و مراکز مراقبت‌های روانی.
- استقرار گروه‌های غیرنظامی حامی رفع خشونت برضد زنان در مراکز پلیس و بیمارستان‌ها.

- پرسیدن سوال‌های مختلف در مورد خشونت جنسی در تمام مصاحبه‌های ارزیابی.

- ایجاد برنامه‌های حمایتی از شاهد قربانی به منظور کمک به زنان و دختران در جریان محاکمه و بازجویی.

بقیه در صفحه‌ی ۴۲

موقعیت او.

- ترکیبی از حمایت‌های عاطفی و عملی را در اختیارش می‌گذارند. چرا که زنان گاهی سؤال‌های عملی بسیاری دارند و به‌علاوه می‌خواهند در مورد بسیاری موضوع‌ها صحبت کنند و راه‌حل بیابند.

- در مورد راه‌هایی که می‌تواند برگزیند اطلاعات در اختیارش قرار می‌دهند.

- آماده می‌شوند تا همگام با او حرکت کنند. آغاز به صحبت خود به تنهایی کمک بزرگی است.

- او را تشویق می‌کنند تا با گروه‌های حمایت جمعی تماس حاصل کند.

- یکی از مفاهیم سوء استفاده، از دست دادن اختیار است. بنابراین کمکش می‌کنند تا کنترل احساساتش را دوباره در اختیار بگیرد.

گاهی حمایت‌هایی که از روی حسن نیت انجام می‌شود در خشونت‌های خانگی نامناسب به نظر می‌آید. فرض بر این است که، زنان باید از خشونت بگریزند و خشونت‌گریزی از سوءاستفاده‌ی از آن‌ها جلوگیری می‌کند.

مطالعه‌های بین‌المللی امروز بر این عقیده است که زنان دریافته‌اند که خطرناک‌ترین کاری که می‌توانند انجام دهند ترک خانه است. بسیاری از قتل‌های خانگی زمانی رخ می‌دهد که زن می‌گوید قصد دارد

مراکز زنان در سراسر اسپانیا تأسیس شد. این مراکز تلفیقی از خدمات حمایتی حقوقی و بهداشتی، آموزشی و اشتغال هستند. به‌علاوه به تمام اشکال خشونت می‌پردازند و کلیه حمایت‌های لازم را در اختیار زنان قربانی قرار می‌دهند.

با تأسیس خدمات حمایتی این مسئله بیش‌تر روشن شد که بسیاری از زنان هستند که کم‌تر از دیگر زنان به این خدمات دسترسی دارند. بنابراین تلاش‌های قابل توجهی برای یافتن راه‌حل‌های مناسب برای ارائه کمک و حمایت از گروه‌های محروم از جمله زنان مهاجر، اقلیت‌های قومی، معلول، فقیر، سالمند، زندانی و... انجام شد.

گروه‌های خدمات حمایتی اصول مشخصی را سرلوحه‌ی کار خود قرار دادند. این اصول چنینند:

- آغاز نمودن کار از محیطی قابل اعتماد و بدون شک و تردید.

- پرسش‌های واضح در مورد سوءاستفاده، این اصل به زنان و دختران اجازه و فرصت صحبت کردن می‌دهد.

- ایجاد محیطی خصوصی و محرمانه که از این زنان استقبال می‌کند.

- عدم پیش‌داوری و قضاوت در مورد رفتار زنان، چرا که سؤال و داوری در مورد چنین رفتاری، باعث می‌شود تا آنان خود را به عنوان مقصر تلقی کنند.

با خشونت علیه زنان

- اطمینان به این که آن چه اتفاق افتاده تقصیر آنان نیست و آن‌ها حق دارند در مورد آن صحبت کنند. (زنان را تشویق می‌کنند که خودشان را سرزنش نکنند.)

- توسعه و اتخاذ سیاست‌هایی که به زنان اطمینان می‌دهد موضوع‌های مطرح شده از سوی آنان محرمانه باقی می‌ماند. (در صورتی که در زمینه‌ی محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات محدودیتی داشته باشند حتماً آن‌ها را در جریان قرار می‌دهند.)

- اطمینان در مورد امنیت و ایمنی شخص در حال حاضر و بررسی این که آیا کسی از دوستان یا بستگان او هست که بتواند او را حمایت کند و در صورت نیاز به او پناه دهد.

- ثبت و ضبط اطلاعاتی که از شخص در اختیار دارند تا در صورتی که در آینده او به این اطلاعات نیاز داشت در اختیارش قرار دهند. به‌علاوه آگاهی سایر پرسنل از

● به قدرت رسیدن طالبان برای زنان افغان مصیبت بارتر بوده است.

● پنجره‌های همه خانه‌هایی که زنی در آن زندگی می‌کند و وسایل حمل و نقل عمومی که به جابه‌جایی زنان و کودکان اختصاص داده شده‌اند، باید رنگ زده شوند و یا با پرده پوشانیده شوند.



بورکا: خانه‌ها متحرک زنان افغان

بزرگدان: علی پورمند

احترام همه است و در اجرای برنامه‌های خود - تحت هر شرایطی - اراده‌ای خستگی‌ناپذیر دارد. همچنان که او روی سبل راحتی خانه‌اش در لوس‌آنجلس نشسته است، برای من پذیرش این حقیقت که او به بازگشتن به دنیای پرخطر کشورش می‌اندیشد، دشوار است. او همواره از پذیرفتن مهاجرت کامل به ایالات متحده سر باز می‌زند و تنها برای دیدن پسرش که در شهر دالاس برنامه‌نویس رایانه است و نیز قراهم کردن منابع مالی مورد نیاز برای اداره مدارس و مراکز درمانی‌اش به آمریکا سفر می‌کند. طرح‌های اجرایی نادای توسط آژانس‌های سازمان ملل و دولت‌های نروژ، آلمان و کانادا حمایت می‌شود. نادای پیشاپیش با گرفتن عکسش موافقت می‌کند اما در هنگام ملاقات درمی‌یابیم حامیان دولت طالبان در آمریکا وی را تهدید کرده‌اند. به این ترتیب حتماً انتشار نام او خالی از خطر نخواهد بود. به گفته خود وی نام نادای حاشیه امنی ایجاد کرده است و همین برای محافظت از او کافی است. (دیگر جزئیات مربوط به او و زندگی خصوصیش نیز تفسیر داده شده‌اند تا سلامتی‌اش به خطر نیفتد.) البته نادای وحشت چندانی از طالبان ندارد. «من دختری فوق‌العاده رک و بی‌پرده بوده‌م. او این سخنان را با لحنی چنان ملایم و آرام می‌گوید که به سختی می‌توان تصور کرد سال‌هایی پر از مبارزات طاقت‌فرسا را پشت سر گذارده است. او معتقد است خطراتی که در راه مبارزه با طالبان خشک مغز پیش رو داشته بخشی از کاری‌ست که او خود به جان خریده است. او اضافه می‌کند: «دوستان من فکر می‌کنند من دیوانه‌ای بیش نیستم.» اما هنگامی که از وضعیت زنانی که در حد توان به آرامش دردهاشان برخاسته است سخن می‌گوید

خستگی‌ناپذیر در مبارزه با سیاست‌های دولت طالبان و راه‌اندازی و مدیریت مراکز خدمات اجتماعی - درمانی در فقیرترین نقاط افغانستان ادامه می‌دهد. نادای سالی چندبار بورکا را از کمند لباس‌ها بیرون می‌آورد و به‌طور مخفیانه از مرز پاکستان به مراکز درمانی تحت نظارت خود دارو می‌رساند. این‌گونه فعالیت برای او خطرات بسیاری به همراه دارد اما او ایمان دارد با این کار جان صدها تن را به آن‌ها باز می‌گرداند. نادای اولین مرکز پزشکی - درمانی خود را ۲۰ سال قبل در نزدیکی مرز مشترک افغانستان و پاکستان برپا کرد و به مداوای مهاجرین جنگ‌زده و کسانی که در برخوردهای داخلی صدمه دیده بودند پرداخت. از لحظه‌ای که این مرکز درمانی گشوده شد زنان همواره از اصلی‌ترین مراجعه‌کنندگان به آن بوده‌اند. نادای خود می‌گوید: «در آن زمان ما با بیش از ۳۰۰ مراجعه‌کننده تنها ۱۷ تخت در اختیار داشتیم.» وی در پاسخ به پیشنهاد یک سیاستمدار فرانسوی در باره‌ی چگونگی کمک کشور متبوعش به مرکز درمانی تحت نظارت نادای گفته بود که برای راه‌اندازی یک مرکز درمانی داخل خاک افغانستان نیازمند کمک مالی است. چرا که در داخل افغانستان وضعیت سلامتی رقت‌انگیز و خدمات پزشکی بسیار محدود و ابتدایی است. از آن جایی که طالبان به‌طور گروهی حکومت می‌کنند و اعمال قدرت آن‌ها در همه‌ی نواحی افغانستان یکسان نیست، نادای شانس بیش‌تری برای گسترش شبکه خدماتی خود پیدا کرده است. در حال حاضر او ۴۰ مدرسه با بیش از ۱۷ هزار دانش‌آموز و ۱۲ مرکز درمانی و پزشکی را اداره می‌کند. به اقرار نماینده سازمان ملل متحد فعالیت‌های نادای بسیار چشمگیر و مؤثر بوده است. «او به شدت مورد

نادای، پزشک ۴۲ ساله با لبخندی آرام، لباس راحتی بلندی با طرح گل سنبل به تن دارد. در این صبح زیبای کالیفرنیا آرایش ملایم بر شادابی چهره‌اش افزوده و موهای قهوه‌ای کوتاهش، عینک بزرگی را که برچشم دارد دربر گرفته است. از ظاهر نادای نمی‌توان تفاوتی میان او و دیگر پزشکانی که در ایالات متحده زندگی می‌کنند دریافت اما دنیایی که نادای از آن می‌آید بر پیکر واقعیت لرزه افکنده است. وضعیت ظاهری امروز نادای بدون شک او را در کشور مادری خود، افغانستان، با خطرهای بسیاری مواجه می‌سازد. آن‌جا، دولت تندروی طالبان خشن‌ترین رفتارها را بر زنان افغانی روا می‌دارد و کسانی را که از اجرای قوانین سرباز زنتد عاقبتی جز شکنجه، ضرب و شتم و حتی مرگ نخواهد بود.

کفش‌ها باید بدون پاشنه باشد، صدای آن‌ها احساسات مردان را برمی‌انگیزد. موها هرگز نباید کوتاه باشند چرا که نمادی از غرب فاسدند و پوششی جز بورکا^۱، مناسب زنان افغانی نیست. این همه‌ی آن‌چه بر زنان و دختران افغانی می‌رود، نیست.

براساس احکام صادره از سوی طالبان، زنان و دختران از حق حضور در مدارس محرومند و تنها در شرایط خاص و نیاز مبرم هیأت حاکمه به آن‌ها اجازه کار کردن می‌دهند. تأثیر این‌گونه قوانین در کنار مشکلات بی‌شمار دیگر باعث پدید آمدن بحران‌های متعدد در زمینه‌های مختلف از جمله وضعیت سلامت زنان شده است. در افغانستان پزشکان مرد از معاینه و معالجه‌ی زنان به‌شدت منع می‌شوند و در مقابل از طبابت زنان نیز به‌عنوان گوناگون جلوگیری به عمل می‌آید. اما نادای، باوجود مشکلات بسیار به قیمت به خطر انداختن جان خود همچنان به تلاش

درمی یابیم دنیایی که او در آن کار می کند نس دیوانه تر است و انگیزه های او روشن تر. برای مثال نادیا می گوید: «زنی مورد تجاوز برادرشوهرش قرار گرفته بود و باردار شده بود. چنانچه مادرشوهرش از ماجرا مطلع می شد بدون شک او را می کشت. ما به مادرشوهر گفتیم عروستش توموری در ناحیه ی شکم دارد و برای انجام مراحل درمانی باید هر ماه به مرکز درمانی بیاید.» از آن جا که نمی شد مدت زیادی به این بهانه جان دخترک را حفظ کرد نادیا با عمل سزارین او را جراحی کرد و نوزاد را به یک زوج ناباور بخشید. برای متقاعد کردن خانواده ی شوهر نیز از مدارک پزشکی زن دیگری که به تومور شکمی حاد مبتلا بود استفاده کرد. «من مدارکی از این دست را برای چنین مواردی نگه داری می کردم.»

با به پایان رسیدن قرن بیستم افغانستان خود را در چنگال قرون وسطای دیگری اسیر می بیند. طالبان از درون گروه کوچکی از تندروهای مذهبی برخاستند و اکنون کنترل نزدیک به ۹۵ درصد از خاک افغانستان را در دست گرفته اند. هنگامی که این گروه در سپتامبر ۱۹۹۶ کابل، پایتخت این کشور فخرزده را اشغال کردند افغانستان تجربه بیش از دو دهه هرج و مرج، جنگ داخلی و نبرد نظامیان شوروی سابق با مبارزان موسوم به مجاهدین - که مورد حمایت و پشتیبانی آمریکا بودند - را پشت سر گذاشته بود.

میلیون ها مین مسیرهای کوهستانی کشور را به گذرگاه های مرگ میدل ساخته و بیش از شش میلیون افغانی جلای وطن کرده بودند. چند صباحی به نظر می رسید هر نظم و قانونی، حتی اگر از طرف طالبان اعمال شود، وضعیت را از آن چه بود بهتر می کرد. طالبانی که داعیه ی ایجاد بی پیرایه ترین حکومت

اسلامی در جهان براساس تفسیر خاص خود از آیات قرآن داشتند در حالی که مفسرین اسلامی در دیگر کشورها طالبان و روش های خشن آن ها را مورد تأیید قرار نمی دهند.

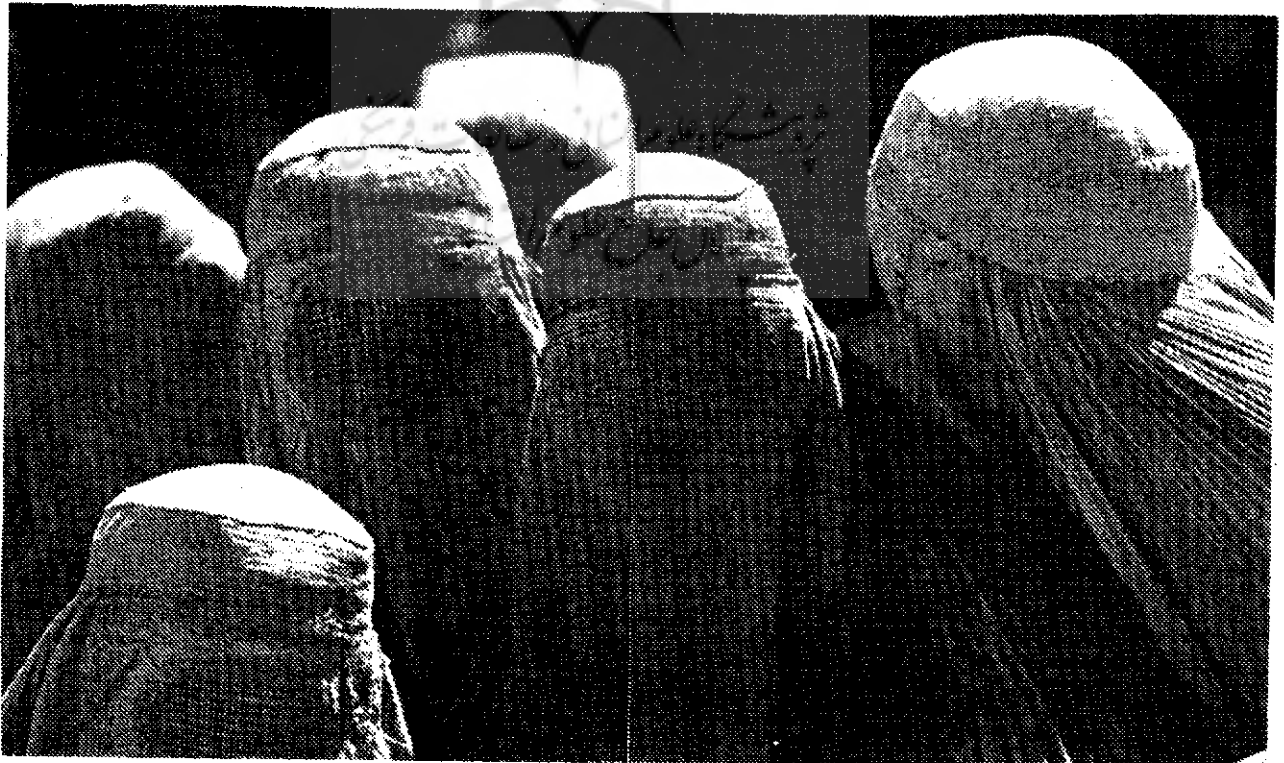
پیروزی و در پی آن اقتدار طالبان به خصوص برای زنان مصیبت بار بوده است. تا سال ۱۹۹۶ بیش تر معلمان، مددکاران اجتماعی و پزشکان پایتخت را زنان تشکیل می دادند. امروز در حالی که کابل بر خرابه ها ایستاده است پلیس مذهبی طالبان، یگان ویژه ای که مسئول تطبیق شعائر عمومی با شریعت است، در خیابان ها قدم می زند و زنانی را که از اجرای بی عیب و نقص قوانین مذهبی سر باز می زنند تنبیه می کند. پنجره های همه ی خانه هایی که زنی در آن ها زندگی می کند و وسایل حمل و نقل عمومی که به جابه جایی زنان و کودکان اختصاص داده شده اند باید رنگ زده شوند و یا با پرده پوشانیده شوند. موسیقی، عکس و خصوصاً تصویر انسان ها به شدت ممنوع است. تلویزیون ها و رادیوها در میدان های شهر خرد و قلم ها و نوارها به شعله های آتش سپرده شدند.

پایتخت به مکانی برای گروه های پراکنده ی زنان هراسان تبدیل شده است. زهره راسخ، محقق متولد افغانستان که در مرکز تحقیقات پزشکان برای حقوق بشر در بوستن فعالیت می کند چنین می گوید: «کابل شهری ست فارغ از هویت آدم هایی که در آن زندگی می کنند.» او سال گذشته به طور مخفیانه و با هدف مصاحبه با زنان افغانی وارد این کشور شد. یافته های وی خبر از وضعیت ترسناکی در درون افغانستان می دهد. کودکی در بیمارستان از سرخچه جان سپرد تنها به این دلیل که دکتر مرد نمی توانست به بخش

کودکان که در محدوده ی زنان بود، وارد شود. زنی در خانه جان داد زیرا توانایی خرید بورکارا برای خروج از منزل و مراجعه به پزشک نداشت...

طی سال گذشته سنای آمریکا طرحی مبنی بر محکومیت سیاست های ضد انسانی و تضییع حقوق زنان توسط طالبان تصویب کرد، همچنین تصمیمات مشابهی در مجلس نمایندگان مراحل پایانی را طی می کند. دولت ایالات متحده و سازمان ملل هیچ کدام تاکنون طالبان را در افغانستان به رسمیت نشناخته اند. طالبان بالاخره توجه هالیوود را نیز جلب کرده است. در ماه مارس سال گذشته (۱۹۹۹) بنیاد فمینیستی **مجاریتی** اقدام به برگزاری یک گردهمایی ضد طالبانی در محل ساختمان مرکزی صنف کارگردانان آمریکا در لوس آنجلس کرد. در این گردهمایی که به ریاست **مویس لنو** برگزار شد بخش هایی از سخنان **کلینتون** پخش شد و میهمانان به نشانه اعتراض به پوشش بورکاتورهایی را به لباس های خود آویختند (اگرچه این همایش در ایالت کالیفرنیا برگزار می شد نادیا به توصیه حامیانش در آن شرکت نکرد). بیرون از مرکز همایش حدود ۶۰ نفر از طرفداران دولت طالبان که تعداد زیادی از آن ها را زنان تشکیل می دادند در مخالفت با اهداف این گردهمایی به شعار دادن پرداختند. در یکی از اعلان های مخالفان تصریح شده بود: «زنان افغانی توانایی تعیین سرنوشت خود را دارند.»

در داخل همایش **مویس** در پاسخ چنین گفت: «این زنان در این مکان حاضر شده اند و می توانند آزادانه حرف های خود را مطرح کنند بدون این که مجازات شوند. هنگامی که زنان داخل افغانستان نیز از این حق برخوردار شوند کار ما به پایان رسیده است.»



امسال برای اولین بار تعداد رؤسای کل زن، در ژاپن از مرز ۶۰۰۰ نفر گذشت. این تعداد در کشوری که نقش زنان برای مدت‌ها محدود به شغل منشی‌گری بوده، نشان‌دهنده‌ی پیشرفت قابل توجهی است.

زنان، ریاست کل ۶۰۵۹۳ شرکت را بر عهده دارند. این تعداد ۵۳ درصد از کل ۱۱۴ میلیون شرکت کشور است. متوسط سن این گروه ۵۹ سال است.

در جامعه‌ی مرد سالار ژاپن رسیدن به مقام و رتبه‌ی ریاست برای زنان کار آسانی نیست و هر زمانی که اقتصاد ژاپن رو به رکود برود ارتقای مقام زنان نیز دچار اشکال و اختلال می‌شود.

با این که نیسی از نیروی کار ژاپن را زنان تشکیل می‌دهند ولی تعداد معدودی از آنان توانسته‌اند در کار خود، به مقام‌های بالا برسند. اکثریت زنان مشاغل نیمه وقت دارند که معمولاً امنیت‌کاری و امکان ارتقای مقام در این شغل‌ها کم‌تر وجود دارد.

با وجود این که تعداد زنانی که بعد از ازدواج به شغل خود ادامه می‌دهند رو به افزایش است ولی شرکت‌ها هیچ‌گونه امکان رفاهی برای این زنان در دوران حاملگی و در بعد از وضع حمل و دوران رسیدگی به کودک نوزاد فراهم نمی‌آورند.

ادامه‌ی کار برای زنانی که بچه‌دار می‌شوند امری بس دشوار است و فقدان کمک از طرف شرکت‌ها، زنان را ناچار به انتقال کار خود از تمام وقت به نیمه وقت می‌کند.

بنابر بررسی‌های اخیر آژانس تحقیق‌های آماری، بانک اطلاعاتی تیکوگو، بسیاری از شرکت‌های بزرگ ژاپنی براین عقیده هستند که زنان به‌خاطر «فقدان دانش رهبری و قضاوت صحیح» بعد از ازدواج و از سن ۳۵ سالگی به بالا قادر به گرداندن شغل ریاست نیستند.

بنابر آمار این وزارت در سال ۱۹۹۷ کم‌تر از ۲۵ درصد از ۳۱۸۵ میلیون کادر مدیریت کشور را زنان تشکیل می‌دادند. این تعداد از اوایل سال‌های ۱۹۹۰ تغییر زیادی نکرده است و اکثر این افراد در جایگاه‌های پایین کادر مدیریت قرار داشتند و مسئولیت آن‌ها بیش‌تر رسیدگی کردن به کارهای مدیران مرد بوده و زنان مسئولیت مدیریتی کم‌تری را بر عهده داشتند.

تعداد زنان عضو هیأت مدیره‌ی شرکت‌هایی که وارد بورس سهام ژاپن شده‌اند کم‌تر از ۱۹۶ نفرند. حال آن که این شرکت‌ها، ۵۴۰۰۰ عضو هیأت مدیره دارند! قانون جدیدی که اخیراً اتخاذ شده از شرکت‌ها می‌خواهد تا از تبعیض در مورد جنسیت در محیط‌های کار اجتناب ورزند. بنابر این قانون زنان می‌توانند در شیفتهای شبانه نیز فعالیت کنند و از نظر حقوق و مزایا تفاوتی با مردان نداشته باشند. هم چنین شرکت‌ها موظفند از اعمال زور به کارمندان زن جلوگیری کنند. با این حال این قانون هیچ‌گونه کیفر و

مطالعه نکرده‌ایم. به عقیده‌ی بنجامین پیش از این که گروه طالبان چهار سال قبل حاکمیت را به دست گیرند دیدن زنان شغل در بسیاری از مراکز شهری این کشور امبری عیادی به حساب نمی‌آمد. فقر زنان و عدم مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی مشکلاتی قدیمی هستند و در برخی نواحی افغانستان زنان سالیان دراز است که بورکا به تن می‌کنند. بورکا در نواحی شهری به نوعی نمایانگر طبقه اجتماعی زنان نیز هست چرا که امکان تهیه آن به دلیل قیمت بالا برای همه وجود ندارد.

با این همه همایشی که توسط لنو برگزار شد و او نمونه دیگر آن را در ماه اکتبر در نیویورک نیز برگزار کرد می‌تواند به هدفی که دیگران به آن دست نیافته‌اند نزدیک‌تر شود: افزایش آگاهی عمومی مردم آمریکا در باره وضعیت زنان افغانی و در پی آن فراهم کردن منابع مالی مورد نیاز. در گردهمایی هالیوود یک زن افغانی با لباسی سبک و گردن‌بند طلا در کنار من نشسته بود. وی که پس از آغاز جنگ در سال ۱۹۷۰ به کالیفرنیا مهاجرت کرده اسبت هنگامی که جملات رییس جمهور کلینتون در حمایت از زنان افغانی بر روی پرده ظاهر شد با شادمانی دست مرا گرفت و زمزمه کرد: «خوشحالم. اکنون همه خواهند دانست.»

برای نادیا هر روز موقعیت‌های تازه و نیز خطرات بیش‌تری به همراه دارد. مقامات طالبان در گوشه‌ای به دخترکان افغانی اجازه حضور در مدرسه‌ی او را داده‌اند و در گوشه‌ای دیگر گروهی به یکی از مراکز درمانی حمله کرده و رییس مرکز را با خود برده‌اند. تاکنون خبری از وی به دست نیامده است.

منبع: ماهنامه زن شافل - ژانویه ۲۰۰۰
نویسنده: ویوین والت
پانوش:

• بورکا: پارچه‌ای سنگین و بی‌شکل با توری مقابل صورت که تنها روزنه به دنیای بیرون است.

اقدام‌های پیش‌گیرانه را متوجه کارمند می‌کند.

مرحله چهارم: مبارزه با تحمل خشونت و تغییر نگرش مردان

این مرحله زمانی آغاز می‌شود که توجه‌ها از سوی حمایت قربانیان به سمت تلاش‌های مؤثر برای تغییر رفتار مردان سوءاستفاده‌گر و به‌طور کلی تغییر نگرش مردان متوجه می‌شود. همان‌طور که لوری هیس می‌گوید خشونت علیه زنان پدیده‌ی کاملاً پیچیده‌ای است و ریشه‌ی آن مرتبط با قدرت بر مبنای جنسیت، هویت خویش، نهادهای اجتماعی و جنسیت نهفته است.

بنابراین استراتژی برای رفع خشونت جنسی باید با اعتقادهای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی که به وجود آورنده‌ی خشونت هستند، مبارزه کند.

منبع: گزارش شورای بریتانیا - ژانویه ۱۹۹۹

اما هنوز میهمانی پس از گردهمایی به پایان نرسیده بود که سیل نامه‌های الکترونیک از طرف مسئولان کمک‌رسانی در داخل افغانستان به سوی برگزارکنندگان آن سرازیر شد. آن‌ها معتقد بودند این‌گونه همایش‌ها در نهایت به زیان مردم افغانستان خواهد بود.

مانند اغلب درگیری‌های سیاسی، این مورد نیز دارای ریشه‌های مهمی است. نانسو هیچ دوپری، تاریخ‌نگار آمریکایی و متخصص امور افغانستان می‌گوید: «مشکلات زیادی وجود دارد که باید با آن‌ها مبارزه کرد. اما همایش‌هایی مانند آن چه در هالیوود برگزار شد روش صحیح برخورد با آن‌ها نیست.» خانم هیچ دوپری نظرات خود را از منزلش در پیشاور پاکستان و نزدیکی مرز افغانستان بیان می‌دارد. همچنین به عقیده کارکنان گروه امداد خارجی در افغانستان این که آمریکایی‌ها طالبان را مسؤول همه‌ی مشکلات در افغانستان می‌دانند تنها به فعالیت حساس و شکننده امدادگران صدمه می‌رساند. به گفته آن‌ها به دلیل پی‌گیری‌های مستمر و تلاش طاقت‌فرسای این گروه‌ها تغییراتی هرچند اندک در سخت‌گیری‌هایی که علیه زنان اعمال می‌شود، پدید آمده است. از جمله می‌توان به توافق اخیر طالبان برای تعلیم و تربیت دختران در برخی مقاطع اشاره کرد.

جسودی بنجامین، محقق امور افغانستان در کمیته‌ی بین‌المللی در نیویورک اذعان می‌دارد اگرچه به عقیده وی طالبان «وحشتناک» است و صدمات جدی به جامعه‌ی زنان وارد کرده است اما افراد اندکی نحوه عملکرد آنان را به درستی درک می‌کنند. «بسیاری از مشکلات افغانستان ریشه در ۲۰ سال جنگ مداوم در این کشور دارد به طوری که اثری از اخته‌ها، زیربنای‌های نهادینه شده‌ی اجتماعی و عملاً هیچ چیز دیده نمی‌شود. این که ما طالبان را منشأ همه‌ی مشکلات بدانیم به این معناست که تاریخ را خوب

استراتژی‌های مقابله با ... بقیه از صفحه ۳۹

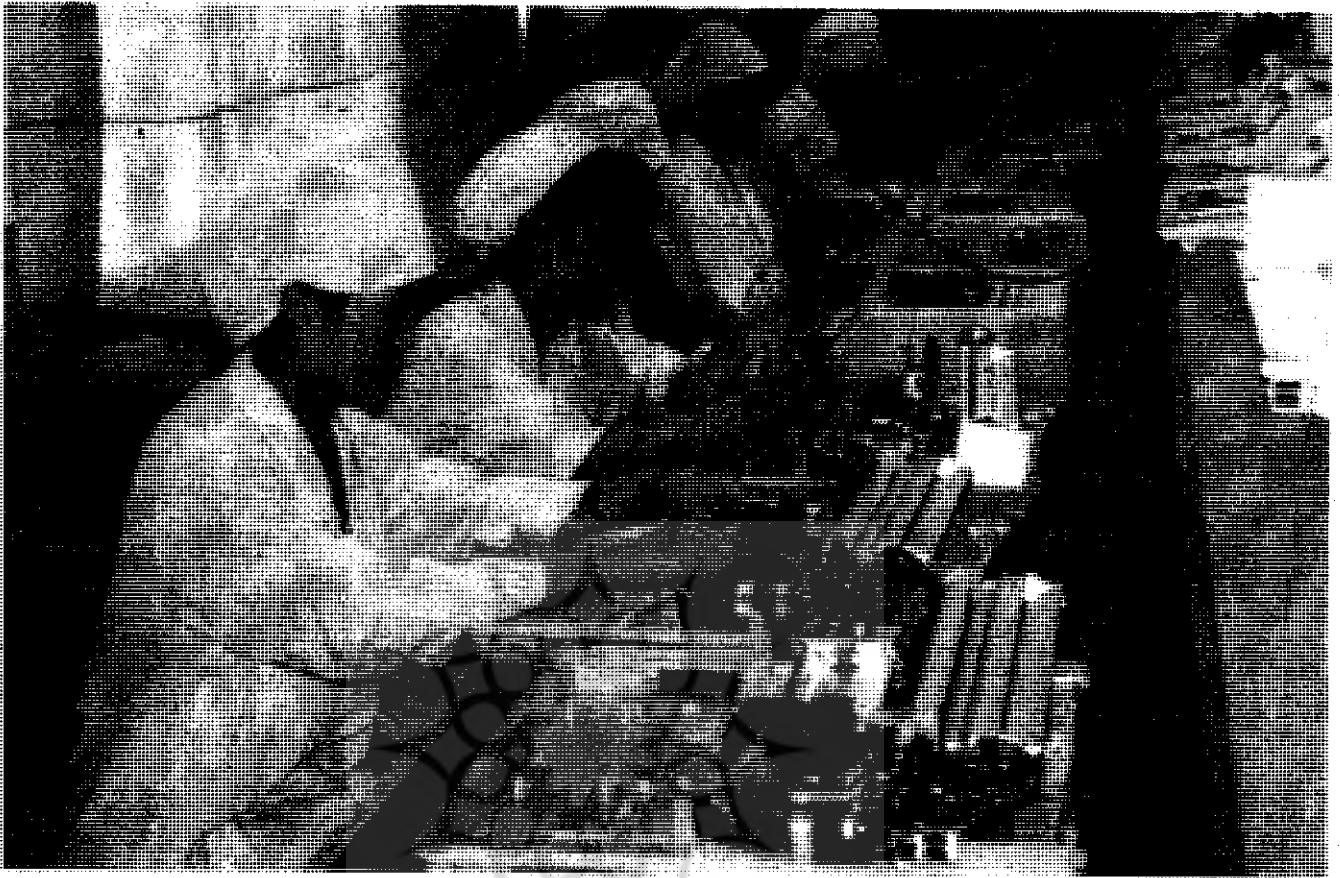
- ایجاد شبکه‌ی بین‌آژانسی محلی به منظور اطمینان ز پاسخ‌های هماهنگ و تابت.
- توافق بر سر تشریفات و سیاست‌های درون آژانسی به منظور انجام نظارت مستقل بر اجرای دقیق تشریفات.

کاملاً مشخص است که تغییر و اصلاح سیاست‌ها نسبتاً آسان است اما کار مشکل‌تر آن است که نسبت به جرایم همبستگی آن‌ها مطمئن باشیم.

بعضی از حرکت‌های نیکو، ریانه موجب شده تا قوانین کیفری و مدنی با یکدیگر مرتبط شوند و به موجب آن تعقیب و حمایت در اقدام‌های فزاینده نیز به یکدیگر متصل شوند. برای نمونه قانون خشونت خانگی در قبرس و قانون آزار و اذیت در انگلیس هر دو آموزه‌ای از قوانین مدنی و کیفری هستند. هم چنین همسودهای دادگاه عالی هند در مورد آزار جنسی که ضمن پیوند دادن قوانین مدنی و کیفری مسئولیت

کار در ژاپن

مرجان سعیدی



● **هانا موری:** مد ساز مشهوری که در اروپا و آمریکا نیز شهرت دارد. او در ابتدا یک خانم خانه دار بود تا این که در سال ۱۹۵۱ اولین کلکسیون لباس خود را در توکیو به نمایش درآورد و در سال ۱۹۶۵ با آرایه اولین سری لباس خود در نیویورک با تشویق زیادی روبرو شد. این خانم تنها مدساز ژاپنی است که از طرف اتاق سندیکای مدسازان دنیا شناخته شده است.

● **ساواکو نوما:** رییس کل یکی از بزرگترین شرکت های انتشاراتی ژاپنی است. او در سال ۱۹۸۷ بعد از فوت شوهرش، بدون هیچ گونه تجربه کاری و انتشاراتی، ادامه ی کار شرکت را بر عهده گرفت. از زمانی که این خانم ریاست شرکت را بر عهده گرفته، شرکت انتشاراتی اش حتا در خارج از ژاپن گسترش زیادی پیدا کرده است. او با اهدای جوایز ادبی و چاپ آثار ژاپنی در بالا بردن شهرت شرکتش نقش مهمی ایفا کرده است.

● **سونوکو سوزوکی:** صاحب شرکت فروش مکاتهای غذاهای رژیمی و لوازم بهداشتی - آرایشی با ۲۰۰۰۰۰ مشتری در سراسر ژاپن. او از یک مغازه ی کوچک متخصص در لوازم آرایشی مخصوص خانم های ژاپنی شروع کرد. و امروز در زمینه ی سلامتی، بهداشت و زیبایی کتاب های زیادی نیز منتشر کرده است. □

دارند. تعداد دیگری در امور مربوط به اجاره ی دفترهای کاری، هتل داری و بخش جهانگردی و کارهای کوچک مهندسی مشغول به فعالیتند. مسئله ی تأمین شرایط مناسب برای کار زنان، می تواند راه چاره ای برای توسعه و بالا بردن درصد اشتغال زنان در جایگاه های مدیریت باشد. اما قبل از همه، برای بالا بردن درصد حضور زنان در این جایگاه ها طرز تفکر، قضاوت ها و پیش داوری های سنتی باید از اذهان پاک شوند تا این حق کنشی به خصوص در مشاغل مهم و مدیریتی از بین برود. تا آن روز راهی بس طولانی در پیش است.

چند مثال از زنانی که در ژاپن موفق شدند: رییس کل شرکتی تبلیغاتی به نام دنتسوی: از ۳۰ کارمند او اکثریت زن هستند. این شرکت برای انجام کارهای تبلیغاتی زنان متخصص را به کار می گیرد. لازم به یادآوری است که در ژاپن زنان نیروی مصرف کننده ی بزرگی را تشکیل می دهند. این خانم که در ابتدا برای یک شرکت لبنیاتی شعارهای تبلیغاتی می نوشت در سال ۱۹۶۴ وارد شرکت دنتسوی شد. در سال ۱۹۸۴ به هیأت مدیره ی این شرکت راه یافت و چهار سال بعد رئیس هیأت مدیره شد.

مجازاتاتی برای شرکت هایی که مخالف قانون عمل می کنند و در امور کاری، تبعیض قایلند، معین نکرده است. از سوی دیگر در این قانون هیچ اشاره ای به تأمین رفاه زنان کارمند و ایجاد شرایط مناسب برای ایمن گروه نشده و از آن جایی که زنان در مقام تصمیم گیری نیستند رفع این گونه مسائل با کنندی زیادی پیش می رود.

در ژاپن اکثر شرکت های بزرگ و چند ملیتی تولید اتومبیل، لوازم الکترونیکی و کامپیوتر دارای مدیریتی تمام مردانه هستند. در شرکت اتومبیل سازی تویوتا در سال ۱۹۹۷ تعداد زنان کارمند ۶۲۰۰ نفر بود که ۸۳ درصد از کل کارمندان را تشکیل می دادند، روابط عمومی شرکت تنها قسمتی است که توسط یک زن اداره می شود. حال آن که ۶۱ کادر عالی تویوتا همگی مرد هستند.

در شرکت های کوچک تر وضع زنان کمی بهتر است ولی با این حال شرایط کاملاً یکسانی با مردان ندارند. در حالی که پیشرفت زنان ژاپنی در اداره ها و سازمان های مهم بسیار مشکل است، تعداد زیادی از زنان ریاست شرکت های کوچک خانوادگی را بر عهده دارند. تعداد زیادی از این شرکت های کوچک که توسط زنان ایجاد شده اند، در بخش تولید لباس بچه فعالیت

روایای:

جنسیت مانع حضور زنان در بخش صنعت نیست

● برای صادرات باید مقداری پول تزریق کرد. باید به فکر کارخانه دار بود، باید به فکر بی کاری و آسیب های اجتماعی ناشی از بی کاری هم بود.

● در این سال ها قیمت دلار تغییر کرده است در نتیجه نقدینگی کارخانه کاهش پیدا می کند، تورم هم قدرت خرید را پایین می آورد، و این موجب بحران در صنعت می شود.

ارتباط با زن بودنم ندارم. ببینید طبیعت کار اقتصادی یک مقدار جرأت می خواهد. کسانی که به اصطلاح جرأت داشته باشند به میدان می آیند و کار را انجام می دهند. من خودم وقتی که به بخش صنعت آمدم با دست خالی شروع کردم و مسئله جنسیت برایم مطرح نبود. از طرف مقامات مملکتی و دولتی نیز در سرمایه گذاری - چه در بخش اقتصادی، چه در بخش صنعت، چه در بخش خدمات - هیچ مشکلی از این بابت ایجاد نشده است. منتها مسائلی که برشمردم گزینه ایجاد نمی کند. به نظر من جنسیت نمی تواند مانع باشد.

- در رابطه با حضور زنان در بخش اقتصادی جامعه، شما ابزارهای دیگری مثل زمین و سرمایه را چگونه می بینید. با توجه به این که زن ها کلاً در طول تاریخ منابع اقتصادی کم تری برای چنین حضورهایی داشته اند؟

- بستگی دارد به این که چه نوع سرمایه گذاری مدنظر باشد. مثلاً فرض کنید که اگر بخواهیم روزی کارخانه ای تأسیس کنیم به هرحال با موافقت اصولی دولت زمین می دهد و مقداری تسهیلات. اما در مورد سرمایه ای اولیه، چون از بخش صنعت آن حمایتی که باید، نمی شود، سرمایه گذاری خیلی کم رنگ شده است. الان دوستان من وقتی مشکلات مرا می بینند به من می گویند: «چرا این قدر خودت را گرفتار کرده ای؟ وقتی حمایت نمی شوی چرا ادامه می دهی؟»

من که در صنعت هستیم از زمانی که دلار هفت تومان بوده تا الان که ۸۵۰ تومان شده کار کرده ام. هیچ به اصطلاح اتفاقی برای صاحب صنعت نیافتاده به جز دست و پاگیرتر بودن و کم بودن نقدینگی و مشکلاتی

- مشارکت زنان را در عرصه های اقتصادی کشور چگونه می بینید؟

- به نظر من زنان ما از سرمایه گذاری در بخش اقتصادی و صنعت وحشت دارند. به خصوص که اخیراً هیچ نوع حمایتی از بخش صنعت نمی شود. به عنوان نمونه، من یک صاحب صنعت قدیمی هستم که معضلات زیادی دارم و هر روز قوانین دست و پاگیر بیش تر دست و پای من و همکارانم را می بندند.

مثلاً عوارضی که برای آموزش و پرورش دو درصد وضع می شود، یا شهرداری، یا محیط زیست یا یک درصد کارآموزی، یا مثل سرانه های کارگری. صاحب صنعت باید بیش از ۱۵ یا ۲۰ نوع عوارض به دولت بدهد که این ها نه تنها کمکی به گردش صنعت نمی کند بلکه گردش بخش صنعت را به اصطلاح کم و کند می کند. از طرفی مالیات های کلانی که از بخش صنعت گرفته می شود. من ۱۸ سال است که در این حرفه هستم. خودم کارخانه تأسیس کرده ام. در بخش خصوصی و در صنعت بوده ام. این ها موجب شده است که هیچ رضایتی از صنعت وجود نداشته باشد. چون کمکی هم نمی شود. به تبع سرمایه گذاری در بخش اقتصادی برای زنان خیلی کم رنگ می شود و در واقع علاقه ای به این کار ایجاد نمی شود.

- شما فکر می کنید برای چنین مشکلاتی است که زنان به سرمایه گذاری گرایش ندارند یا علت دیگری هم دارد؟ به عبارتی جنسیت هم ملاک است؟

- من بعید می دانم زنانی که تخصص و تجربه ای دارند جنسیت برایشان مطرح باشد. چون خودم هم یک زن هستم و سال هاست که کارم این است و هیچ مشکلی در



لعیا رویایی فوق لیسانس مدیریت بهداشت از دانشگاه تهران و فوق لیسانس مهندسی برنامه ریزی توسعه صنعتی از دانشگاه آمستردام است.

او ۲۰ سال در وزارت صنایع در سمت کارشناس ارشد و سال ها در کارخانه های مختلف کار کرده است و مدتی نیز عضو هیأت علمی و مدرس دانشگاه بوده است.

لعیا رویایی هم اکنون رییس هیأت مدیره کارخانه ای تفلون کومه و مدیرعامل کارخانه تفلون زرین کومه و کارشناس رسمی دادگستری است. تلاش او را در عرصه اقتصاد دیده بودیم و می دانستیم که از ۱۷ سالگی کار را شروع کرده است و هم اکنون نیز پس از دوره ی بازنشستگی همچنان از هفت صبح تا ۱۲ شب کار می کند. او مدیر نمونه ی سال ۷۷ است.

مناسب دانستیم در صفحه ی اقتصاد مجله مسائل و مشکلات زنان را در این عرصه به علت داشتن تجربه فراوان او در صنعت از ایشان جویا شویم.

در اینجا از خوانندگان علاقه مند مجله می خواهیم ضمن معرفی زنان موفق در بخش اقتصاد پرسش های خود را نیز برای ما ارسال کنند.

که پرداختها برای ما ایجاد کرده است. فرض کنید اگر یک چک صاحب صنعت به دارایی پرداخت نشود او را با حکم دادگاه محکوم می‌کنند. در نتیجه اموالش را توقیف و ممنوع‌الخروج می‌شود. این روند موجب می‌شود که زن سرمایه‌دار حتا با داشتن زمین و سرمایه دچار نگرانی شود.

به هر حال هر کسی که می‌خواهد شروع کند یک نقدینگی در دست دارد، حالا به حجم کار و فعالیتی که می‌خواهد شروع کند، بستگی دارد. باید دید در چه حدی می‌خواهد باشد. فرض کنید اگر بخواهد کارخانه بزند خوب می‌داند که الان باید رقم بالایی باشد. اگر بخواهد یک تولیدی کوچک پوشاک بزند یا مثلاً یکسری کارهای کوچک‌تری را در چهارچوب منزلش انجام بدهد این باز حجم کم‌تری می‌برد. فکر نمی‌کنم برای چنین کسی به این صورت زمین و سرمایه مطرح بشود. الان باید از صنعت و از سرمایه‌گذاری حمایت بشود. به عنوان مثال شما کارخانجات قند و شکر را ببینید چه معضلی برایشان درست شده است؟

من از کارخانجات ظروف تفلون می‌گویم. وقتی ما این کار را شروع کردیم پنج واحد بودیم الان بیش‌تر از ۶۰ تا ۷۰ واحد هستیم. فقط موافقت اصولی دادن مطرح نیست باید به نیاز جامعه و میزان آن فکر کرد. موافقت اصولی دادند بنابراین همه رفتند سرمایه‌ها را به صورت سوله و ماشین‌آلات و... درآوردند. این‌ها ثروت ملی مملکت است که بدون استفاده مانده است. روزی نیست که یکی از همکاران به ما پیشنهاد نکند که برای من یکسری ماشین‌آلات بفروش یا یک کاری بکن.

در شرف تعطیلی هستند؟

بله، برای بعضی‌ها خیلی مشکل شده است.

شما فکر می‌کنید اگر زنی بخواهد در زمینه‌های اقتصادی و در همین بخش صنعت شروع به کار کند چه حمایتی دولت از آن می‌کند. آیا واقعا حمایت می‌شود؟ وام می‌دهند؟ اگر زنی بخواهد وارد این عرصه شود چگونه است؟

هیچ حمایتی نمی‌کنند. بلکه یکسری مقررات دست و پاگیر برایش می‌گذارند. من می‌توانم به یک شخص بگویم: «آقا شما دو ماه صبر کنید و چک ما را به بانک نبرید تا وضع بازار رونق بگیرد، چون فروردین و اسفند رکود بوده، ایام تعطیلی و سوگواری بوده، و من موجودی ندارم.» ولی دارایی صبر نمی‌کند. شما را به دادگاه می‌برد و حکم می‌گیرد و چون نتوانسته‌اید مالیات را پرداخت کنید، توقیف اموال هم می‌شود. این چه حمایتی از صنعت است؟ به هر حال باید صاحب صنعت جایگاهی در نزد دولت داشته باشد و در جایی حمایت بشود. بانک به محض این‌که پولشان را ندهید برایتان اجرائیه صادر می‌کند. این‌ها اصلاً موقعیت را در نظر نمی‌گیرند که صاحب صنعت در چه شرایطی هست که کمکش بکنند. همه فکر خودشان هستند یعنی دارایی فکر وصول خودش است، بیمه می‌آید حکم توقیف ماشین‌آلات را می‌گیرد به محض این‌که حق بیمه را ندهی. دارایی می‌آید، آموزش و

پرورش هم همین کار را می‌کند، شهرداری هم همین کار را می‌کند. یعنی هیچ به بخش صنعتی کمکی نمی‌شود. شاید هم می‌توانم بگویم که با یک مغازه‌دار بهتر از یک صاحب صنعت رفتار می‌کنند.

متأسفانه حمایت صنایع برای همه شرایط حمایتی نداشته است. از صنعت اتومبیل خیلی حمایت می‌شود. یا مثلاً بعضی از صنایع غذایی حمایت می‌شود ولی نه از همه.

شما قبلاً کارشناس ارشد صنایع بوده‌اید و طبعاً در زمینه‌ی برنامه‌ریزی شیوه حمایتی را می‌دانید آیا در شرایط کنونی طرح و برنامه‌های برای حمایت از صنایع وجود دارد یا خیر؟

● صاحب صنعت باید بیش از ۱۵ یا ۲۰ نوع عوارض به دولت بدهد که این‌ها نه تنها کمکی به گردش صنعت نمی‌کند بلکه آن را کند نیز می‌کند.

به هیچ وجه. من شنیدم در وزارت صنایع ستادی به نام ستاد بحران درست شده است. ازین رو خودم برای آن واحدی که به اصطلاح در یکی از شهرستان‌ها داریم و دچار مشکل بود دو ماه پیش نامه به صنایع دادم ولی هنوز هیچ پاسخی نگرفتم.

پس ستاد بحران فقط اسمش ستاد بحران است؟

بله اسمش ستاد بحران است. در صورتی که معنای بحران یعنی این‌که رسیدگی سریع انجام شود یعنی به کار سرعت بدهند. من قبل از تعطیلات سال نو در برف و سرما به شهرستان رفته و نامه برای صنایع آوردم، هر روز هم صحبت می‌کنم ولی می‌بینم هنوز کار به جایی نرسیده است.

اگر طرح و برنامه‌ای برای حمایت نیست و ستاد بحران هم کلاً نتواند کار صورت بدهد، توسعه صنعت در کشور ما چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

ببینید، قیمت دلار تغییر کرده است. من مثال مواد اولیه تفلون را می‌زنم. یک تن تفلون قبلاً فرض کنید با دلار اگر ۴۰۰ تومان می‌آمد ما باید ۲ میلیون بلوکه می‌کردیم ولی الان باید ۲۲ میلیون بلوکه کنیم. در نتیجه نقدینگی شرکت کم می‌شود چون سه ماه باید در بورس اوراق بهادار بماند تا این نوبت برسد. ببینید این‌ها همه کاهش نقدینگی است. وقتی آلومینیم ناگهان از ۹۰۰ تومان می‌شود ۱۳۰۰ تومان. نقدینگی کارخانه کاهش پیدا می‌کند. بعد تورم هم قدرت خرید را پایین می‌آورد. در نتیجه این بحران در صنعت وجود دارد و باید به این مسائل توجه شود. در نتیجه جایی برای نوآوری و توسعه نمی‌ماند.

آیا وزارت صنایع در مورد تهیه مواد اولیه حمایتی می‌کند؟

اتفاقاً یکی از گله‌های ما همین است. وزارت ارشاد برای مطبوعات کلفذ فراهم می‌کند ولی به صاحب صنعت این ارفاق نمی‌شود. مثلاً من می‌گویم به جای ۵ میلیون تسهیلات، ۱۰۰ میلیون بدهید که بتوانم شب عید فروش داشته باشم، نمی‌دهند. واقعیت این است که ما مشتری داشتیم ولی نقدینگی نداشتیم مواد بگیریم که جواب مشتری را بدهیم. گردش کاری کارخانه‌ها طوری است که مواد اولیه می‌خواهد، کلی پولش است. به هر حال باید یک دوره تولید بشود، بازار برود و پولش برگردد. چهار ماه یا شش ماه طول می‌کشد. هیچ‌کس نیست این کمک را بکند. توجه می‌فرمایید؟

واقعا جای تأسف است. من که این‌جا کار می‌کنم و ۵۰ تا، ۶۰ تا، ۷۰ تا کارگر اشتغال دارند اگر بخواهم ۵۰ تن مواد اولیه بگیرم باید چک بانکی بدهم بخوابانم و در نوبت بمانم. دو ماه یا سه ماه، تازه معلوم نیست ۵۰ تن به من بدهند. ظرفیت کارخانه‌ی کومه ۱۵۰۰ تن است. مثلاً پنج درصد به ما می‌دهند. ما باید چک بانکی ببریم. این چه حمایتی از صنعت است. اگر قرار است سه ماه پول آن‌جا بخواهد خوب می‌رویم از بازار کمی گران‌تر می‌گیریم. به هر حال آن‌ها هم از ما چک دو ماهه قبول می‌کنند. این همه برای صادرات غیرنفتی گفته می‌شود ولی هیچ‌نوع کمکی صورت نمی‌گیرد.

الان کارخانه‌ی ما صادر کننده است. سال گذشته به چندین کشور صادرات داشتیم. شما ببینید یک ریال به صادر کننده نمی‌دهند. این جنس از مبدأ حرکت می‌کند تا برسد به مقصد سه ماه، چهار ماه طول می‌کشد تا این پول برگردد. یک زمانی لازم دارد. باید یک مقدار پول برای صادرات تزریق کرد. فکر کارخانه‌دار که نیستند. فکر بی‌کاری هم نیستند. بی‌کاری برای مملکت معضل است و خیلی شدید آسیب‌های اجتماعی را بالا می‌برد. از قدیم گفته‌اند در یک کارخانه که بسته می‌شود در دو زندان باز می‌شود. الان در بخش صنعت تفلون ظرف چهار، پنج ماه گذشته شش یا هفت کارخانه بسته شده است. به دلیل این‌که مواد اولیه خیلی گران است و کارخانه نمی‌تواند خودش را تغذیه کند. بازار هم می‌خواهد سودش را ببرد. بهر حال چیزی برای صاحب صنعت نمی‌ماند. عوارض‌هایی که دولت از راه‌های مختلف می‌گیرد، زیاد است و اصلاً فایده ندارد.

ما آمدیم از شما در رابطه با مشارکت هرچه بیش‌تر زنان در عرصه‌ی صنعت سؤال کنیم، با تحلیل شما، چه رهنمودی می‌شود به زنان ارائه کرد؟ زنان ناامید می‌شوند.

من ۲۰ سال در وزارت صنایع کار کردم و حدود ۱۸ سال هم در این‌جا کار می‌کنم. در مجموع ۳۸ سالی که کار می‌کنم، اصلاً ناامید نشده‌ام و همچنان کار خواهم کرد.

می‌بینید که هنوز هم از صبح می‌آیم تا شب. ولی فکر می‌کنم اگر بخواهند زنانی که نصف نیروی اجتماع ما هستند از خانه به قصد کار اقتصادی بیرون بیایند،

● زنان باید به جلو حرکت کنند، وارد بازار کار شوند، تلاش کنند و از دولت هم کمک بخواهند. من مطمئن هستم که موفق می‌شوند.

نیاز به مسائل تشویقی دارند. منی که صاحب تجربه هستم الان علاقه‌ام اینست که در خانه بنشینم. چرا؟ برای این‌که می‌بینم دارم مستأصل می‌شوم. زمانی که ما آمدیم و شروع کردیم می‌شد کارهایی کرد. به‌رحال زنی که می‌خواهد بیاید و شروع کند باید این‌ها را بداند. - با توجه به همهی مشکلاتی که در این عرصه داشتید تیتروار موانع حضور زنان در بخش اقتصاد را بگویید.

- من فکر می‌کنم زنان ما مقداری حس بدبینی نسبت به این نوع اشتغال دارند. از نظر قوانین و دولت هیچ محدودیتی برای حضور زنان در جامعه وجود ندارد. گماین‌که زنان ما در نمایندگی مجلس هستند تا معاونت ریاست جمهوری. برای زنان هیچ محدودیتی نیست و خیلی خوب می‌شود از تجربه و تخصص آنان استفاده کرد. اما زن خانه‌داری که شوهرش کارخانه‌دار است و از صبح می‌رود تا ده شب و خسته می‌آید تازه باید جواب چک و سفته را بدهد و مرتب تلفن بزند. اسمش مهندسی و صاحب صنعت است و این‌همه گرفتار. زن با خود می‌گوید چرا من بروم و خودم را گرفتار کنم. الان برای صاحب صنعت آرامش وجود ندارد. و این روی خانواده تأثیر می‌گذارد. من وقتی به دوستانم می‌گویم که یک کاری را شروع کنید، آن‌ها می‌گویند ما در عمل می‌بینیم که چه مشکلاتی وجود دارد، چرا بیاییم؟ توجه می‌کنید دولت باید یک‌سری مسائل تشویقی بگذارد.

- شما می‌توانید به ما آمار دهید که چند زن در این بخش - صنایع - کارخانه‌دار هستند؟

- خیلی کم. در صنعت که خیلی کم هستند. شاید به تعداد انگشتان دست هم کم‌تر باشند. من هم در انجمن مدیران صنایع و هم در اتاق بازرگانی هستم. چرا خیلی از زنان کارت دارند که به اسم خودشان است ولی دیگران از آن استفاده می‌کنند. ولی در حرفه‌ی صنعت - به‌خصوص صنعت فلزات که ما هستیم - به‌ندرت زنی هستند که کار کنند. شاید سه یا چهار زن. دلیل کم بودن تعداد زنان ما هم این است که طبیعت کار طوری است که خیلی توانایی می‌خواهد و این‌که آدم باید تنرس باشد و به قول معروف دل شیر داشته باشد. خطر کند و از استراحتش بزند. شما ببینید به‌رحال یک زن در مقابل خانواده‌اش مسئول است. الان با یکی از دوستان هم‌کلامم صحبت می‌کردم. او هم کارشناس قسم‌خورده‌ی دادگستری است و می‌گفت که ما - شش صبح بیدار می‌شویم. پلو را می‌گذاریم و خورش را و می‌رویم عصر هم می‌آییم تازه

طرف‌ها را می‌شویم. بعد هم فکر شام هستیم. ولی الان جوان‌ها این کار را نمی‌کنند. آن‌ها بیرون غذا می‌خورند و کارهای ما را نمی‌کنند. بسیاری از کارها و مسائلمان هم با ما هست.....

- درواقع الان بسیاری از زنان، کار زنان سنتی را نمی‌کنند که هم خانه‌داری و مادری می‌کردند و هم کار بیرون از خانه را انجام می‌دادند.

- بله این‌طور است. زنان مشکلات بخش صنعت را می‌بینند. روزنامه‌ها و مجلات را می‌خوانند. گرفتاری‌های شوهر صاحب صنعتشان را می‌بینند بنابراین ریسک نمی‌کنند. زنان بیشتر جذب بخش خدمات شده‌اند. مثل وکالت، کارشناسی، مهدکودک، آزمایشگاه و کارهایی شبیه به این‌ها. الان علاقه‌ی زنان به کار اجتماعی کم شده است.

- شما به خاطر جو موجود این را می‌گویید؟

- بله، جو موجود، و فکر می‌کنم گرفتار می‌شوند. واقعاً مشکلات و معضلات زیاد است.

- ما برای توسعه‌ی کشورمان نیاز به تلاش زیادی داریم و معتقدیم زنان نیز باید بخشی از این مهم را بر عهده بگیرند هرچند که مشکل باشد. حال اگر بخواهیم زنان را وارد صنعت کنیم پیشنهاد شما برای موفقیت در این بخش چیست؟

- ابتدا ما از طریق دانشگاه و دبیرستان باید آموزش‌های لازم را به زنان بدهیم تا آن‌ها فقط به فکر این نباشند که ازدواج کنند و درواقع برای اداره شدن به مرد تحمیل گردند. زن باید بداند که برایش سرمایه‌گذاری شده است. در دانشگاه، در دبیرستان، دولت برای او خرج می‌کند تا یک نیروی مؤثر در جامعه بشود. نیمی از افراد در دبیرستان و در دانشگاه‌ها و مراکز تحصیلی زنان هستند و واقعاً باید ضمن آموزش‌های لازم آن‌ها را علاقه‌مند به کار کنیم. مثلاً بگوییم شش، هفت ماه و یا یک سال حتماً بروند در یک کارخانه کار کنند. وقتی که به کارخانه بروند مقداری به حرکت می‌افتند و این حرکت و جوهر کار از جوانی به تنشان می‌رود. من وقتی که در وزارت صنایع کار می‌کردم، تحصیل هم می‌کردم بعد کارآموزی هم می‌رفتم. در دوره‌ی فوق‌لیسانس، چه در دانشگاه تهران و چه در خارج از کشور در کارخانه کار می‌کردم. خود این محیط کارخانه برای انسان‌ها سازنده است تا بنشیند مثلاً در مدرسه پشت میز و... این خیلی اهمیت دارد. دولت هم باید یک تشکیلی‌هایی ایجاد بکند که درواقع به زنان این بهاء را بدهد و تشویق کند. هرکسی در حرفه‌ی خودش بتواند کارآموزی کند. مثلاً فرض کنید که یک زنی متالورژی خوانده، می‌تواند بیاید در این صنعت یک کاری را شروع کند. زنی تغذیه خوانده می‌تواند بیاید در کار صنعت غذایی. اگر واقعا زنان را تشویق کنند، اصلاً در کار جنسیت مطرح نیست.

الان من هفته‌ای یک روز می‌روم قزوین؛ هفته‌ای یک بار می‌روم شیراز و برمی‌گردم و می‌آیم. هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد. کارم انجام می‌شود و پیش می‌رود. کار در وجود من است و من به کار کردن عادت کرده‌ام. الان هم اگر دولت بیاید و یک سری آموزش‌های لازم را



● از قدیم گفته‌اند در یک کارخانه که بسته می‌شود در دو زندان باز می‌شود.

بدهد و یک سری تسهیلات فراهم کند مثلاً ابتدا بخشی از بودجه را به یک سرمایه‌گذاری اختصاص بدهد و بگوید مثلاً به زمانی که این تجربه را دارند و این تخصص را دارند سرمایه‌ای می‌دهم و کمکی می‌کنم، خودشان هم سرمایه‌ای بگذارند و به صورت تعاونی شروع به کار کنند، این حمایت در خانواده‌ها خیلی تأثیر می‌گذارد، صاحب‌های که من در زن‌روز چند سال پیش داشتم موجب تماس چند زن متخصص شد که الان سه چهار مورد آن زنان با مشورت من کارخانه زده‌اند. آن‌ها می‌خواستند بدانند که چه‌گونه می‌توانند به کار تولید بپردازند و موفق هم شده‌اند. باید زمینه‌ی ذهنی زنان را به سمت کار تولیدی توجه داد.

نکنه‌ای را بگویم که در این‌جا ضرورت دارد. برای کار تولیدی، دو نوع انگیزه برای افراد وجود دارد. یکی اعتقادی است که انسان دلش می‌خواهد خدمتی به جامعه بکند. من بازنشسته مجدداً ۱۸ سال است که کار می‌کنم. چرا در این سن هنوز کار می‌کنم؟ چون با بودجه‌ی این مملکت درس خوانده‌ام، تخصص و تجربه دارم و حیف است که در خانه بنشینم. هم خودم کار می‌کنم و هم برای جوانان کشورم اشتغال ایجاد می‌کنم. - عبادت به جز خدمت خلق نیست - ضمناً علاقه هم به کارم دارم و نمی‌توانم کار نکنم.

- شما از مشکلات صنایع گفتید و این که فرقی بین زنان و مردان صاحب صنعت نیست. بسیار خوب، ولی زنان ما به دلیل دور بودن از

مسائل اقتصادی و نهشتن سرمایه برای حضور در صحنه اقتصادی از ابتدایی ترین ابزار یعنی سرمایه محروم هستند. آیا شما برای این مشکل مضاعف زنان طرح و برنامه‌ای در طول دوران کارشناسی تان ارائه کرده‌اید؟

- من گرفتار کلی صنعت هستم و در حقیقت وقت اضافی برای این کار ندارم ولی تاکنون از من نخواستند که طرح و برنامه‌ای بهم من تمام تلاشم این بوده است که کارخانه را سرافراز کنم از مشوک و بسیاران و قطعنامه و همه‌ی این‌ها گذشتم. مرا به عنوان مدیر نمونه انتخاب کرده‌اند ولی هیچ وقت از من نخواستند که طرحی ارائه بدهم ولی اگر بخواهند من حاضرم. پیشنهاد می‌کنم به عنوان نمونه زنان جرات کنند و سرمایه‌گذاری کنند در همین بخش ساختمان‌سازی. موفق می‌شوند گرچه طبیعت کار مردانه است. طبیعت صنعت هم از اول مردانه بوده است ولی من موفق شده‌ام. من قبل از آن که کارخانه دار بشوم واردات می‌کردم، واردات لاستیک، موتورسیکلت، لاستیک دوچرخه، دستکش خانگی و... مرکز تهیه و توزیع مواد شیمیایی می‌آورد و به من می‌داد یا ده درصد بعداً دیدم توانایی تولید دارم. کارخانه زخم این چند سال اخیر یک مقداری تورم و بحران صنایع را با مشکل مواجه کرده است ولی ما ایستاده‌ایم.

ما واحدی هستیم که از طرف اندازه‌ی بهداری کنترل می‌شویم. در این جا ظرف‌های تفلون تهیه می‌شود. مواد ظروف را از خارج با اجازه‌ی وزارت بهداری و زیر کنترل آن‌ها می‌آوریم. تمام مراحل را در کارخانه چک می‌کنند اگر بگذرانند ایراد داشته باشد، نمی‌گذارند بروند بیرون و دوباره به می‌کنند. ما صادرات داریم و باید استاندارد رعایت شود.

- رقابت هم پیش‌تر شده است؟

- بله، هر کشوری مثل فرانسه، یا مثل هندوستان شاید دو تا کارخانه‌ی ساخت ظروف تفلون دارند ولی ما ۲۰ کارخانه‌ی اسم و رسم‌دار داریم یعنی پروانه دارند. تعدادی هم زیرزمینی کار می‌کنند که با ما رقابت می‌کنند. البته تفلون خوب نمی‌زنند. شناخت تفلون خوب مثل انتخاب روغن مرغوب است. اما برگردیم به مسئله زنان. بی‌کاری برای یک زن خیلی بد است. مگر یک غذا پختن چه قدر وقت می‌گیرد؟ یا کارهای دیگر خانه. زنان نباید وقتشان تلف شود. زنان می‌توانند برنامه‌ی بگذارند که در واقع از این همه انرژی‌شان استفاده شود. تلف شدن انرژی آن‌ها ثمره‌ی خوبی ندارد. صحبت با تلفن و... زنان از این سخنان من ناراحت نشوند. وقتی یک نفر قرار باشد کار کند و چهار نفر (حداقل خانواده‌های ما چهار نفرند)، مصرف کننده باشند، اثر روانی روی بقیه‌ی مسائل می‌گذارد یعنی به خودی خود درگیری‌هایی در خانواده ایجاد می‌شود بچه تقاضایی دارد که پدر و مادر نمی‌توانند برآورده کنند خانم بهتر است که اشتغال داشته باشد، حالا اشتغالش می‌تواند در صنعت باشد می‌تواند در خدمات باشد، بستگی به ذوقی که زن دارد می‌تواند

آیا چک‌ها را به دادگاه می‌برند حکم می‌گیرند و چون نتوانسته‌اید مالیات را پرداخت کنید، اموالتان توقیف هم می‌شود این چه جور حمایتی است؟

خیاطی کند و...
من فکر می‌کنم ستادی می‌خواهد که مجری این کار باشد و پیگیری کند. یعنی دلسوزانه جلو برود و این خیلی اهمیت دارد. الان می‌توانیم از نیروی زنان استفاده‌ی خوبی کنیم. بچه نیز وقتی می‌بیند مادرش مهرنگ گشنگی تنها نیست و تلاش می‌کند. در روحیه‌ی او هم تاثیر دارد. او با خودش فکر می‌کند باید از این موقعیت استفاده‌ی مطلوب را بکند نه این که فقط خرج کند.

- اگر بخواهیم به آینده بیندیشیم زمان تمام شدن نفت - صادرات تک محصولی - در حال سوختن شدن است و مادران باید با احسان مسئولیت بیش‌تری به آینده‌ی فرزندان‌شان نگاه کنند حفظ سرزمین و نسل آینده در گرو همکاری همگانی و برنامه‌ریزی است.

- همه دارند از صادرات غیرنفتی می‌گویند اگر ما بخواهیم صادرات غیرنفتی را گسترش بدهیم باید در همه‌ی زمینه‌ها کار کنیم الان صنایع دستی ما در بازارهای دنیا خریداران فراوانی دارد. زنان ما می‌توانند در خانه این کار را انجام دهند. فقط سازمانی می‌خواهد که این کار را ارگانیزه کند یعنی برنامه‌ریزی کند. من چندی پیش در یک نمایشگاه بودم. زنی از کردستان عروسک‌هایی درست کرده بود که گیسوی پول بود و دانه‌ای یک دلار می‌فروخت. او در خانه این عروسک‌ها را تولید می‌کرد.

- صحبت‌های شما ما را به سوی تشکیل یک ستاد به همین منظور هدایت می‌کند. چرا کمی برای چنین برنامه‌هایی قدم بر نمی‌دارد و چرا امور زنان خوب پیش نمی‌رود؟

- ببینید، می‌شود چند نفر را بفرستند، پرسشنامه پر کنند که زنان به چه نوع کاری علاقه دارید، چه مقداری می‌توانید سرمایه‌گذاری کنید، یا از خویشان شما چه کسی سرمایه‌گذاری می‌تواند بکند. فکر می‌کنم شاید ۵۰ درصد زنان ما حداقل یک سرمایه‌ای حدود دو یا سه میلیون تومان دارند. همین طلاهای موجودشان را بررسی کنید. این یک سرمایه‌ی راكد است. یعنی در واقع پول از گردش خارج شده است. اگر جایی باشد که زنان بتوانند بهر حال اگر سه میلیونی بگذارند در مقابل استفاده‌ی می‌برند و خودشان هم مشغول می‌شوند، استفاده می‌کنند و این خیلی مهم است. این برنامه‌ها هدایت می‌خواهد. الان ببینید نسل جوان ما بی‌کار است. این حرکت موجب اشتغال می‌شود. مادر بچهاش را سر کار می‌برد، برادرش را می‌برد، خواهرش را می‌برد. معضل بی‌کاری هم کلی حل می‌شود. توجه

کردید؟ ممکن است برخی بگویند این‌ها هم حرف می‌زنند. ولی من با دست خالی آمدم و شروع کردم بعد هم خانواده‌ام آمد و شریک هم گرفتم و...

- آیا شما حاضرید به زنان در این زمینه مشاوره بدهید؟

- بله وظیفه‌ام است. ما وظیفه داریم به مملکتان خدمت کنیم. الان مشکل صادرات داریم. اگر زنانی باشند که به این کار علاقه داشته باشند چه اشکالی دارد. ما آن‌ها را راهنمایی می‌کنیم.

همه چیز را نباید روی دوش دولت بیندازیم و بگوییم دولت. گرچه من الان خودم دارم می‌گویم که دولت به من کمک نمی‌کند ولی دولت هم می‌گوید شما دیگر ۱۵ سال است که کارخانه‌دار هستی و باید بتوانی خودت را بچرخانی.

- اگر مطلبی را قابل ذکر می‌دانید، بفرمایید.

- دولت باید یک سری باز سنگین عوارض را از دوش بخش صنعت بردارد. جریمه‌ها را بردارد و با نپرداختن یک چک مالیاتی برای کارخانه‌دار زندان و توقیف اموال و ممنوع‌الخروج بودن ایجاد نکند.

نباید با صاحب صنعت قدیمی این‌طور عمل کرد. مثلاً تلفن همراه صاحب صنعت را به خاطر بدهی مالیاتی می‌گیرند. این آبرو برای کارخانه‌دار نمی‌گذارد. باید یکسری تسهیلات به صاحبان صنعت بدهند بخشش نکنند. تسهیلات طولانی مدت بدهند تا مقداری این صنعت راه بیفتد. این صنعت باید ادامه داشته باشد که بی‌کلری نباشد و اشتغال باشد و بتوانیم صادرات کنیم و خدمتی کرده باشیم.

در مورد زنان گرچه نیرویمان ۵۰ به ۵۰ است ولی تعداد زنان در بخش‌های مدیریت و صنعت کم است. وزارت صنایع چندتا مدیر زن دارد شاید ۲۰ تا، ۳۰ تا. یک مدیرکل زن دارد. یا در وزارت کشاورزی یا وزارت بهداشت؟ زنان پزشک زیاد است. زنان مهندس، زنان باصلاحیت و باتجربه داریم ولی از آن‌ها کم استفاده می‌شود. باید با آموزش‌هایی یک بخشی را ایجاد کنند که اختصاص به سرمایه‌گذاری زنان در زمینه صنعت یا در زمینه صادرات داشته باشد. مثلاً زنانی که زنان می‌دانند خوب می‌توانند کار صادرات کنند. کار صادرات خیلی خوب است. من اگر درگیر این کار صنعت نبودم کلاً می‌رفتم برای صادرات. باور کنید اگر کالای خوب ارائه کنید همه‌جا از شما خریداری می‌کنند. الان کارخانه ما سفارش از سوئد دارد ولی به دلیل کمبود نقدینگی و طولانی شدن مدت بازپرداخت، بازار آن‌جا را هم از دست می‌دهد. اگر می‌خواهند صادرات شود، اگر می‌خواهند زنان وارد بازار کار شوند، باید به آن‌ها تسهیلات بدهند. زنان باید به جلو حرکت کنند. کار کنند، تلاش کنند، توکل به خدا داشته باشند و از دولت هم بخواهند. زنانی که خیلی به هم نزدیک هستند، فامیل، دوست و همکلاسی هستند بیایند یک گروه کاری شوند و از وزارت تعاون هم کمک بگیرند. به‌خصوص در صنایع دستی و صنایع غذایی و کارهای دیگر... من مطمئن هستم که موفق می‌شوند...
- با تشکر از شما.

نقش ماما

تأمین سلامت زنان



● مهم ترین علت مرگ مادران در نتیجه خونریزی، عفونت، فشار خون بالا، زایمان طولانی مدت، سقطهای غیربهداشتی و ناخواسته و بیماری های تشدید شده مادر در هنگام بارداری است.

با وجود سهم چشمگیر زنان در توسعه انسانی و اقتصادی، حیات آنان همچنان بیهوده تلف می شود. بسیاری از زنان در فرآیند بخشیدن حیات، زندگی خود را از دست می دهند.

عوارض بارداری و زایمان هرساله باعث مرگ بیش از ۵۰۰۰۰۰ زن می شود که بیش تر آن ها در کشورهای در حال توسعه رخ می دهد. بنابراین کاهش مرگ و میر و عوارض مادر و کودک از اهمیت خاصی برخوردار است و در این راه ماماها و ارائه خدمات مطلوب مامایی کلید اصلی تأمین سلامت مادران و زنان جامعه به شمار می رود.

بارداری و زایمان وقایع ویژه زندگی زنان و در واقع زندگی خانواده های آنان است و اگرچه بارداری بیماری نیست و یک پدیده طبیعی به حساب می آید ولی می تواند با خطراتی برای سلامت و زندگی زن و کودکی که در رحم دارد همراه شود. این خطرات در هر جامعه ای به تناسب وجود دارد ولی در کشورهای در حال توسعه شرایط به مراتب خطرناک تر است به طوری که در جهان هرساله ۶۰۰۰۰۰ - ۵۰۰۰۰۰ زن هنگام بارداری و یا زایمان جان خود را از دست می دهند. حدود یک درصد این مرگ ها در کشورهای پیشرفته اتفاق می افتد در حالی که ۹۹ درصد بقیه در کشورهای در حال توسعه رخ می دهد. همچنین بیش از چهار میلیون نوزاد هرساله می میرند که بیش ترین علق مرگ آن ها در نتیجه مراقبت های ضعیف دوران بارداری و زایمان است و میلیون ها زن و کودک نیز از عوارض مرتبط به بارداری در طول زندگی رنج می برند. از آنجایی که هرساله بیش از ۱۵۰ میلیون بارداری در کشورهای در حال توسعه داریم، اهمیت میزان مرگ و میر و عوارض مادری و جنینی بیش تر مشخص می شود. بنابراین سازمان بهداشت جهانی از طریق برنامه های سلامت مادران سعی در کاهش مرگ و میر و عوارض مادری و نوزادی تا سال ۲۰۰۵ را دارد.

اهداف و برنامه های تأمین سلامت مادر و کودک فعالیت های سازمان بهداشت جهانی جهت تأمین سلامت مادر و کودک در چهار محدوده است: ۱. همکاری های تکنیکی بنا کشورها در برنامه ریزی، مدیریت و ارزیابی برنامه های ملی و مراقبت نوزاد و ... ۲. تحقیقات اپیدمیولوژیکی در مورد سطوح و علل مرگ و میر مادری و نوزادی و تحقیقات روی راه های کاهش مرگ و میر عوارض. ۳. تقویت منابع انسانی برای مراقبت های ضروری مامایی شامل توسعه استاندارد درمائی و برنامه های مدیریتی، راهنمای برنامه ریزی و مواد آموزشی. ۴. جمع آوری، آنالیز و ... اطلاعات به منظور فراهم کردن اطلاعات علمی دقیق. مهم ترین علل مرگ مادران در نتیجه خونریزی، عفونت، فشار خون بالا، زایمان طولانی مدت،

سقط های غیربهداشتی و ناخواسته و بیماری های تشدید شده مادر در حین بارداری است که بیش تر آن ها قابل پیشگیری و درمان هستند. در این راستا اهداف سازمان بهداشت جهانی برای حفظ سلامت مادر و جنین و نوزاد از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰ به شرح زیر است: ۱. کاهش مرگ و میر مادران به نصف و کاهش قابل توجه عوارض (موربیدیتی) مادران. ۲. کاهش مرگ جنین و نوزاد به میزان ۴۰-۳۰ درصد و اصلاح وضعیت بهداشت نوزادان. برای رسیدن به اهداف فوق و حفظ سلامت مادر و کودک فعالیت به روی سه سطح از ضروریات است: ۱. کاهش تعداد بارداری های پرخطر و بارداری های ناخواسته

دانش ماما

● دانش مامایی می‌کوشد تا مقدر مرگ و میر نوزادان و مادرانی را که در اثر عوارض بارداری به وجود می‌آید به حداقل ممکن کاهش دهد.

عمر بشر دارد که در طول تاریخ مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. علم مامایی شاخه‌ای از پزشکی است که با زایمان و پیامدهای آن سروکار دارد. علم مامایی در ایران به زمان‌های پیش از اسلام برمی‌گردد و پس از اسلام نیز در کتاب‌های دانشمندان به مطالب متعددی در این زمینه برمی‌خوریم.

در اروپا نیز پس از رنسانس عصر جدیدی از شکوفایی علمی و نیز مامایی آغاز شد. در آلمان، انگلستان، فرانسه و دانشمندان زیادی برای ایجاد مدارس مامایی، ابزار و تجهیزات مامایی، کشف آنتی‌بیوتیک‌ها و... پیشرفت و توسعه روزافزون این علم را سبب شد.

واژه ماما "Midwife" اولین بار در سال ۱۳۰۲ و مامایی "Midwifery" در سال ۱۳۸۲ صورت گرفته و واقع شد و تا اواخر قرن ۱۹ در ایالات متحده آمریکا و انگلستان به جای واژه "Obstetrics" به کار می‌رفته است. در انگلیس امروزی این دو واژه به صورت مترادف به کار می‌روند.

هدف نهایی مامایی آن است که هر بارداری به خواست زوجین تحقق پذیرد و در نهایت مادر و فرزند سالم داشته باشند. علم مامایی می‌کوشد تا تعداد مرگ و میر نوزادان و مادرانی را که در اثر عوارض بارداری حاد می‌شود به حداقل ممکن کاهش دهد.

همچنین علم مامایی با تنظیم تعداد فرزندان و فواصل سنی آن‌ها در رابطه بوده به نحوی که هم مادر و هم فرزندان و در واقع تمامی اعضا خانواده از حداکثر سلامت روح و جان برخوردار می‌شوند و در نهایت علم مامایی می‌کوشد تا عوامل اجتماعی را که در کنار آبی تولید مثل اختلال حاصل می‌کنند مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و روی آن‌ها تأثیر بگذارد.

تعریف "ماما" به عنوان ساده‌ترین تعریف از "ماما" می‌توان گفت که ماما شخصی است که "همراه زن" یا "با زن" می‌باشد. همراه زن یعنی با او در حین اتفاقاتی مرتبط با زاد و ولد، قبل از بارداری، هنگام زایمان و دوران پس از آن. یک ماما ممکن است مرد یا زن باشد. تعریفی که سازمان بهداشت جهانی (WHO)، فدراسیون بین‌المللی زنان و مامایی (FIGO) و کنفدراسیون بین‌المللی ماماها (ICM) در سال ۱۹۹۲ از "ماما" ارائه نموده‌اند به شرح ذیل است:

"ماما" به شخصی اطلاق می‌شود که تحصیلات مامایی را برابر مقررات در مراکز آموزشی داخلی و خارجی به پایان رسانیده و موفق به اخذ پروانه رسمی مامایی از مقامات صلاحیت‌دار مربوطه شده باشد. او باید قادر به نظارت، مراقبت و توصیه به زنان در طی دوران بارداری، زایمان و دوره‌ی بعد از زایمان، هدایت زایمان‌ها به مسئولیت خود و مراقبت از نوزاد و شیرخوار باشد.

۲. کاهش تعداد مشکلات و عوارض مامایی
۳. کاهش مرگ و میر در اثر مشکلات مامایی
بسیاری تأمین اهداف فوق و اجرای برنامه (safemotherhood) توجه به موارد زیر ضروری است:

- ۱. تنظیم خانواده
 - ۲. مراقبت دوران بارداری
 - ۳. انجام زایمان بهداشتی سالم و ایمن
 - ۴. مراقبت‌های ویژه مامایی
- و نیز توجه به نکات ذیل لازم به نظر می‌رسد:
- عدالت برای زنان
 - مملکت‌کلید تأمین سلامت
 - مراقبت‌های بهداشتی اولیه
 - مراقبت‌های مادری ضروری

نقش ماما در اجرای برنامه سلامت مادران
با توجه به مطالب فوق سازمان بهداشت جهانی به ایجاد تغییرات در نقش و فعالیت ماما به عنوان کلید تأمین سلامت زنان تأکید دارد. طبق نظر سازمان بهداشت جهانی تغییرات زیر در نقش ماما ضروری است:

- ۱. نقش آموزش ماما در آمادگی سایر پرسنل.
- ۲. آموزش ماما در مواجهه با پنج علت مهم مرگ و میر مادر و اتخاذ روش‌های مناسب مثل:
 - الف - خسروچ جفت، یا محصولات بارداری یا دست (جلوگیری از خونریزی).
 - ب - تسجوز و استفاده به موقع از آنتی‌بیوتیک‌ها (جلوگیری از عفونت).
 - ج - جایگزینی حجم خون از دست رفته با مایعات مناسب.

- د - تجویز داروهای داخل وریدی مورد لزوم.
 - ه - کنترل و درمان پره‌اکلامیسی شدید و اکلامیسی.
 - ۳. آگاهی از اطلاعات جدید.
 - ۴. آموزش و مشاوره به خانواده‌ها.
 - ۵. فرد مورد اعتماد جهت مراقبت از زنان (به خصوص در مناطقی که پزشک وجود ندارد) نقش ماما اهمیت بیش تری پیدا می‌کند.
- مامایی چیست؟ ماما کیست؟**
به جرأت می‌توان گفت مامایی اولین و

قدیمی‌ترین حرفه‌ی پزشکی است و عمری به درازایی

این مراقبت شامل پیشگیری، کشف حالت‌های غیرطبیعی در مادر و کودک، فراهم ساختن، کمک‌های پزشکی و اجرای اقدام‌های اورژانس در نبود کمک پزشکی است.

او وظیفه‌ی مهمی در مشاوره، آموزش بهداشت نه تنها برای زنان بلکه برای خانواده و جامعه دارد. کار ماما باید شامل آموزش دوران بارداری، آماده کردن والدین برای پذیرش وظایف پدری و مادری بوده و به بعضی از موارد بیماری‌های زنان، تنظیم خانواده و مراقبت‌های کودک گسترش یابد. او می‌تواند در بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، واحدهای بهداشتی یا خانه‌ها (مشاوره ملامایی-زایمان در منزل) یا هر شکل دیگری از ارائه خدمات کار کند.

ماماها چه گونه می‌توانند خدمات بهتری را به زنان ارائه دهند؟

ماما با استفاده از مهارت‌های زیر می‌تواند به ارائه خدمات بپردازد:

- اطلاعات و آگاهی - مدافعه و مراقبت - حمایت
- تحقیق - سازماندهی - آموزش - نظارت - بسیج جامعه - مشاوره

ماماها که در جوامع زندگی می‌کنند و به تسهیلات ارجاعی نیز مرتبط می‌باشند کلید تأمین سلامت دوره مادری و بهداشت دوره باروری هستند.

- ۱. آن‌ها به موارد زیر نیاز دارند:
 - مهارت‌های اخلاقی (بجای زندگی)
 - حمایت‌های قانونی

- وسایل و منابع مناسب
- ۲. وسایل مورد نیاز برای آموزش سایر مراقبین بهداشتی (در زمینه وظایف مرتبط با مراقبت‌های مامایی)

سازمان بهداشت جهانی کیفیت مراقبت‌های مامایی را از دل‌های زیر حمایت می‌کند:

- ۱. دستورالعمل آموزش مامایی (تهیه شده توسط WHO)
- ۲. پارتوگراف (نمودار زایمانی)
- ۳. ثبت گزارش‌های مادران در منزل
- ۴. راهنماهای عملی

مشارکت‌ها:

- سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی
- مراکز همکاری
- تحقیق، حمایت، اطلاعات
- توسعه منابع انسانی

بنابراین ماماها می‌توانند در سه سطح از سیستم مراقبت‌های بهداشتی نقش خود را ایفا کنند:

- ۱. در سطح خانواده و جامعه (مشاوره و آموزش دادن به افراد جامعه، آموزش گروه‌های داوطلب، نظارت بر ارائه خدمات و سازماندهی گروه‌های بهداشتی)

سرطان و جراحی

برگردان: کیانوش مصباح



● ثابت شده است که ماستکتومی یکی از معهود راه‌های مؤثر برای معالجه‌ی سرطان سینه است.

● در ایران چون سیستم ثبت موارد ابتلا به سرطان را نداریم، نمی‌توانیم آمار دقیقی بدهیم.

● شیوع سرطان سینه در ایران بین سنین ۴۹-۴۰ سالگی است ولی این میزان در غرب بین سنین ۶۰-۵۰ سالگی است.

ممکن است هرکس به سرطان سینه دچار شود. در این صورت پزشک توصیه به برداشتن تمام یا قسمتی از یک یا دو سینه می‌کند.

اگر شما به عنوان بیمار مانند دیگران زن‌ها باشید ممکن است نگرانی‌هایی برای این عمل داشته باشید. زیرا هر عمل جراحی خواه ناخواه ایجاد نگرانی می‌کند ولی عمل برداشتن سینه نگرانی‌ها و دغدغه‌های خاص خود را داراست.

از خود می‌پرسید بعد از جراحی بدون سینه‌ها چه احساسی خواهم داشت؟ چگونگی به نظر خواهم رسید؟ دیگران چه فکری می‌کنند؟ تمام این افکار طبیعی است. امسال بیش‌تر از صد هزار نفر در آمریکا به عمل برداشتن سینه اقدام کردند. همه آن‌ها نگران تأثیر این جراحی بر زندگی خود بودند.

در طی سال‌ها ثابت شده است که ماستکتومی (برداشتن سینه و یا قسمتی از آن) یکی از معهود راه‌های مؤثر برای معالجه‌ی سرطان سینه است.

گرچه عمل جراحی سینه و بهبودی بعد از آن ممکن است سبب شود تا شکل عادی زندگی شما تا مدتی عوض شود ولی این تغییر همیشگی نیست و شما می‌توانید چون گذشته کار کنید، ورزش کنید، نقاشی کنید یا ساعتی را با دوستان خود بگذرانید درست مانند دیگران.

چه زمانی جراحی توصیه می‌شود؟

حتماً می‌دانید که جراحی یکی از مؤثرترین راه‌های درمان سرطان سینه است. شما می‌توانید قبل از عمل جراحی در باره‌ی این موضوع با پزشک خود صحبت کنید که در این عمل جراحی چقدر از سینه شما برداشته می‌شود.

خطرات و عوارض جانبی عمل

آیا می‌توانید نتایج مشابه عمل را با درمان دیگر یا بدون عمل جراحی به دست آورید.

دیگر درمان‌ها چگونه است؟ چه نتایج و خطراتی دارند؟ بعد از عمل چه احساسی خواهم داشت و چگونه به نظر خواهم رسید؟

پزشک می‌تواند با پاسخ به این پرسش‌ها نگرانی شما را به حداقل برساند.

انواع عمل جراحی

نزدیک به ۱۵ سال بود که پزشکان معتقد به برداشتن تمام سینه بودند که شامل تمام بافت سینه، عضله زیر سینه و تمام غده‌های لنفاوی زیر بغل بود.

بیماری از زنان از معالجه، بیش‌تر از خود بیماری وحشت داشتند. ولی اکنون با توجه به شکل و گسترش بیماری هر شخص جراحی‌های متفاوتی انجام می‌شود. در بعضی از اعمال جراحی فقط توده سرطانی برداشته

می‌شود. در بعضی اعمال جراحی توده سرطانی همراه بافت‌های سالم اطراف آن و هم‌چنین تکه باریکی از پوست عضله زیر سینه در زیر تومور برداشته می‌شود. بعضی از جراحان ترجیح می‌دهند که تمام یا قسمتی از گره‌های لنفاوی را خارج کنند تا از گسترش سرطان جلوگیری شود.

بعد از جراحی

بهرتر است بعد از عمل جراحی از پزشک خویش این سؤال‌ها را پرسید:

- چه زمانی من به زندگی طبیعی گذشته‌ام برخواهم گشت؟

- برای این که از سیر بهبودی خود مطمئن باشم چه باید بکنم؟

- چه مشکلات و مسائلی را باید برای شما بگویم؟

- چه ورزش‌هایی باید انجام دهم؟

- چند وقت یکبار برای آزمایش به شما به عنوان پزشک مراجعه کنم؟

تمرین‌های ورزشی بعد از عمل

تمرین‌های ورزشی بعد از عمل می‌تواند بهبودی شما را سرعت ببخشد و سختی و سستی بازو و شانه‌هایتان را به حداقل برساند.

ممکن است قادر باشید حتی فقط چند روز بعد از عمل جراحی این حرکات ورزشی را انجام دهید:

بازگشت به کار

پزشک، پرستار و فیزیوتراپ می‌تواند به شما کمک کند. ولی نکته‌ای که باید به آن خیلی توجه کنید این است که به خودتان فشار نیاورید.

○ روی تخت دراز بکشید. دست‌های خود را بالا و عقب ببرید و سعی کنید لیهی تخت را بگیرید.

○ شانه‌های خود را بالا ببرید و آن‌ها را جلو، پایین، عقب و در یک دایره حرکت دهید تا شانه‌ها، سینه و عضلات قسمت فوقانی پشت شما آزاد شوند.

○ همان‌طور که در تخت خوابیده‌اید دست‌هایتان را در پشت سر به هم قفل کنید و با آرنجتان به بالش فشار دهید.

○ همان‌طور که بازویتان را بالا برده‌اید دست خود را مشت کنید و باز کنید. به علاوه‌ی این نرمش‌ها، باله، شنا و بدن‌سازی به این زنان توصیه می‌شود.

مشکلی که برای بسیاری از زنان بعد از برداشتن غدد لنفاوی زیر بغل به وجود می‌آید، آماس بازوهاست که به آن لنفوادم می‌گویند.

علت آن برداشته شدن غدد لنفاوی است که حرکت مایع لنفاوی به کندی انجام می‌گیرد. با برداشته شدن غدد لنفاوی زیر بغل احتمال بروز عفونت بالا خواهد رفت، باید تدابیری اتخاذ شود که از عفونت پیشگیری به عمل آید.

- مواظب سوختگی در هنگام آشپزی و سیگار کشیدن باشید.

- مواظب باشید تا دچار آفتاب سوختگی نشوید.

- تزریق واکسن، آزمایش خون و گرفتن فشار خون از بازوی دیگر انجام دهید.

- در هنگام تراشیدن زیر بغل از وسایل برقی استفاده کنید.

- کیف و هر چیز دیگر را با دست دیگر حمل کنید.

- در صورتی که دستتان برید آن را با محلول میکروبی‌کش بشویید و با استفاده از گاز استریل پانسمان کنید و مواظب باشید که عفونت نکند.

- از جواهرات و ساعتی استفاده کنید که سفت به دستتان نباشد.

- برای شستشو، باغبانی و... از دستکش استفاده کنید.

- در برابر نیش حشرات خود را مصون سازید.

- در هنگام خیاطی از انگشترانه استفاده کنید.

از شاخی شدن پوست دستتان و کندن آن خودداری کنید. استفاده از کرم بسیار مفید است. در صورتی که بازویتان قرمز و متورم بود و در آن احساس گرما کردید به پزشک مراجعه کنید و تا آمدن پزشک بازویتان را بالا بگیرید و مشتتان را باز و بسته کنید.

از همه مهم‌تر این که به اندازه‌ی نیاز، از بازویتان کار بکشید و نگذارید بی‌حرکت بماند.

وقتی محرز شد که شما سرطان دارید شاید بازگشت به شغل‌تان برای شما یکی از دغدغه‌های مهم باشد. ولی بدانید بیش‌تر مردم به شغل سابق خود بعد از معالجه و یا در طول درمان باز خواهند گشت. در واقع بازگشت به کار بعد از تشخیص بیماری به خصوص سرطان می‌تواند بسیار مفید باشد. مثلاً به شما کمک خواهد کرد تا بیش‌تر از گذشته احساس کنید که در اختیار خودتان هستید و ارتباط با مردم را برای شما میسر می‌سازد. وقت، انگیزه و ذهن شما را پر می‌کند تا کم‌تر به بیماری خود فکر کنید.

برای بیش‌تر مردم، شغل بخش سالم زندگی است. حتی بازگشت به کار نیمه‌وقت احساس این که سالم هستید را بیش‌تر به شما القا خواهد کرد. هم‌چنین کار دوباره شما را از نظر مالی تأمین می‌کند تا بهتر به معالجه‌ی بیماری خود بپردازید. البته ممکن است در سر راه بازگشت شما به کار و موقعیت شما در محل کارتان موانعی وجود داشته باشد ولی باید خود را برای مقابله با آن آماده کنید.

اولین پرسشی که باید از خودتان پرسید این است: آیا به اندازه‌ی کافی برای بازگشت به کار بهبودی به دست آورده‌ام؟

بهبودی بیماری سرطان به میزان زیاد بستگی به عواملی چون:

- چگونگی برخورد روحی و جسمی با بیماری
- منش و شخصیت بیمار
- نوع سرطان و مرحله‌ی بیماری و کیفیت معالجه دارد.

حتماً باید در این باره با پزشک خود مشورت کنید. از رایج‌ترین مشکلات بیمار، خستگی و ضعف است. خستگی و فرسودگی می‌تواند به عوامل زیادی بستگی داشته باشد. یکی از آن‌ها کم‌اشتهایی است که سبب سوءتغذیه و ضعف ناشی از آن می‌شود.

کم‌خونی، فقدان تمرینات ورزشی، افسردگی، کم‌خوابی از علتهای دیگر ضعف به‌شمار می‌رود. ضعف و احساس خستگی ممکن است هفته‌ها و ماه‌ها بعد از معالجه هم باقی بماند. ولی با راهکارهای مناسب می‌توان مشکل را به حداقل رساند.

این راه‌ها شامل برنامه‌ریزی برای انجام فعالیت‌ها و تمرینات آرام است که می‌تواند نشانه‌های ضعف ناشی از بیماری و یا عوارض جانبی درمان را کاهش دهد. برنامه‌ریزی برای فعالیت‌هایی چون گوش کردن موزیک، مدی‌تیشن، بازگشت به طبیعت بسیار سودمند است.

اگر در طی مدت معالجه، شدت ضعف به حدی است که می‌تواند در محیط کار برای شما ایجاد مشکل کند می‌توانید با مسئول قسمت خود درباره‌ی تقلیل

ساعات کار صحبت کنید یا از وی بخواهید به نوعی با شما همکاری کند. مثلاً کارتان را در خانه انجام دهید و یا از حجم کار شما کاسته شود و یا از وی بخواهید با دادن مرخصی‌های ساعتی شما را یاری کند.

چگونه؟

قبل از بازگشت به کار تمام وقت، نیاز دارید تا با مسئول قسمت خود صحبت کنید و آگاه شوید باید از وی انتظار چه نوع همکاری داشته باشید. ولی قبل از آن به این موضوعات جواب قاطع دهید:

باید تصمیم بگیرید که آیا همکارانتان از بیماری شما بدانند یا خیر.

اگر بدانند بهتر است یا نه و یا کدام‌یک از آنان باید درباره‌ی بیماری شما بدانند و چقدر؟

برخورد همکاران با شما

شما باید خود را برای برخوردهای متفاوتی در محیط کار آماده کنید. بسیاری از همکاران ممکن است سوال‌ها و نگرانی‌های خود را با شما مطرح کنند.

بعضی از همکارانتان خود را به تهاجم می‌زنند و در مقابل، بعضی دیگر بسیار کنجکاو هستند. حتی ممکن است بعضی از همکاران سرطان را بیماری مسری بدانند و از شما اجتناب کنند.

باید در ذهن خود در برابر رفتار دیگران خط‌مشی خاصی را تعیین کنید. ولی هر رفتاری که می‌کنید شوخی و مزاح را نادیده نگیرید زیرا بسیار سودمند است. فراموش نکنید روحیه شما می‌تواند برای دیگران هم راهگشا و راهنما باشد.

تغییر خلق و خو

بعضی روزها شما افسرده و یا عصبانی هستید. قدم بزنید، مدی‌تیشن کنید و به همکارانتان از تغییر خلق و خوی خود بگویید. در این صورت آن‌ها دلیل رفتار شما را می‌دانند و می‌توانند شما را در زمان بحران یاری کنند.

برنامه‌ریزی برای درمان

به مسئول قسمت خود برنامه درمانی خود را نشان دهید و با همکاری و همفکری وی یک برنامه‌ریزی برای درمان داشته باشید تا هم به کارتان لطمه کم‌تری وارد شود و هم برنامه درمانی به بهترین وجهی تداوم یابد. بعضی از زنان برنامه درمان خود را پنج‌شنبه بعدازظهر و یا چهارشنبه بعدازظهر می‌گذارند تا تعطیلات آخر هفته را به استراحت و تجدید قوا بگذرانند.

تغییر شغل بعد از بیماری

اگر تصمیم به تغییر شغل خود گرفته‌اید باید ابتدا با واقعیات روبه‌رو شوید. فقط شما می‌توانید تصمیم بگیرید که بازگشت به کارتان چه جایی در زندگی شما باز می‌کند. آیا برای پر کردن وقتتان به سر کار

برمی‌گردید؟ اگر تصمیم به ادامه کار گرفته‌اید عالی است. ابتدا توانایی‌هایتان را در نظر بگیرید و برای کارتان برنامه‌ای تنظیم کنید و در باره‌ی آن با پزشکتان مشورت کنید.

منبع: سی‌ان‌ان

گفت‌وگو

دکتر فاطمه خالقی کارشناس مسائل بهداشت عمومی نگاه متفاوتی درباره‌ی بهداشت و بیماری‌های زنان دارد. او عضو یک سازمان غیردولتی (جمعیت زنان مبتلا به سرطان سینه) است که برای پیشگیری از سرطان زنان تلاش می‌کند. در گفت‌وگوی دوستانه‌ای که پیرامون بیماری‌های سرطان، با ایشان داشتیم دید گسترده‌تری از مسائل زنان را پیش روی ماگشود و با تعریف واژه‌ی سلامتی چنین گفت:

- تعریف ارائه شده‌ی سازمان بهداشت جهانی از واژه‌ی سلامتی در واقع تعریف مورد توافق همه‌ی اعضای این سازمان از جمله کشور ما ایران است. این تعریف عبارتند از: رفاه کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و همچنین توانایی برخورداری از یک زندگی مرفه از نظر عاطفی، روحی، اقتصادی و... از این جهت برای رسیدن به این تعریف ناگزیریم مسئله بهداشت زنان را با دیدگاه جنسیتی در برنامه‌ریزی و اجرا در نظر بگیریم. می‌دانیم که باید حیات را در یک چرخه ببینیم و در چرخش آن زنان نقش بسیار حساس و مهمی را ایفا می‌کنند. برای همین است که رسیدگی به مسائل بهداشتی زنان در تمامی مراحل این چرخه از دوران جنینی، نوزادی، کودکی، نوجوانی، جوانی، باروری، یائسگی و پیری را باید با هم دید. به عبارت درست‌تر مفهوم بهداشت باروری بسیار عام‌تر از پرداختن فقط به دوره‌ی باروری زنان است. به همین دلیل ما معتقدیم که برنامه‌ریزی بهداشتی برای زنان باید با دید جنسیتی و مسائل خاص آن‌ها در هر دوره در نظر گرفته شود.

برای مثال زمانی که نوزادی متولد می‌شود، بدون در نظر گرفتن جنسیت وی، به او واکسن می‌زنند، بزرگ می‌شود. به مدرسه می‌رود تا زمان بلوغ بین جنس زن و مرد از نظر بهداشتی هیچ تمایز و تفاوتی وجود ندارد. تا زمانی که نوجوان به سن بلوغ می‌رسد، دوره‌ی بلوغ برای دختران زودتر شروع می‌شود. کشش نسبت به جنس مخالف در این سن برای نوجوان بسیار زیاد است. بلوغ در دختران با مسائل خاص خود، ظاهر می‌شود. از آن‌جا که نوجوانان باید با مسائل بهداشتی دوران بلوغ خود آشنا شوند و همچنین از آن‌جا که دید بهداشتی یک دید جنسیتی نیست، آموزش و پرورش باید با هماهنگی حوزه‌های علمی، برنامه‌های خاص را ارائه دهند که البته تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. آن‌ها می‌توانند برای تغذیه، پشتیبانی روحی و روانی و

پیشگیری از بیماری‌ها در دختران بالغ و نابالغ و همچنین زنان در سن باروری و یائسگی، برنامه‌هایی ارائه داده و آنان را در این زمینه‌ها آموزش دهند، اما تاکنون هیچ برنامه‌ی منسجمی در نظر گرفته نشده است، زیرا یک دید جنسیتی برای تبیین این سیاست‌ها وجود ندارد تا وزارت‌خانه‌ها خود را موظف به برنامه‌ریزی و اجرا بدانند.

اقدامات پراکنده، نمی‌تواند حقوق زنان را در این زمینه به آن‌ها بازگرداند. باید گام‌های بعدی در فرآیند تحقیق، آموزش، برنامه‌ریزی و اجرا برداشته شود ولی متأسفانه تا رسیدن به این مرحله، راهی طولانی در پیش داریم.

به عنوان مثال، شورای تخصصی بهداشت برای برنامه‌ی سوم توسعه، برنامه‌هایی را در نظر گرفته است، ولی حتا نماینده‌ای از مرکز امور مشارکت زنان در این شورا وجود ندارد. مرکز امور مشارکت زنان هم نتوانسته نماینده‌ای به این شورا بفرستد زیرا ساختار آن مردانه است.

ما هنوز نتوانسته‌ایم کاری کنیم تا کلیت بهداشت با دید جنسیتی دیده شود. این مهم اولین قدم است نه این‌که در مرحله‌ی اجرا، در جو بسیار محدود سعی بر جداسازی بیمارستان‌های زنان از مردان کنیم. اگر برنامه‌ریزی بهداشت و درمان را با دید جنسیتی ببینیم، ثمره‌ی آن به تفکیک مناسب و علمی در مرحله‌ی اجرا خواهد رسید. شاید در جواب گفته شود که در بیشتر وزارت‌خانه‌ها و دانشگاه‌ها دفتر امور زنان وجود دارد ولی مثلاً دفتر امور زنان وزارت بهداشت کاری به سیاست‌های بهداشتی ندارد و اصولاً در ساختار، نقشی برایش در نظر گرفته نشده است چون خط‌مشی کلی و سیاست کلی ندارد. در آن ساختار عملیاتی و مردانه، پراکنده کاری‌هایی می‌کند ولی باید ریشه‌های و در سطح کلی و سیاست کلان انجام شود تا مثمر ثمر باشد و علت هم در ماهیت فرابخشی بهداشت زنان است.

مثال دیگری می‌زنم تا اهمیت موضوع بیشتر روشن شود.

برای مثال خشونت بر علیه زنان چه‌قدر به بهداشت باز می‌گردد. برای این مسئله چه باید بکنیم، در چه وزارت‌خانه‌ای می‌گنجد و از وظایف کجاست؟ مسلماً از وظایف وزارت بهداشت هم هست ولی چرا وزارت بهداشت به این مهم کم‌تر می‌پردازد. چون یک دید جنسیتی بر آن حاکم نیست یا این‌که جنین دختر حفاظت ویژه می‌خواهد زیرا حامل بار سلامتی نسل آینده است ولی برای جنین دختر چه کرده‌ایم؟ برای زنان در مقوله بهداشت چه کرده‌ایم که برای جنین دختر بکنیم و یا همه می‌دانیم زنان مقاوم‌ترند و بیشتر تر به سن پیری می‌رسند باید برنامه‌های بهداشت سالمندان با دید جنسیتی قطعاً موفق‌تر خواهند بود. بزرگ‌ساز این واقعیات باید سیاست‌های وزارت بهداشت در سنین پیری زنان و مردان را تفکیک کند ولی به علت عدم دید جنسیتی این مهم انجام نمی‌گیرد.

صورت مسئله روشن است و برمی‌گردیم به شناخت

چگونگی جا انداختن مقوله در بستر مدیریت توسعه‌ی ملی که مبهم است و نیاز به مطالعه و بررسی بیشتر دارد.

در قالب یک سنت دیرینه برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه ملی در قالب بخش‌های مختلف صورت می‌گیرد و معمولاً یک وزارت‌خانه به اصطلاح متولی بخش مربوط می‌باشد و در مورد بهداشت زنان به نظر می‌رسد کار فقط در یک وزارت‌خانه مانند وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی نمی‌گنجد و مرکز امور مشارکت زنان از جایگاه مناسبی برای تهیه برنامه‌ای در این زمینه برخوردار است تا در طی این برنامه جایگاه و نقش متولی و متولیان نیز روشن شود.

- لطفاً درباره‌ی میزان انواع سرطان خانم‌ها در ایران بگویید.

- در ایران چون سیستم ثبت موارد ابتلا به سرطان را نداریم نمی‌توانیم آمار دقیقی بدهیم. آمار دقیق تفکیک میزان سرطان در شهرها و روستاها را نداریم و نمی‌دانیم چه عواملی به‌طور خاص در ایران موجب سرطان و افزایش آن می‌شود. از الگوهای غربی هم نمی‌توانیم تبعیت کنیم چون عوامل خطر در ایران با کشورهای مختلف متفاوت است مثلاً نژاد، آب و هوا، عادات غذایی و بر اثر عواملی که نمی‌دانیم چیست در مطالعات و پژوهش‌های مختلف در اصفهان، شهرکرد و تهران به این نتیجه رسیدیم. شیوع سرطان سینه در ایران بین سنین ۴۹ - ۴۰ سالگی است ولی این میزان در غرب بین سنین ۶۰ - ۵۰ سالگی است.

یعنی مبتلایان ایرانی به‌طور متوسط ده سال جوان‌تر هستند. در این سنین سرطان بدخیم‌تر است و ماهیت پدتری را دارد.

- مرکزی برای پژوهش در این باره وجود ندارد؟

- مرکز بیماری‌های سینه وابسته به جهاد دانشگاهی است ولی بسیار محدود است.

- آیا برنامه‌هایی برای پیشگیری داشتید؟

- در زمینه پیشگیری کارهای محدودی انجام شده است مثلاً به وسیله تلفن از زنان دعوت شد که در کلاسی که به منظور پیشگیری از سرطان سینه تشکیل شده است، شرکت کنند. شهرداری و مخابرات بسیار همکاری کرد ولی متأسفانه آن‌طور که می‌خواستیم نتیجه‌بخش نبود زیرا پاسخ مناسب را از طرف اجتماع نگرفتیم.

غریبالگری هم بسیار پرخرج است و امکانات وسیع می‌خواهد البته در ولز و کانادا و بیش‌تر کشورهای غربی که میزان شیوع و بروز زیاد است، غریبالگری سرطان سینه پیگیری فعال دارد یعنی اگر فردی هم مراجعه نکند، سیستم بهداشتی به دنبال وی می‌رود ولی متأسفانه ما نمی‌توانیم حتا از امکانات رادیو و تلویزیون نیز در این مورد استفاده کنیم. برای مثال شرح دهیم چه‌گونه سینه‌های خود را هرچند وقت یک‌بار معاینه کنند. در طرح دولت‌آباد دکتر عسگری نسب هم آموزش می‌دادند هم موارد مشکوک نمونه‌برداری می‌شد ولی چون پیگیری مناسب صورت نگرفت بنابراین بسیاری

از موارد از دست رفت زیرا عمل‌ها در بعضی موارد در بخش خصوصی انجام می‌گرفت بنابراین مرحله‌ای که زنان برای مراجعه مراجعه می‌کنند، عموماً مرحله سه است که خیلی دیر می‌باشد موارد مرحله دو پیشرفته هم حتی بسیار کم است. یعنی حتی مراجعه هم به موقع انجام نمی‌گیرد چه برسد به پیشگیری. متأسفانه روند بیماری به‌گونه‌ای است که تخمین بر ابتلای هر ساله بین ۵۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ مورد جدید به بیماران سرطان سینه اضافه می‌شود.

با توجه به این‌که درمان سرطان بسیار هزینه‌بردار است آیا جمعیتی برای حمایت از زنان سرطانی در ایران وجود دارد؟

انجمن مبارزه با بیماری‌های خاص از بیماران هموفیلی، تالاسمی، کلیوی و... حمایت می‌کند ولی متأسفانه از زنان سرطانی که به آن‌ها ظلم مضاعف شده است یعنی این‌که هم زن هستند و هم به بیماری سرطان مبتلا هستند، هیچ‌جا حمایت نمی‌شود. مثلاً زن ۳۳ ساله‌ای که در ورآمین ساکن است و شوهرش در یک گاوداری سرایدار است، خرج شیمی‌درمانی وی را افراد نیکوکار می‌دهند. یک حمایت سیستماتیک از این افراد به عمل نمی‌آید و متأسفانه بیمه هم نیستند. نه تنها این حمایت باید از بعد مادی صورت گیرد بلکه در تمام ابعاد نیز باید تحت پشتیبانی باشند مثلاً زنی که سینه‌اش را به علت سرطان برداشته‌اند از نظر روحی فشار بسیار زیادی را تحمل می‌کند. معمولاً بعد از عمل باید روان‌درمانی شوند یا روان‌شناس با این‌ها صحبت کند زیرا تصویر ذهنی این‌ها از جسم خویش تغییر کرده است و بسیار زمینه مساعدی برای افسردگی دارند. نباید گذاشت که از اجتماع کناره‌گیری کنند مثلاً در مسیر کارهای تحقیقاتی و درمانی مرکز بیماری‌های سینه، مقداری از مبتلایان به سرطان سینه پیدا شدند و عملاً فعال نبودن هیچ شبکه‌ی اجتماعی برای پرداختن به مشکلات خاص این‌ها، سبب گردهمایی و نشست‌هایی بین این‌ها شد و در طول مدت سه و نیم سال عملاً تاکنون سه گروه تشکیل شده است که جلسات ماهانه با هماهنگی یکی از زنان دکترهای مرکز بیماری‌های سینه تشکیل می‌دهند.

در مسیر رشد این گروه‌ها، جمعیت زنان مبتلا به سرطان سینه متولد شد. خودشان برنامه مسافرت دارند، خودشان در رابطه با بیماران با هم صحبت می‌کنند. دردها و محدودیت‌های یکدیگر را می‌فهمند و برای هم چاره‌اندیشی می‌کنند. همین روحیه آنان را بهتر کرده است. حتی در جلساتی روان‌پزشک با آن‌ها صحبت می‌کند. این زنان به اسم بیمار سرطانی دوره‌ای در حیطه‌ی محبت و توجه دیگران بودند. پنج سال از بیماری آن‌ها گذشته است. در این مدت جوی ساخته‌اند تا اطرافیان محدودیت‌های آنان را درک کنند. بعد از پنج سال شاید شرایط خاص آن‌ها فراموش شود و این بسیار خطرناک است. نباید گذاشت تا این افراد و موقعیت خاص آن‌ها در پیچ و خم زندگی اطرافیان فراموش شود.

با تشکر از شما □

پوکی استخوان

بیماری پوکی استخوان بیماری است که در زنان خیلی بیش‌تر از مردان به چشم می‌خورد به طوری که از هر سه زن یک نفر مبتلا به این بیماری است در حالی که این بیماری در مردان یک به ۱۲ است زیرا زنان در مقایسه با مردان توده استخوانی کم‌تری را دارا می‌باشند و بعد از یائسگی میزان زیادی از املاح استخوانی خود را از دست می‌دهند.

البته بیماری مختص سن بالا نیست حتی شکستگی ناشی از پوکی استخوان و یا بد شکل شدن آن و درد ناشی از آن را در هزاران زن ۵۰ ساله هم می‌توان دید. شکستگی استخوان‌ها و آثار ناشی از آن بزرگ‌ترین خطر پوکی استخوان است. این شکستگی در ستون فقرات به دردهای طاقت فرسا منجر می‌شود. پوکی استخوان گاهی منجر به شکستگی لگن خاصره و کمر می‌شود. متأسفانه تشخیص بیماری در مراحل اولیه مشکل است بنابراین فقط هوشیاری هر فرد در توجه به عوامل خطر می‌تواند از به وجود آمدن و یا پیشروی آن جلوگیری کند.

عوامل خطر بیماری موارد زیر هستند.

- ۱- یائسگی.
 - ۲- پیشینه خانوادگی.
 - ۳- جثه ضعیف و بلند و باریک.
 - ۴- زیاد ققازی یا آسیایی.
 - ۵- فقر کلسیم.
 - ۶- زنانی که کم‌تر ورزش می‌کنند.
 - ۷- زنانی که بیش از ۲۰ سیگار در روز می‌کشند.
 - ۸- زنان الکلی
 - ۹- استعمال بعضی داروها چون استروئیدها که زمینه را برای پوکی استخوان مساعد می‌کنند.
- با توجه به عوامل بالا اگر شما در خطر پوکی استخوان هستید باید مرتباً اسکن استخوان شوید تا وضعیت استخوان‌هایتان مورد ارزیابی قرار گیرد. برای این‌که کم‌تر املاح استخوانی خود را از دست بدهید به این مسائل توجه کنید:

- ۱- رژیم غنی از کلسیم اگرچه به تنهایی نمی‌تواند پوکی استخوان را متوقف کند ولی بسیار مؤثر است (مصرف ۱۰۰۰ mg کلسیم روزانه). نوشیدن یک لیوان شیر شبها قبل از خواب دفع کلسیم به وسیله ادرار را به نصف تقلیل می‌دهد.
 - ۲- حذف الکل و سیگار.
 - ۳- تمرینات ورزشی ۲۰ دقیقه سه بار در هفته نه تنها عضلات را تقویت می‌کند بلکه میزان افتادگی و شکستگی استخوان‌ها را کاهش می‌دهد.
 - ۴- هورمون درمانی. بعد از یائسگی بزرگ‌ترین علت گسترش پوکی استخوان فقدان استروژن است. هورمون درمانی ۵۰ درصد میزان شکستگی استخوان را کاهش می‌دهد ولی برای انجام آن حتماً باید با پزشک مشورت کرد.
- بهرتر است طی کردن این پله‌های سلامت، قبل از یائسگی مثلاً در ۳۰ سالگی شروع شود تا استخوان‌های

سالم را قبل از زنگ خطر داشته باشیم.
پانویس:

۱- پوکی استخوان یا استئوپروز
منبع: BBC

مادر بودن بر قدرت مغز می‌افزاید

در پژوهشی که روی موش‌ها انجام شد، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که مادر بودن بر قدرت مغز می‌افزاید. محققان دانشگاه «ریچموند» اعلام داشتند: «هورمون‌هایی که به علت بارداری در موش‌ها ترشح می‌شود با مواد محرک دیگر ترکیب شده و تأثیر شگرفی بر قدرت یادگیری و حافظه آنان می‌گذارد.» پژوهشگران گمان می‌کنند که سلول‌های مغزی ارتباط عصبی جدیدی را در نتیجه ارتباط با محرک‌های حسی که والدین به وجود می‌آورند چون نگاه کردن، نوازش و صحبت با کودک را ایجاد می‌کنند.

نتایج قابل توجه این‌جاست که حتی موش‌هایی که زایمان نکرده‌اند ولی به پرورش اقدام کرده‌اند، نیز بهتر می‌توانند غذا را در پشت دیوار پیدا کنند.

هورمون استروژن به کاهش خطر بیماری آلزایمر در زنان جوان کمک می‌کند

نقش استروژن بیش‌تر در جهت پیش‌گیری بیماری است زیرا استروژن از سلول‌ها حراست می‌کند. در تحقیقی که بر روی ۱۰۹ زن بیمار و سالم که متوسط سن آن‌ها ۵۹ سال بود انجام شد، گروه شاهد که زنان سالم را تشکیل می‌دادند همگی از استروژن به عنوان قرص ضدبارداری و یا هورمون درمانی در سنین یائسگی استفاده می‌کردند.

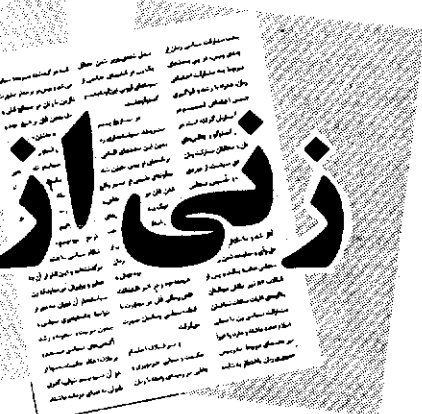
آلزایمر بیماری مغزی است که در آن سلول‌های مغز دچار انحطاط شده و هم اکنون ۲۵ میلیون نفر را در سراسر گیتی گرفتار کرده است. در این بیماری چیزی که بیش از همه جلب نظر می‌کند، نقش عوامل ژنتیک در پیدایش زودرس بیماری است که یک درصد کل آلزایمر را شامل می‌شود. قربانیان از روبه زوال رفتن حافظه و توجه، قدرت تصمیم‌گیری، قدرت ادراک، کاهش قدرت یادگیری و تکلم در عذاب هستند.

زنان و سیاه‌پوستان بیش‌تر در خطر سکته‌ی مغزی و بیماری‌های قلبی هستند

بیماری‌های قلبی و عروقی هر ساله قربانیان زیادی را به کام مرگ فرو می‌برد. در امریکا ۴۱ درصد مرگ و میرها ناشی از این بیماری‌ست ولی متأسفانه این بیماری قربانیان خود را بیش‌تر از بین زنان انتخاب می‌کند. هر ساله زنانی که از سکته مغزی می‌میرند دو برابری شمار زنانی است که از سرطان سینه تلف می‌شوند.

سیاهان دو برابر سفید پوستان دچار سکته می‌شوند و چهار برابر آنان از نارسایی کلیه در رنجند زیرا فشار خون در سیاه‌پوستان بالاتر از سفیدپوستان است. □

گزارشی از مشارکت سیاسی



● **خَرّه با پیش رو نهادنِ تابلوی بر باد رفتنِ زن و ثروت، می خواهد پیش بینی اش را از بدترین شکل بی ثباتی و هرج و مرج در جامعه ای مردسالار، به مسعود گوشزد کند.**

● **نامه ی خَرّه ی ختلی و مداخله ی سیاسی او به تغییر سرنوشت سلطنت غزنوی و انتقال حکومت از محمد بنه مسعود، و تغییر مسیر و روندِ بخش وسیعی از تاریخ ایران شد.**

شوهر - مؤثر بودند و منافع خاندان خود را در نزد سلطان و تصمیم گیری ها و سوگیری هایش تثبیت و تحکیم می کردند.

برای بازخوانی تنها نامه ی بازمانده از خَرّه ی ختلی - زن سیاستمدار یک هزاره ی پیش - بد نیست نمونه وار بنگریم به ازدواج های سیاسی از متن **تاریخ بیهقی** که تنها منبع دست اول نامه خَرّه ی ختلی است. می توانیم از ازدواج مسعود غزنوی با شاه خاتون، دختر قدرخان (خاقان ترک) و همزمان با آن ازدواج پسر مسعود و ولی عهد وی، مودود، با دختر پسر قدرخان نام ببریم که برای حسن همجواری با سلسله ایلک خانیه یا آل افراسیاب صورت گرفت. این سلسله در آسیای مرکزی حکومت می کردند و از ماوراءالنهر با قلمرو غزنوی هم مرز بودند. این ازدواج بر تمرکز مسعود بر درگیری های داخلی و خارجی دیگر می افزود و از تشویش خیال و نگرانی او در مرزهای شمال شرقی می کاست. خود مسعود به هنگام خواستگاری اش چنین می گوید: «... تا این دوستی چنان مؤکد گردد، که زمان را در گذردن آن هیچ تأثیر نمایانند...»

ازدواج مسعود با دختر **باکالیجار** - پسر امیر منوچهر قابوس از امیران آل زبار - نیز ازدواج سیاسی دیگری بود. ازدواج **گوهر** دختر مسعود غزنوی با **احمد** پسر **محمد غزنوی** - برادر مسعود - نیز نمونه ای دیگر و ازدواج **حزّه ی کالجی** عمه ی سلطان مسعود با **امیر ابوالعباس خوارزمشاه** و ... حکایت از ازدواج های مختلف در جهات مختلف جغرافیایی قلمرو غزنوی دارد.

نگاهی به برخی زنان سیاستمدار در حول و حوش قرن چهارم تا ششم هجری نشان می دهد که در فاصله ی این دو قرن، شمار زنان یاد شده از انگشتان یک دست کم تر است اما تنها در دوره ی پادشاهی مسعود چند برابر این تعداد به ازدواج های سیاسی برمی خوریم. از زنان سیاستمدار آن دوران می توان **سیده خاتون دیلمی** (قرن چهارم) را نام برد که تا **بلوغ مجدالدوله** و بسیار با کفایت تر از پسر حکومت کرد و یا از **ترکان خاتون** یاد کرد که همسر **ملکشاه سلجوقی** (قرن پنجم) بود. وی «در کار سلطنت شوهر

خاص زندگی آنان در مجاورت با قطب سیاسی زمانشان صورت می گرفت.

و برخلاف احکام حکمت و مبنای خردورزی و دانایی در زمینه ی رابطه با زنان که در گذشته صریحاً تبلیغ می شد و بیش تر بر مدار مشورت نکردن با زنان در مصالح کلی و وقوف ندادن آنان بر اسرار خود و حتا پوشیده داشتن مقدار مال و مایه از وی استوار بود چرا که «رای های ناصواب و نقصان تمیز ایشان در هر باب مستعدی آفات بسیار دانسته ام» می شد، باز هم زنان سیاستمداری را در ایران می توانیم شاهد باشیم که از دژ دسپوتیسم شرقی حاکم به نظام سیاسی - اجتماعی ایران برگزشته اند و این کار از آن جا خطر و پرارزش می نماید که زن سیاستمدار آن دوران به دور از شرایط جامعه پذیری سیاسی و بدون تربیت و تجربه و رشد آگاهی های سیاسی منسجم و برخلاف احکام حکمت نه تنها از دژ آن دسپوتیسم شرقی، گذری نامرئی به دنیای مردانه داشته، بلکه جهت دهنده ی سیاسی و تأثیر گذارنده بر سیاست های حاکم و دارنده ی نقش عمده در سرنوشت سیاسی دوره اش نیز بوده است. مشارکت سیاسی زنان در هر دوره ای از آن جایبیش از دیگر عرصه ها حساس و خطیر می نموده که کانون و نظام سیاسی را می توان به منز استخوانی همانند کرد که سازنده ی خون مردسالاری و به جریان درآورنده ی آن از شاهربگ به مویرگ ها و شریان های سامانه ی مردسالار است.

از موارد معدود زنان سیاستمدار ایران که بگذریم، مشارکت سیاسی زنان در ایران همیشه به ویژه در دوران پیش از معاصر، بعد ازدواج سیلی محدود بوده است. و البته در این مشارکت سیاسی محدود به حیطه ی ازدواج جایگاه زن در حد و حدود مال ضمنی - که امیر و جانشین شاه در هر ولایتی به شاه (دولت مرکزی) متعهد می شد - بوده است. زنان بعضاً در تصمیم گیری های سیاسی سلطان -

صفحه ی تاریخ ماهانامه ی حقوق زنان، در این شماره و شماره ی بعد استثنائاً از تاریخ معاصر که حیطه و گستره ی برگزیده اش است، گذاری به گذشته دارد. در این شماره نامه ی زنی سیاستمدار به نام خَرّه ی ختلی - عمه ی سلطان مسعود غزنوی - از متن تاریخ بیهقی نوشته ی ابوالفضل بیهقی، قرن پنجم هجری، بازخوانی می شود که نقشی مهم و خطیر در جهت دهی و آرایش سیاسی سلسله ی غزنوی پس از سلطان محمود غزنوی داشت.

بحث مشارکت سیاسی زنان از چندی پیش، در پی بحث های مربوط به مشارکت اجتماعی زنان، همراه با رشد و فراگیری جنبش اجتماعی فمینیسم در جهان گسترش گرفته است. در ایران نیز گفت و گو و چالش های موافقان و مخالفان مشارکت زنان در عرصه ی سیاست، از دوره ی مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی با حذف زنان از رأی دادن و رأی گرفتن و در زمره ی صفار و مجانبین شمردن آنان، آغاز شد و با تلاش برای کسب حق رأی و نماینده شدن زنان در مجلس ادامه یافت و پس از انقلاب ۵۷ نیز تلاش موافقان به گونه ی اثبات منافات نداشتن مشارکت سیاسی زن با مبنای اسلام ادامه داشته و دارد و اخیراً نیز بحث های مربوط به رئیس جمهوری زنان یا انتظار به شایبه مبدل شده ی وزیر شدن حداقل یک زن در کابینه ی خاتمی از نمونه های فزونی این گونه بحث و گفت و گوهاست.

در تاریخ پیش از مشروطه، سیاستمداری زنان، بدون این بحث های اقتصای یا برنامه های از پیش تعیین شده، به گونه ای طبیعی از مسیر واقع شدن آنان در شرایطی خاص و نزدیک به تصمیم گیری های سیاسی اتفاق می افتاد. بحث مشارکت سیاسی زنان، محلی از اعراب نداشت و عمل گرایی زنان در عرصه ی سیاست خودجوش و خودبده خود و در اثر اقتضایات



● از متن نامه می توان دریافت که خَرّه زنی باسواد، با شعور سیاسی بالا و آگاه به مسائل روز، کاردان و جسور بوده است.

به جمگی بر قلعت غزنین می‌باشیم و پس فردا مرگ او را آشکارا کنیم. و نماز خفتن آن پادشاه را به باغ پیروزی دفن کردند و ما همه در حسرت دیدار وی ماندیم که هفته‌ای بود که تا ندیده بودیم. و کارها همه بر حاجب علی می‌رود و پس از دفن سواران مسرع رفتند هم در شب به گورگانان تا برادر محمد به زودی این‌جا آید. بر تخت ملک نشیند و عفت به حکم شفقت که دارد بر امیر فرزند هم در این شب به خط خویش ملاحظه‌ای نبشت و فرمود تا سبک‌تر دو رکابدار را که آمده‌اند پیش از این به چند مهم نزدیک امیر، نامزد کنند تا پوشیده با این ملاحظه از غزنین بروند و به زودی به جایگاه رسند و امیر داند که از برادر این کار بزرگ برنیاید و این خاندان را دشمنان بسیارند و ما عورات و خزان به صحرا افتادیم. باید که این کار به زودی دست گیرد که ولی عهد پدر است و مشغول نشود بدان ولایت که گرفته است و دیگر ولایت بتوان گرفت که آن کارها که تا اکنون می‌رفت بیش‌تر به حشمت پدر بود و چون خبر مرگ وی آشکارا گردد، کارها از لونی دیگر گردد و اصل غزنین است و آن‌گاه خراسان و دیگر همه فرع است تا آنچه نبشتم، نیکو اندیشه کند و سخت به تعجیل بسیج آمدن کند تا این تخت ملک و ما ضایع نمانیم و به زودی قاصدان را بازگرداند که عفت چشم به راه دارد و هر چه این‌جا رود، سوی وی نبشته می‌آید.^۶

از متن نامه می‌توان دریافت که خَرّه زنی باسواد، با شعور سیاسی بالا و آگاه به مسائل روز، کاردان و جسور بوده است که در هنگام قدرت محمد و گرایش درباریان به او، به نامه‌نگاری پنهانی روی می‌آورد و برای تحقق

و بوسهل حمدوی (وزیر امیر محمد در هفت ماه پادشاهی) و خواجه علی میکائیل رییس (از رجال مشهور غزنوی) و سرهنگ بوعلی کوتوال (نگاه دارنده ی قلعه و شهر غزنین) به مستود نامه می‌نویسند. در تاریخ بیهقی در این باره چنین آمده است:

در این مدت قاصدان مسرع رسیدند از غزنین و نامه‌ها آوردند از آن امیریوسف و حاجب بزرگ علی و بوسهل حمدوی و خواجه علی میکائیل رییس و سرهنگ بوعلی کوتوال و همگان بندگی نموده و گفته که «از بهر تسکین وقت را امیر محمد را به غزنین خوانده‌اند تا اضطرابی نیفتد و به هیچ‌حال این کار از وی برنیاید که جز به نشاط و لهو مشغول نیست. خداوند را که ولی عهد پدر به حقیقت اوست بپاید شتافت به دلی قوی و نشاطی تمام تا هرچه زودتر به تخت ملک رسد که چندان است که نام بزرگ او از خراسان بشنوند، به خدمت پیش آیند.» و والدهی امیر مسعود و عمتش، خَرّه ی ختلی نیز نبشته بودند و باز نموده که بر گفتار این بندگان اعتمادی تمام باید کرد که آنچه گفته‌اند، حقیقت است.^۵

نکته‌ی جالب توجه در این بخش آن است که برخلاف میانی حکمت مردسالارانه که مرد را از مشورت با زن منع می‌کند، تأیید و تصدیق سخن آن بزرگان و رجال، در دعوت مسعود به پایتخت و گونه‌ای بیعت و اعلام وفاداری آنان با مسعود، از سوی این دو زن - مادر مسعود و عمه‌اش خَرّه - صورت می‌گیرد. این دوئند که بر حرف رجال سیاسی معتبر آن دوره صحنه می‌گذارند. گفتنی‌ست که نامه‌ی رجال پس از نامه‌ی خَرّه و ترغیب مسعود به بازگشت به پایتخت و جهت‌دهی سیاسی او صورت گرفته است. بخوانیم متن نامه را:

خداوند ما سلطان محمود نماز دیگر روز پنج‌شنبه هفت روز مانده بود از ربیع‌الآخر گذشته شد، رَحْمَةُ اللهِ و روز بندگان پایان آمد و من با همه‌ی خَرّم

دخالت مستقیم داشت و در نتیجه‌ی اختلافی که بر سر جانشینی سلطان بین خواجه نظام‌الملک و آن زن بود، ترکان خاتون با استفاده از شرایط مساعدی که وجود داشت، موجبات طرد نظام‌الملک و روی کار آمدن برکیارق را فراهم کرد و...^۳

اما آگاهی ما درباره‌ی خَرّه ی ختلی، خواهر سلطان محمود غزنوی و عمه‌ی سلطان مسعود و نوع مشارکت و پینش سیاسی او، تنها به مکتوبی چند سطر محدود است که وی پنهانی به مسعود فرستاد و با آن سرنوشت سلسله‌ی غزنوی و شاه مقتدری چون مسعود را تعیین کرد.

غزنویان، ایجاد کننده‌ی بزرگ‌ترین سلطنت پس از اسلام در ایران هستند. محمود غزنوی از پادشاهان بزرگ ایران پس از اسلام و از فاتحان مشهور تاریخ اسلام است. قلمرو پادشاهی او از ری و اصفهان تا خوارزم و ولایت گجرات و سواحل عمان در هندوستان گسترده بود. پس از محمود، پسرش محمد چند ماهی سلطنت این حکومت بزرگ را در دست داشت. در هنگام مرگ پدر، مسعود در عراق بوده و با نامه‌ی عمه‌اش خَرّه ی ختلی و با استدلال و ترغیب او برای بازگشت به پایتخت - غزنین - به خراسان لشکر کشید و چنین شد که سران غزنوی محمد را در قلعه‌ی کوهتیز اسیر کردند و مسعود بر تخت نشست.

نامه‌ی خَرّه ی ختلی و مداخله‌ی سیاسی او که به تغییر سرنوشت سلطنت غزنوی و انتقال حکومت از محمد به مسعود، زندانی و گور شدن محمد و تغییر مسیر و روند بخش وسیعی از تاریخ ایران شد، تنها سند از هستی سیاسی خَرّه است. گرچه او به مسعود می‌نویسد: «هرچه این‌جا رود، سوی وی نبشته می‌آید» یا می‌گوید دو رکابدار را که پیش از این برای چند مهم زردت فرستادم، پنهانی به سوی تو روانه می‌کنم، اما متن دیگری از نامه‌نگاری و جهت‌دهی سیاسی او در دست نیست، به جز اشاره‌ای که در همین بخش از تاریخ بیهقی به نامه‌ی مادر امیر مسعود و خَرّه می‌شود. این دو زن در تأیید و توثیق و قابل اعتماد بودن گفته‌های بزرگان و اعیان غزنوی، چون امیریوسف (عموی سلطان مسعود) و حاجب بزرگ علی

● نکته‌ی جالب آن که برخلاف مبانی حکمتِ مردسالارانه که مرد را از مشورت با زن منع می‌کند، مادر مسعود و عمه‌اش خَرّه بر حرف رجال سیاسی معتبر آن دوره صحه می‌گذارند.

اراده‌ی خود، در شکل‌گیری و آرایش سیاسی دولت غزنوی پس از مرگ محمود، از حد جهت‌دهی به ترغیب و اصرار می‌گریزد. او می‌پندارد که از محمد اداری سلطنت وسیع و بزرگ غزنوی بر نمی‌آید و در نامه‌اش به بسیاری دشمنان این خاندان اشاره می‌کند و با جمله‌ی «ما عورات و خزائن به صحرا افتادیم» و همت چشم به راه دارد» بیش از پیش در ترغیب و تحریض مسعود می‌کوشد و با تحریک عواطف وی، به عنوان آخرین حربه تلاش می‌کند اراده‌ی خود را در تغییر سیاست محقق سازد. تحلیل دیگری نیز برای این جمله‌ی خَرّه می‌توان ارائه داد و آن این‌که او با پیش‌رو نهادن تابلوی بر یاد رفتن زن و ثروت، می‌خواهد پیش‌بینی‌اش را از بدترین شکل بی‌ثباتی و هرج و مرج در جامعه‌ی مردسالار - یعنی بر یاد رفتن زن و ثروت - که به زعم درست او با سلطنت محمد رخ می‌دهد، به مسعود گوشزد کند. استدلال او برای قانع کردن مسعود به بازگشت از تصرف ولایات نیز نکته‌ی جالبی در نگاه سیاسی و جهان‌بینی کشورداری خَرّه است.

شگفت آن که خواجه طاهر دبیر - دبیر مسعود و از رجال سیاسی آگاه آن دوره - پس از خواندن نامه‌ی خَرّه نمی‌تواند هیچ بدان بیفزاید گفته‌ی خَرّه: «نصیحت محض می‌داند و می‌گوید با این نامه به هیچ مشاورت حاجت نیاید».

[خواجه طاهر دبیر پس از خواندن نامه می‌گوید]: زندگانی خداوند دراز یازد، به هیچ مشاورت حاجت نیاید، بر آنچه نبشته است، کار می‌باید کرد که هر چه گفته است، همه نصیحت محض است، هیچ‌کس را این فراز نیاید [گفت].
مسعود نیز می‌گوید: همچنین است و رای درست این است که دیده است و همچنین کنم. اگر خدای عز و جل خواهد.

ابع:

ناصری، خواجه نظام‌الملک، به کوشش مینوی، ۲۱۹، انتشارات خوارزمی، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
 الفضل بیهمی، تصحیح علی‌اکبر فیاض، ص ۳۰۰، مشهد، ۱۳۵۰، چاپ اول.
 حسن آزاد، ص ۱۶۸، انتشارات سفا جلد یکم، ص ۲۱۶.

شرط ضمن عقد ازدواج ... بقیه از صفحه‌ی ۵

۷- ابتلای زوج به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل آورد و ادامه زندگی را برای زوجه دشوار کند.

در صورتی که شوهر مبتلا به اعتیاد شود و به گونه‌ای در آن غوطه‌ور شود که به اساس خانواده صدمه وارد کند زن این حق را دارد که به دادگاه مراجعه کند و برای رفع این دشواری از دادگاه کمک بگیرد. این بند دارای اهمیتی قابل توجه است، زیرا زنان بسیاری به دلیل اعتیاد همسرشان سال‌های متوالی مجبور به زندگی با فردی شده‌اند که نه از زندگی آنان چیزی باقی گذارد و نه از آبرو و حیثیت خانواده. چه بسیار زنان و کودکانی که به دلیل وجود مردی معتاد اساس زندگیشان بر هم خورده و تلاش آنان حتا پس از چندین بار کمک برای ترک اعتیاد مرد با مشکل مواجه شده است.

۸- زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند. تشخیص ترک زندگی خانوادگی و تشخیص عذر موجه با دادگاه است و یا شش ماه متوالی بدون عذر موجه از نظر دادگاه غیبت نماید.

ذکر بدون عذر موجه ازین رو در این بند آمده است که گاه مرد غیبت می‌کند ولی این غیبت به خواست او به قصد آزار و اذیت خانواده نیست. ولی اگر غیبت بدون عذر موجه و در واقع به قصد اضرار به زن و فرزند باشد، پس از تشخیص آن توسط دادگاه به زن اجازه طلاق داده می‌شود. بسیاری از پرونده‌های دادگاه نشان از ترک خانه و زندگی توسط مرد و با بهانه‌های واهی بوده است و در حقیقت مرد با این عمل درصدد آزار و اذیت زن برآمده است. صدور مجوز طلاق از طرف دادگاه راه خشونت‌های خانگی را بر زنان پس از مدت‌ها رنج بردن می‌بندد.

۹- محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب جرم و اجراء هرگونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر ارتکاب جرمی که با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه مغایر باشد تشخیص این که مجازات مغایر با حیثیت و شئون خانودگی است با توجه به وضع و موقعیت زوجه و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.

جرم عملی است که قانون آن را از طریق تعیین مجازات منع کرده است ازین‌رو اگر مرد در اثر ارتکاب جرم به مجازاتی چون حد و تعزیر محکوم شود و این محکومیت به شخصیت زن و حیثیت خانوادگی لطمه بزند زن حق دارد به دادگاه مراجعه کند.

۱۰- در صورتی که پس از گذشت پنج سال زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر زوج صاحب فرزند نشود.

عقد ازدواج و تشکیل زندگی برای زن و مرد اتحاد هدف آنان را در پی دارد اما عرفاً داشتن فرزند به این زندگی نشاط بیشتری می‌بخشد. حال اگر زنی پس از پنج سال زندگی مشترک صاحب فرزند نشود و علاقه‌مند بود که صاحب فرزندی بشود ولی عقیم بودن شوهر و یا

هر عارضه‌ی جسمی دیگری مانع این خواسته شد، زن این حق را دارد که به دادگاه مراجعه کند.

۱۱- در صورتی که زوج مفقودالذات شود و ظرف شش ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.

مفقودالذات بودن زوج بدین معنی است که اگر غیبت مرد مدت نسبتاً زیادی گذشته باشد و به هیچ‌وجه از مرد خبری نباشد و هیچ‌یک از بستگان و خویشان نیز از او خبری نداشته باشند زن می‌تواند به دادگاه مراجعه و اعلام کند که شوهرش مفقودالذات است. پس از شش ماه که از مراجعه‌ی زن به دادگاه گذشت و از مرد خبری نشد این شرط تحقق یافته و زن می‌تواند از دادگاه بخواهد که به شرط عمل کند.

۱۲- زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار نکند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

ازدواج مجدد مرد از مسائلی است که اغلب زنان از آن بیم دارند و یا برخی از زنان به آن مبتلا هستند. در صورت اول ترس و وحشت از برهم خوردن زندگی و نگرانی حاصل از آن موجب شده است که این شرط از شروط مهم عقدنامه به حساب آید و مرد ملزم به کسب رضایت زن اول شود. در صورت دوم اجرای عدالت نسبت به همسران مورد نظر قرار گرفته است تا از بی‌عدالتی نسبت به زن کاسته شود.

۱۲ موردی که یک به یک به‌طور مختصر توضیح داده شد در صورتی معتبر است که به امضای زن و مرد هر دو رسیده باشد و هر دو ذیل شرط را امضا کرده باشند. نکته دیگری که قابل توجه است و باید به آن دقت شود مراجعه به دادگاه و تشخیص دادگاه است. لازم به یادآوری است که زنان برای اعلام مواردی که برخلاف شرط مندرج در عقدنامه آمده است باید دلایل کافی به دادگاه ارائه دهند و صرف بیان موضوع کفایت نمی‌کند.

در بخشی از سند ازدواج آمده است: سایر شرایط که بدون توجه اغلب مشاهده می‌شود که کلمه ندارد در جلوی آن می‌آید. حال آن که در بخش سایر شرایط شما می‌توانید غیر از شرایط مندرج در سند ازدواج شرایط دیگری را که مایلید تا به امضا همسر آینده‌تان برسانید، بیاورید. برای مثال اعلام کنید که مسکن مستقل می‌خواهید و یا می‌خواهید ادامه تحصیل دهید و یا می‌خواهید که شغل شوید. هر شرطی اضافه بر شرایط مندرج در سند ازدواج را می‌توانید در این بخش تقاضا کنید و از همسرتان تأیید و امضا بگیرید. توجه به این بخش و اعلام خواسته‌هایتان در آینده از اختلافات شما خواهد کاست. هدف قانونگذار نیز این بوده است که در آنجایی که می‌تواند از طریق استفاده از شروط ضمن عقد، شما را به تأمین و عدالت اجتماعی نزدیک کند. □

انتشارات هیرمند منتشر می‌کند:



شاهنامه‌ی فردوسی

گزارش و ریشه‌شناسی واژگان و شرح یکایک ابیات و عبارات

همراه با ترجمه‌ی عربی بنداری

با فهرست واژه‌های اوستایی و پهلوی

متن اساس: چاپ مسکو

مقابله با نسخه‌های «فلورانس» و «خالقی مطلق» و پنج نسخه‌ی دیگر

مهری بهفر

توضیح و پوزش:

ضمن اصلاح از خوانندگان مجله پوزش می‌خواهیم: «فاطمه سیاح، از فعالان جنبش زنان در ایران بود، وی...»

۳- در شماره‌ی ۱۴ مجله‌ی حقوق زنان، مطلب «پیامدهای بهداشتی خشونت بر زنان» برگردان لیلا عنصری به دلیل حجم زیاد پانوشته‌های آن چاپ نشد. گفتنی‌ست که پانوشته‌های این مقاله در دفتر نشریه برای علاقه‌مندان در دسترس است.

به جامعه بیش از پیش گرایش یافته است. با توجه به این‌که در بعضی از مناطق جهان مراقبت‌های مامایی باعث کاهش مداخله‌های مامایی به میزان نصف شده است. بنابراین توجه بیش‌تر به نقش و جایگاه ماما در سیستم بهداشتی و درمانی کشور ما از ضروریات به‌نظر می‌رسد.

منابع:

1- Bennett, R, Brawn, I, Myles Textbook For Midwives, 1989.

2- Mother - baby package: implementing safe motherhood in countries WHO 1996.

3- Midwifery, its role in safe motherhood and beyond, WHO.

4- Midwifery, practice Measuring, Developing, and Mobilizing quality care, WHO, 1994.

- آرام، میترا، آبستنی و زایمان، چهر ۱۳۶۹.

- اکبرزاده، مرضیه، مروری به وضعیت موجود مامایی در ایران و جهان، ۱۳۷۱.

- پیام‌های آقایان دکتر هیروشی تاکاچی و دکتر حسین عبدالرزاق به مناسبت روز جهانی بهداشت، ۱۳۷۷.

۲۰. همان، صص ۴-۱۰۳.

۲۱. همان، ص ۱۰۹.

۲۲. همان، ص ۱۱۴.

۲۳. دکتر حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، (تهران: نشرنی، ۱۳۷۴)، صص ۳۱۱-۳۰۹.

۲۴. ویل دورانت، لغات فلسفه، ترجمه‌ی عباس زریاب، (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰)، صص ۵-۲۳۴.

۲۵. دکتر بشیریه، همان، ص ۲۹۲.

۲۶. رزا افتخاری، «زنان در پارلمان‌های جهانی»، مجله زنان، ش. ۲۷، ص ۵۳.

۲۷. بتول جعفری، موقعیت زنان در هلند، (لاهد، سفارت ج.ا.ا، ۱۳۷۰/۵/۱۴)، ص ۹.

۲۸. آندرد میشل، جنبش اجتماعی زنان، (مشهد: نیکا، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۴.

۲۹. افتخاری، همان.

۳۰. میشل، همان، ص ۱۲۸.

۳۱. همان، ص ۱۰۳.

۳۲. همان، صص ۷-۱۲۶.

۳۳. همان.

۳۴. والننتین مقدمه، «زنان در جامعه»، ترجمه‌ی ع. پیرانوند، مجله جامعه سالم، س. ۵، ش. ۲۲، (شهریور ۷۴)، صص ۲۲-۵.

۳۵. میشل، همان، ص ۸.

۱- در شماره‌ی ۱۴ مجله‌ی حقوق زنان، مطلب «دنیای رنگارنگ چندین هنره که مصاحبه با میهن بهرامی - داستان‌نویس، نقاش و منتقد - اختصاص یافته بود، به دلیل اشکال فنی، نام نخست ایشان در روی جلد، به مهین تغییر یافت که ضمن اصلاح آن، از ایشان و خوانندگان پوزش می‌طلبیم.

۲- به دلیل اشکال فنی، سطر نخست از مطلب «سیاح، جنبش اجتماعی زنان ایران» حذف شد، که در این جا

نقش ماما در تأمین سلامت زنان

بقیه از صفحه‌ی ۴۹

۲- در مراکز بهداشتی: تأمین آموزش و انجام مراقبت‌های اولیه از نظر پیشگیری و غربالگری زنان در معرض خطر و انجام کمک‌های اولیه مامایی و ارجاع ۳- در بیمارستان: انجام مراقبت‌های لازم حین زایمان، بعد از زایمان و مراقبت از نوزاد، ارجاع، همکاری با پزشک و انجام فوریت‌های پزشکی لازم در صورت عدم دسترسی به پزشک.

نتیجه:

در روند توسعه، توجه به سلامت دختران و زنان و نیز کاهش مرگ و میر مادر و کودک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ماماها با ارائه خدمات مطلوب مامایی می‌توانند تأمین‌کننده سلامت زنان در جامعه باشند.

در بعضی از مناطق دنیا که مرگ و میر مادری بسیار کم است بیش از ۷۵ درصد از تمامی زایمان‌ها توسط ماماها انجام می‌شود. همچنین مرگ و میر مادری و ناتوانی‌ها با ورود ماماها خوب آموزش‌دیده

جنبش اجتماعی زنان - ۵

بقیه از صفحه‌ی ۱۸

۵. همان، ص ۹۰.

۶. دکتر حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۴)، ص ۲۹۰.

۷. میشل، همان، ص ۹۱.

۸. محمدپور، همان.

۹. دکتر بشیریه، همان.

۱۰. میشل، همان، صص ۲-۹۲.

۱۱. دکتر بشیریه، همان.

۱۲. میشل، همان، صص ۲-۹۱.

۱۳. همان، ص ۸۶.

۱۴. بتول جعفری، موقعیت زنان در هلند، از آغاز تا امروز، (لاهد: سفارت ج.ا.ا، ۱۳۷۰/۵/۱۴)، صص ۹-۸.

15. Jill M. Bystudzinski, entransforming politics: World wide strategies for empowerment, (U.S.A: Indion U.P., 1992), p.p.12-13.

۱۶. میشل، همان، صص ۹۵-۹۴.

۱۷. همان، صص ۱۰۰-۹۹.

۱۸. همان، ص ۱۰۱.

۱۹. همان، ص ۱۰۳.